دانشگاه فردوسی

دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی

# مجموعهٔ سخنرانیهای نخستین سمینار

# مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران

به کوشش

محمود علوی

مشهد، ۱۳۵۴

دانشگاه فردوسی

دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی

# مجموعه سخنرانیهای

# نخستین سمینار

# مسائل جغرافیایی ناحیه‌ای ایران

به کوشش

محمود علوی

مشهد، ۱۳۵۴

## فهرست مطالب

| عنوان | صفحه |
| --- | --- |

نخستین سمینار مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران بنا به‌پیشنهاد گروه آموزشی جغرافیای دانشکدهٔ ادبیات وعلوم‌انسانی وموافقت دانشگاه‌فردوسی باسخنان جناب آقای دکتر مقتدرمژدهی رئیس وقت دانشگاه و بیانات جناب‌آقای جلال متینی رئیس دانشگاه در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵٤ درتالار فردوسی دانشکدهٔ ادبیات وعلوم اسانی دانشگاه‌فردوسی برگزار گردید وجمعاً شش‌تن ازاستادان دانشگاههای کشور بشرح‌زیر سخنرانی کردند .

**۲۰ اردیبهشت ۱۳۵٤**

آقای محمدحسن گنجی ؛ دانشگاه‌تهران : ملاحظاتی دربارهٔ محتوی وروش جغرافیای ناحیه‌ای .

آقای محمدحمصی ؛ دانشگاه پهلوی شیراز : بحثی‌پیرامون عوامل مؤثردر مهاجرت نیروی‌انسانی درایران .

عباس سعیدی رضوانی ؛ دانشگاه‌فردوسی : نگاهی به‌ویژگیهای انسانی‌شمال خراسان .

**۲۱ اردیبهشت ۱۳۵٤**

آقای یدالله فرید ؛ دانشگاه‌آذرابادگان : بررسی‌کار ونقش شهرهای ایران باداده‌های آماری

آقای سیروس شفقی ؛ دانشگاه‌اصفهان : مسایل‌جغرافیائی اصفهان .

آقای سیروس سهامی ؛ دانشگاه فردوسی : نگاهی به زندگی روستائی در درهٔ کلات .

مجموعهٔ حاضر نتیجه و حاصل این مجلس بحث علمی می باشد .

سپاسگزاری از استادان محترمی که به دعوت دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی در نخستین سمینار مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران شرکت فرموده‌اند و عرض امتنان از جناب آقای جلال متینی رئیس محترم دانشگاه فردوسی که چاپ این مجموعه را مورد تأیید قرار داده‌اند وظیفه‌ای است که در این جا باید ادا شود . همچنین کوشش همکار محترم آقای محمود علوی که چاپ این کتاب را زیر نظر داشته‌اند موجب تشکر است.

امید است این مجلس بحث علمی همه ساله با شرکت جمعی از استادان فن در این دانشکده تشکیل و حاصل مطالعات و پژوهشهای ایشان منتشر شود .

سرپرست دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی

عباس سعیدی رضوانی

مشهد ، ۶ شهریور ۱۳۵٤

## سخنان جناب آقای دکتر مژدهی

## ریاست محترم دانشگاه فردوسی

جای بسی خوشوقتی است که برای اولین بار در سطح کشور نخستین سمینار مسایل جغرافیای ناحیه‌ای ایران در دانشگاه فردوسی برگزار می‌شود. موجب نهایت خوشحالی است که درجمع شرکت‌کنندگان این سمینار بنام کسانی مانند دوست عزیزم دکتر محمدحسن گنجی استاد دانشگاه تهران ، دکتر محمد حمصی ، دکتر عباس سعیدی ، دکتر یدالله فرید ، دکتر سیروس شفقی و دکتر سیروس سهامی برمی‌خورم که جملگی از نظر من دارای ارجی دانشگاهی بوده و همواره بانظر احترام به این دوستان و همکاران عزیز نگریسته‌ام . برمن روشن است که جلسات این سمینار فوق‌العاده گرم و مفید بوده و از لحاظ قابلیت جذب مسایل ، برای دانشجویان عزیز بسیار دلپذیر خواهدبود .

باز جای خوشوقتی است که تاآنجاکه اطلاع دارم گروه جغرافیای دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه فردوسی از سالهاپیش مطالعات جغرافیای ناحیه‌ای را آغاز کرده است بطوری که نتیجه این مطالعات براحتی می‌تواند برای برنامه‌ریزان کشورعزیزمان مفید افتد .

بنابراین ارزش این سمینار برهمه‌ما روشن است ودانشگاه فردوسی وظیفه خود می‌داندکه همه‌ساله موجبات برگزاری این سمینار را فراهم کند تانتایج آن عاید همکاران ودانشجویان عزیز شود . ازسوئی نخستین

ثمرهٔ این سمینار آن خواهد بود که دانشجویان عزیز بتوانند با اساتید جغرافیا در ایران آشنا شوند از تجارب آنها دربارهٔ مطالعات جغرافیای ناحیه‌ای ایران بهره‌مند گردند. توفیق همگی را از خداوند متعال خواستارم وازهمکاران ارجمندی که ازراه دور دراین سمینار شرکت می‌کنند وبویژه جناب آقای دکتر محمدحسن گنجی همکار ارزندهٔ خود فوق‌العاده متشکر وسپاسگزارم.

## سخنان آقای جلال متینی در سمینار مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران اردیبهشت ۱۳۵٤

جناب آقای رئیس دانشگاه ، مهمانان ارجمند ، دانشجویان عزیز

برای بنده موجب کمال خوشوقتی است که از طرف دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی به همهٔ شما حاضران در این جلسه وبخصوص به‌مهمانان ارجمندی که از دانشگاه‌های تهران، پهلوی، آذرآبادگان واصفهان برای شرکت درنخستین جلسهٔ سمینار مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران دعوت دانشگاه مارا قبول فرموده‌اند ، خیرمقدم بگویم وبرای این مجمع علمی آرزوی موفقیت کامل بنمایم .

ابتکار تشکیل این سمینار باگروه آموزشی جغرافیای ماست که بااعضای جوان وفعال خود کوشش می‌کنند بابهره‌گیری ازامکاناتی که دانشگاه‌همان دراختیار ایشان قرارداده است علاوه‌بر وظیفه تدریس وتعلیم ، به‌کارهای پژوهشی باارزش درزمینهٔ مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران نیز بپردازند . اگر این حقیقت را درمدّنظر قراردهیم که‌دیگر درروزگارما کسب اطلاعاتی چنددرزمینهٔ جغرافیای طبیعی‌وانسانی واقتصادی ایران ودیگرکشورهای جهان هدف غائی ازتحصیل علم جغرافیانیست و فی‌المثل دیگر دانستن مساحت کشورها ، جمعیت ممالک ، طول وعرض رودخانه‌ها وبلندی کوه‌ها وبرشمردن نام محصولات هرمنطقه غایت مطالعات جغرافیایی بشمارنمی‌رود ودیگر نمی‌توان ونباید ساعات درس جغرافیا را فقط به‌خواندن متن کتاب

درسی منحصر ساخت ، اهمیت جغرافیای‌ناحیه‌ای در روزگارما بهتر آشکار می‌شود . هدف اساسی از تحصیل جغرافیا درسطوح مختلف بایدبه‌بررسی مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ختم‌شود تااز تحقیقات وپژوهشهای صاحب‌نظران این‌فن، برنامه‌ریزان ومسؤولان امورمملکتی‌برای‌پیش‌برد برنامه‌های خود بهره‌برداری‌کنند ودر اینجاست‌که روشن می‌گردد اجرای بسیاری‌از طرحهای عمرانی واقتصادی درکشورما بی‌وقوف کامل برمسائل مربوط‌به جغرافیای‌ناحیه‌ای‌ایران امکان‌پذیرنمی‌باشد. همکاران‌محترم‌بنده‌سالهاست که درگروه‌آموزشی‌جغرافیا درحد مقدرت‌وتوانایی به‌چنین مطالعاتی‌دست زده‌اند وحاصل برخی ازمطالعات خودرا بچاپ‌رسانیده ودرمعرض‌استفاده دیگران قرارداده‌اند . وجود چنین سابقهٔ‌علمی درگروه‌آموزشی جغرافیای ما موجب‌آمدکه ایشان موضوع موردبحث‌را بیش‌ازپیش مورد توجه قرار دهند وسرانجام برگزاری این‌سمیناررا پیشنهاد نمایند . بعلاوه بنظر اینجانب تشکیل این‌مجلس موجب خواهدشدکه اعضای هیأت‌علمی گروه آموزشی جغرافیای‌ما ودانشجویان این‌رشته بااستادان وصاحب‌نظران‌این رشته‌علمی درایران آشنایی بیشتر حاصل‌کنند .

دانشکده ادبیات وعلوم‌انسانی درنظردارد بعنوان‌یادگاری از این مجلس‌علمی ، خطابه‌هایی راکه دراین‌سمینار ایراد می‌شود در مجموعه‌ای بچاپ‌برساند ودر اختیار صاحب‌نظران و علاقه‌مندان ایرانی وخارجی‌قرار دهد ، ونیز دانشکده امیدواراست سمینارمسائل‌جغرافیای ناحیه‌ای‌ایران را هرسال دراین‌دانشکده برگزارکند واطمینان‌دارد درسالهای بعد این مجلس باحضور عده‌ای‌بیشتر ازصاحب‌نظران تشکیل خواهدشد .

پیش‌ازآنکه بعرایض خود خاتمه دهم لازم‌است ازنخستین استاد جغرافیای فاضل دانشکده‌خودمان آقای دکتر لطف‌الله‌مفخم پایان ، که

سالها صمیمانه به‌تدریس جغرافیا در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی پرداختند یادکنم. عده‌ای از اعضای هیأت‌علمی گروه‌آموزشی جغرافیای ما در سالهای پیش از محضر ایشان بهره‌بسیار برده‌اند و گروهی‌کثیر نیز از دبیران محترم علوم اجتماعی خراسان افتخار شاگردی ایشان‌را داشته‌اند. باآنکه نزدیک دوسال است که آقای دکتر مفخم‌پایان به‌تقاضای خود با افتخار بازنشستگی نائل‌آمده‌اند حقیقت آنست‌که نام گروه‌آموزشی جغرافیای دانشکدهٔ‌ما همیشه با نام و خدمات پرارزش ایشان قرین و همراه است.

سپاسگزاری از آقایان عباس سعیدی رضوانی معاون دانشکده و سیروس سهامی مدیر گروه‌آموزشی جغرافیا و محمود علوی دبیر سمینار و همکاران محترم‌ایشان در برگزاری این مجلس وظیفه‌ای است‌که در اینجا باید ادا شود.

درخاتمه‌بار دیگر از استادان ارجمندی‌که بمنظور شرکت در این‌مجلس علمی‌از تهران و تبریز و شیراز و اصفهان قبول‌زحمت‌فرموده و به‌مشهد مقدس و دانشگاه فردوسی‌تشریف آورده‌اند تشکر می‌کنم.

م. ح. گنجی
دانشگاه تهران

# ملاحظاتی دربارهٔ محتوی وروش جغرافیای ناحیه‌ای

هدف این جانب دراین بحث کوتاه این است که توجه حضار محترم را به‌پاره‌ای از تغییرات اساسی واصولی که در سالهای اخیر در تحقیقات جغرافیایی وبخصوص جغرافیای ناحیه‌ای چه‌ازنظر محتوی وچه ازنظر روش کار بوجودآمده معطوف‌سازم.

مسلم است که درمدت کوتاهی که به‌این سخنرانی اختصاص داده‌شده نمی‌توان چنانکه باید حق مطلب‌را اداکرد بنابراین سعی دراین خواهدبود که‌خطوط‌اصلی گرایشهای فکری وعوامل ایجاد آنها به اجمال هرچه‌تمامتر مورداشاره واقع‌شود ومسلم‌است که ناگزیر دراین‌بحث‌اجمالی باید بذکر مواردی‌چند اکتفاکرد وتفصیل امررابه‌تفکر حضارمحترم که‌تماماً بانظرات وتعاریف دربارهٔ‌علم جغرافیا آشناهستند وبرحدود ومحدودیت‌علم وقوف دارند واگذاشت.

همه‌می‌دانیم که علم جغرافیا ازاواسط قرن۱۸ که‌شخصیت علمی پیدا کرده تاکنون دستخوش تغییر مداوم بوده وباز می‌دانیم که در این‌باره دانشمندان اروپائی وآمریکائی کتابهای مفصلی‌به‌رشتهٔ تحریر درآورده‌اند.

آنچه ازنظر دانشجویان جغرافیا مهم‌است این‌است که درسالهای بعدازجنگ‌دوم جهانی جغرافیا ازصورت یك‌علم توصیفی واطلاعی به‌صورت

یك علم عملی ومفید به نیازهای امروز جوامع انسانی درآمده وازاین نظر اهمیت خاصی پیداکرده که آثارآن را می‌توان باملاحظه آمار گروههای آموزشی جغرافیا وتعداد فارغ‌التحصیلان ودانشجویان وشماره کتب ورسالات و مجلات جغرافیائی مشاهده کرد.

تغییرات اساسی درفکر جغرافیائی راکه درسالهای موردبحث بوجود آمده می‌توان تحت چندعنوان نام برد:

۱ـ درسالهای قبل ازجنگ هدف آموزش وپژوهش جغرافیا کسب معلومات کلی بود درصورتی‌که هدف آموزش امروزی دراین علم احراز تخصص است.

۲ـ درگذشته مطالعه زمین بصورت بسترمعیشت انسان جان تعالیم جغرافیا بشمار می‌رفت درصورتی‌که درتعالیم امروزی ازاهمیت عوامل محیطی درشکل دادن به معیشت‌های انسانی کاسته شده وبیشتر تکیه تعالیم جغرافیا برروی پراکندگی وفعل وانفعال پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی وسیاسی است. بعبارت دیگر برخلاف گذشته که توجه زیادی به مسائل جغرافیای طبیعی مبذول می‌شد امروز مسائل جغرافیای انسانی است که بیشتر فکر جغرافی‌دانان را بخود جلب کرده است.

۳ـ انقلاب کمیتی درجغرافیا یعنی استفاده جغرافی‌دانان از آمارها و روشهای آماری ومدل‌سازی که کمپیوتر را باید عامل بزرگ آن دانست وخود پدیدهٔ نوینی درتحقیقات علمی است آنچنان وسعتی به دامنهٔ مطالعات جغرافیائی بخصوص درزمینه‌های اقتصادی وشهرنشینی وبرنامه‌ریزی منطقه‌ای داده است که علم جغرافیارا ازپوست سنتی آن بدر آورده و به رنگ وقیافهٔ تازه‌ای جلوه‌گر ساخته است.

(اخیراً یك جغرافی‌دان انگلیسی اصطلاح Computegraphics را برای این قسمت ازجغرافیا پیشنهاد کرده‌است).

درسالهای اخیر فعالیت جغرافی‌دانان در دومسیر مشخص تمرکز یافته‌است یکی سعی درتبیین جریانات جغرافیائی ودیگری درنقش بسیار مهم واساسی که جغرافی‌دانان دربرنامه‌ریزی وتوسعهٔ محیط انسانی برعهده دارند.

توجه روزافزونی که به‌این‌نقش مهم معطوف می‌گردد ونیز تغییر محسوسی‌که درفلسفه جغرافیا بوجود آمده وآن‌را ازیك هنر توصیفی به یك‌علم تحلیلی مبدل ساخته‌است آنچنان مطالعات وتحقیقاتی درجغرافیا بوجود آورده‌است که این‌علم را باسایر رشته‌های علوم که‌هدف‌آنهامطالعه جنبه‌های مختلف محیط انسانی‌است بیشتر ازپیشتر مرتبط می‌سازد.

ازطرف‌دیگر مسائل مختلفی که‌برنامه‌ریزان محیط‌زیست باآن‌مواجه هستند وبیشتر آن مسائل جنبهٔ جغرافیائی‌دارد پیروان این علم‌را وادار کرده‌است که درراه حل مشکل برنامه‌ریزان و کارشناسان محیط‌زیست نظر تحلیلی دقیق‌تری در درك تغییرات سطح‌زمین ودیگر مسائلی‌که در گذشته جزء عوامل محیطی بشمار می‌رفتند (ازقبیل آب‌وهوا، جنس‌خاك، پوشش‌گیاهی وامثال آن) اعمال نمایند.

مجموع تغییرات سالهای اخیر باعث شده‌است که مطالعهٔ مسائل محیطی باآن‌چنان بسط وتفصیلی مورد مداقه قرارمی‌گیرد که‌نتایج‌حاصل از آن می‌تواند مدلهای معقولی برای پیش‌بینی فعل وانفعالات بین‌انسان ومحیط فراهم سازد.

جغرافیای‌علمی‌امروز بیشترازهرچیز درخدمت برنامه‌ریزان اقتصادی

قرار دارد ودرانجام این خدمت مهم جغرافی‌دان بیشتراز هرجنبه علم خود به‌مسائل مربوط به‌جغرافیای ناحیه‌ای تکیه‌می‌کند ·

تفاوت محسوس بین مفهوم وهدف جغرافیای ناحیه‌ای امروز و آنچه جغرافی‌دانان سابق درباره‌آن فکر می‌کردند دراین‌است‌که در جغرافیای ناحیه‌ای سنتی گذشته‌بینی اساس تحقیق‌را فراهم می‌ساخت و جغرافی‌دان یك ناحیه‌را باتوجه به‌اطلاعات بنیادی موجود مطالعه‌می‌کرد ولی درمکتبهای تفکرجدید جغرافیا متخصص جغرافیای ناحیه‌ای اساس کارخودرا برپایهٔ آینده‌نگری استوار می‌سازد وازاین‌گذشته بیشتر به‌روابط انسانی ومسائل مختلف جغرافیای انسانی توجه‌دارد تامسائل مربوط بـه‌طبیعت و محیط بی‌جان جغرافیائی ·

آنچه دراین‌مختصر به‌اطلاع علاقه‌مندان می‌رسد برمبنای تحولاتی است‌که به‌اجمال بدانها اشاره‌شد واکنون نظر این‌است‌که بقیه‌مطلب‌را در رابطه باجغرافیای ناحیه‌ای وبرنامه‌ریزی جغرافیائی تحت دوعنوان طرح نمایم. اول فصول مختلف مسائل جغرافیائی که در بررسیهای جدیدبیشتر به‌آنها توجه‌می‌شود ، دوم روشهای نو درپژوهشهای جغرافیای ناحیه‌ای وبرنامه‌ریزی ·

### بهره‌برداری اززمین

ازسال ۱۹۴۵ یعنی ازپایان جنگ دوم جهانی ببعد فکرجبران خسارات ودشواریهای سالهای جنگ ازطرفی ولزوم ایجاد تعادل بین‌منابع غـذائی وجمعیت جهان از طرف‌دیگر باعث شده‌است که دولتها ومسؤولان عمران وآبادی توجه شایسته‌ای به‌امکانات بالقوه روستاها بصورت واحـدهای اصلی تولید موادغذائی معطوف نمایند ولازمه‌موفقیت دراین زمینه‌را تنها

در درك واقعی مشخصات جغرافیائی ناحیه وازجملـه استعداد و یـا محدودیتهای طبیعی منطقه‌هادانسته‌اند. بررسی وارزشیابی مناطق‌شامل مراحل مختلفی‌است‌که برجغرافی‌دانان پوشیده‌نیست وازجمله‌این‌مراحل می‌توان تهیه انواع نقشه‌ها وتحلیل وتجزیه‌مسائل درزمینه‌های جغرافیای طبیعی (ناهمواری، شیب، جریانات‌آب، جنس‌خاك ، آب‌وهوا) یاجغرافیای انسانی (پراکندگی جمعیت ، شبکه‌راه‌ها ، شهرها) را نام‌برد .

در آمریکا اولین‌بار درطرح توسعه دره تنسی Tennessee valley Authority یا .T.V.A بود که روش مطالعه هم‌آهنگ مناطق کشاورزی و روستائی بمنظور توسعه‌های همه‌جانبه موردعمل واقع‌شد واز طریـق استفاده ازتجربیات این‌طرح‌بودکه درمناطق دیگر جهان برنامه‌های‌مشابهی به‌سدبندی وبهره‌برداری‌های گوناگون بمرحله‌عمل درآمد .

## جغرافیای کشاورزی

تـوسعه اقتصادی در مناطق روستائی بیشتراز همـه‌چیز باکشاورزی و فعالیتهای وابسته‌بدان سروکار پیدامی‌کند وبه‌همین‌علت نحوه‌بهره‌برداری اززمینهـای کشاورزی اساس برنامه‌ریزی روستائی‌را بوجود می‌آورد و این‌روزهاعده‌ای ازجغرافی‌دانان سعی‌خودرا درراه‌تهیه نقشه‌های‌استفاده ازخاك وانواع محصول وتغییرات سالانـه دراین‌امر ونیز مطالعه شرائط وابسته‌انسانی اعمال‌می‌کند واکنون مسلم شده‌است‌که هرنوع برنامه‌ریزی روستائی که بدون شناسائیهای مقدماتی‌طبیعی‌وانسانی صورت گیردممکن است نه‌فقط مارا به‌نتیجهٔ مطلوب نرساند بلکه احیاناً خسارات مهم نیز ببارآورد . (دراین‌جا می‌توان به‌شکست محسوس درامر عمران و نوسازی روستاهای زلزله‌زده ایران‌که دربدوامر مورد بهره‌برداری روستائیان‌قرار

نمی‌گرفت اشاره‌نمود) .

درمطالعه کشاورزی ازنظر برنامه‌ریزی‌وجغرافیای‌ناحیه‌ای‌کاربررسی را درسه‌مرحله مشخص‌باید انجام‌داد :

۱ـ جمع‌آوری داده‌ها .

۲ـ توضیح وتبیین علمی داده‌ها .

۳ـ پیش‌بینی برمبنای گرایشهای مشخص .

## جغرافیای آب‌ها :

آب شرط اصلی هرنوع زندگی‌است ودرمطالعات جغرافیای ناحیه‌ای اعم‌ازآن‌که ناحیه‌روستائی یاشهری، کشاورزی یاصنعتی ، فقیر یاپرنعمت باشد نیاز به‌آب درهرمورد ازمسائل جغرافیائی قابل تأمل بشمارمی‌رود. بدیهی‌است‌که منابع آب نواحی مختلف‌جهان چه درسطح قاره‌ها وچه در مقیاس روستاها همه‌جا یکنواخت نیست وبه‌وجود عوامل‌طبیعی (ازقبیل ناهمواری ، ساختمان زمین ، آب‌وهوا وامثال‌آن) ونیز عوامل انسانی (ازقبیل اقتصادآب ، مسائل حقوقی مربوط به‌حق آبه ، سطح زندگی ومصرف آب) بستگی‌دارد که بحث‌آن عوامل باب مبسوطی ازمطالعات جغرافیائی‌را تشکیل می‌دهد که درآن مسائل کلی زیر موردتوجه قرار می‌گیرد :

۱ـ جمع‌آوری داده‌ها درباره موجودی آب .

۲ـ بررسی آب‌مورد نیاز کشاورزی .

۳ـ بررسی آب موردنیاز شهرها ومراکز صنعتی .

۴ـ بررسی مسائل مربوط به‌اقتصاد آب .

## جغرافیای شهری

درتمام جهان ازدیاد تدریجی فعالیتهای انسانی و اوضاع پیچیدهٔ اقتصادی واجتماعی ناشی ازاین ازدیاد، مسائل نوینی درپراکندگی مکانی انسانها وفعالیتها ازنظر روستانشینی وشهرنشینی بوجودمی‌آورد که‌دردنیای امروز اهمیت فوق‌العاده‌دارد. شدیدترین تمرکزهاوپیچیده‌ترین روابط اقتصادی واجتماعی جوامع امروزبشری‌را ما درشهرها ونواحی شهری پیدا می‌کنیم ومسائل مختلف مربوط به‌زندگی انسان در محیط‌های محدود و فشرده شهری به‌اندازه‌ای وسعت پیداکرده‌است که کتابها درباره جنبه‌های مختلف زندگی شهری به‌رشتهٔ تحریر درآمده‌است ومطالعات جغرافیای شهری امروز بسیاری ازجغرافی‌دانان‌را به‌خود معطوف می‌سازد . مسائل مورد بحث جغرافیای شهری به‌اندازه‌ای زیاداست که اشاره به‌آنها ازحوصله این مختصر خارج‌است باوجوداین می‌توان اظهارکرد که ازلحاظ برنامه‌ریزی و مطالعه جغرافیای ناحیه‌ای درزمینه‌های شهری باید به‌این‌مسائل توجه داشت :

۱ــ نظرات درباره بهره‌برداری زمین درشهرها .

۲ــ نمونه‌های مختلف شهرها ازنظر بافت .

۳ــ ترکیب وچهره شهر ازنظر منطقه‌بندی .

۴ــ تنظیم برنامه وپیش‌بینی رشد آینده‌شهرها .

## جغرافیای صنعتی

باازدیاد روزافزون جمعیت وپیچیده‌شدن شرائط اجتماعی درمناطق شهری تحلیل وتجزیه مسائل جغرافیائی اهمیت خاصی به‌خود می‌گیرد. معمولا شهرها مراکز بزرگ صنعت وبازرگانی را بوجود می‌آورند و مسائل مربوط به صنعت (ازقبیل موادخام، حمل ونقل، تولیدومصرف محصول وامثال آن) باب دیگری درمطالعات جغرافیائی تحت عنوان جغرافیای صنعتی بوجود می‌آورد که توجه‌بدان درمطالعات جغرافیای ناحیه ضروری بنظر می‌رسد. دراین‌زمینه باید به‌مسائل زیر توجه‌داشت:

۱ـ نیروی کار درسطح ناحیه.

۲ـ بازارهای کار محلی وفصلی.

۳ـ پراکندگی مراکزصنعتی.

۴ـ منابع موادخام وراه‌های ارتباطی.

۵ـ تولیدات صنعتی وتوزیع ومصرف آن.

## جغرافیای بازاریابی

کمتر اتفاق می‌افتد که مراکزتولید ومصرف محصولات صنعتی آن‌هم به‌مقیاس بزرگ وتجارتی درجوار همدیگر قرار داشته‌باشند. بعبارت‌دیگر فواصل‌بزرگ مراکزتولید را ازمراکز مصرف جدامی‌سازد درجغرافیا مطالعات دامنه‌داری درباره مراکزتولید ومصرف ومسائل وابسته بدان بعمل‌می‌آید که مجموع‌آن مطالعات تحت‌عنوان کلی جغرافیای‌بازاریابی نام

برده می‌شود . درآمریکا که وضع خاص اجتماعی آن شرائط استثنائی از نظر بازاریابی بوجود آورده جغرافیای بازاریابی بسیاری از دانشجویان را به‌خود جلب کرده واشتغال درسمتهای مدیریت یامشاوری دربازاریابی از فرصتهای طلایی برای جغرافی‌دانان بشمار می‌رود مسائلی که درجغرافیای بازاریابی موردتوجه واقع می‌شود عبارتند از :

۱ـ سیستمهای بازاریابی .
۲ـ نظرات جغرافیایی درباره بازارهای محلی .
۳ـ اهمیت فاصله‌ها درپراکندگی سوپرمارکتها .
٤ـ نقش بازارها درتوسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای .

## جغرافیای سیاسی

لازمهٔ تولید وجود قشرهای مختلف طبقات کارگری است که حاصل کار وتلاش آنان بستگی زیادی به‌شرائط اجتماعی وبخصوص سیاسی نواحی مختلف دارد که نه‌فقط درسرنوشت طبقه‌کارگر مؤثرمی‌افتد بلکه قشرهای دیگر جمعیت ازقبیل مصرف کنندگان وواسطه‌ها را نیز شامل می‌شود . این‌جاست که جغرافیای سیاسی بصورت بسیارپیچیده‌ای که درآن عوامل اجتماعی متعددی دست اندرکارند بوجود می‌آید وجغرافی‌دان است که بادیدوسیع علمی ودرنظرگرفتن عوامل سنتی وقومی وروانی نقش مؤثر خودرا دربرنامه‌ریزی اعمال می‌کند دراین‌جا می‌توان بادید جغرافیائی به مسائل زیر توجه‌نمود :

۱ـ بررسی اصولی حیات سیاسی اجتماعات .
۲ـ بررسی مرزهای سیاسی .

۳ــ بررسی مسائل‌روانی ورفتاری دراجتماع موردنظر .
٤ــ بررسی سیاست ومدیریت محیط‌زیست .

## جغرافیای آلودگی محیط

دخالت‌انسان درمنابع گوناگون زمین وبهره‌برداری او ازاین منابع ممکن‌است خسارات وشرائط‌نامساعدی ببارآورد که‌ادامه‌زندگی وسلامت انسان‌را بخطر اندازد عین این‌دخالت ممکن‌است درروابط‌انسان با آبهای زمین (بخصوص آبهای دریاچه‌ها ورودخانه‌ها) ونیز در روابط انسان با قشرهوای‌مجاورزمین وجودپیداکندومجموع این‌گونه‌شرائط مسألهٔ بسیار مهم‌آلودگی محیط زیست‌را بوجودمی‌آورد وجغرافی‌دان‌است‌که درسالم‌سازی محیط‌زندگی به‌جنبه‌های مختلف‌آلودگی بشرح‌زیر توجه‌دارد :

۱ــ انواع آلودگی محیط‌زیست .
۲ــ مواد آلوده‌کننده ومراکز پخش‌هریك .
۳ــ آلودگی‌هوا وعوامل طبیعی وجغرافیائی مؤثر درآن .
٤ــ آلودگی‌آب وعوامل‌طبیعی وجغرافیائی مؤثر درآن .
٥ــ آلودگی خاك وعوامل طبیعی وجغرافیائی مؤثر درآن .
٦ــ روشهای‌فنی دراندازه‌گیری میزان آلودگی .
۷ــ روشهای علمی درکنترل وتقلیل انواع‌آلودگی .

## جغرافیای فراغت

زندگی صنعتی وشهرنشینی با تمام پیچیدگیها که بوجود می‌آورد

تغییرات‌مداومی درشرائط اقتصادی واجتماعی وساعات‌کار و ساعات فراغت وامثال‌آن ایجاد می‌کند و محیطهای آلودهٔ شهری و زندگی فشرده درفضاهای محدود تمایل خاصی درتمام‌طبقات به‌تفریح وتفرج و وقت گذرانی درداما‌ن طبیعت (جنگل ، کوهستان ، دریاکنار) بوجود می‌آورد که شرط لازم ادامه‌زندگی درشهرها بشمار می‌آید ، بررسی این‌گونه مسائل یعنی مسائل مربوط به‌تفریح وتفرج ووقت‌گذرانی بخش‌دیگری از جغرافیا را تحت‌عنوان «جغرافیای فراغت» تشکیل می‌دهد. دراین زمینه‌مباحثی مانند مسائل‌زیر موردبررسی ومداقه قرارمی‌گیرد .

۱ـ تعریف فراغت ازنظر قشرهای مختلف‌جامعه .

۲ـ لزوم فراهم‌ساختن وسائل‌تفریح وتفرج .

۳ـ تفرجگاههای شهری وغیرشهری .

٤ـ اثر جغرافیائی انواع سرگرمی .

۵ـ فعالیتهای فصلی درزمینه تفریح وتفرج .

## جغرافیای منابع‌طبیعی

ازمسائل متنوعی مانند کم‌شدن تدریجی منابع‌زمین وآلودگیهای محیط ونیز نیازبه‌تفریح وتفرج مسائل تازه‌دیگری فراهم‌می‌شود که در جغرافیا ازآن به‌منابع طبیعی تعبیرمی‌شود وامروزه باب‌خاصی ازمطالعات جغرافیائی‌را بوجود می‌آورد . دراین‌جا جغرافی‌دان انسان و موهبتهای طبیعی‌را درطول‌زمان برابر یکدیگر قرارداده وگرایش تغییر در روابط انسان ومحیط‌زیست‌را باتوجه به‌بهره‌برداری از منابع‌طبیعی که اساس رابطه‌را بوجود می‌آورد جستجو می‌کند وبعبارت‌دیگر روابط اکولوژیک آن

ومحیط‌را موردمطالعه قرار می‌دهد وبه‌مسائلی ازاین‌قبیل توجه می‌کند :

۱ـ منابع‌طبیعی ولـزوم حفظ‌آن .

۲ـ حفظ منابع‌طبیعی بصورت خودداری ازمصرف .

۳ـ حفظ منابع‌طبیعی بصورت استفاده عاقلانه .

٤ـ حفظ منابع‌طبیعی بصورت بهسازی محیط‌زیست .

۵ـ بررسی حفظ‌منابع درسطح ناحیه ومنطقه وجهان .

## حفظ منابع‌طبیعی

توجه‌روزافزون به‌حفظ‌منابع‌طبیعی ازیك‌طرف وفراهم‌شدن‌اطلاعات مطمئن درباره وسعت و محدودیت منابع‌طبیعی جغرافی‌دانان را بـرآن وامی‌داردکه دربارهٔ وسعت منابع‌طبیعی درآینده تأمل وپیش‌بینی کنند و باوضعی‌که درارتباطات جهان‌امروز پیداشده درانجام این‌پیش‌بینی مسائل مربوط‌را درسطح‌جهانی مورد بررسی قرارداده وسعادت وراحتی وحتی بقای بشررا درآینده درچهارچوب جهان‌بزرگ مشتمل برتمام کره زمین بررسی می‌کنند واین‌جاست‌که مطالعات جغرافیای ناحیه‌ای متدرجاً به پژوهشهایی‌درجغرافیای جهان منتهی می‌گردد ودست‌آخر جغرافی‌دان‌را به‌اصل لزوم نظارت وکنترل درمصرف آینده منابع طبیعی معتقد می‌سازد و نتیجـه مجموع این‌شرائط آنست‌که اصول آموزش وپژوهش‌جغـرافیا بعلت تمایل به پیش‌بینی دروضع‌آینده واستفاده ازروشهای تحلیلی‌بیشتر ازهرزمانی برمسائل مربوط به‌انسان ومحیط‌زیست او اطلاق می‌شود .

* * *

قبل‌از اشاره به‌روش تحقیق درجغرافیا بی‌مناسبت‌نیست بخاطـر

آوریم که براساس آخرین‌تعریف موضوع علم‌جغرافیا بررسی محل ومکان در روی‌زمین دررابطه بازندگی‌انسان‌است وبنابراین تعریف هرنوع مطالعه زمینی‌که بدون رابطه باانسان انجام پذیرد ویا هرنوع بررسی انسانی که بدون‌توجه به‌محل ومکان زندگی‌انسان صورت گیرد مربوط به‌علوم دیگر خواهدبود . خلاصه‌این‌که دریك پژوهش جغرافیائی پژوهش‌کننده‌بادونوع پدیده سروکاردارد، طبیعی‌وانسانی ولی‌شرط جغرافیائی بودن پژوهش‌ در این خواهدبود که این‌دونوع‌پدیده دررابطه باهمدیگر مورد بررسی قرار گیرند نه‌بصورت انفرادی . ولی ازاین‌تعریف وتأکید نباید چنین تصورکرد که جغرافی‌دان بایستی تمام‌عوامل طبیعی ایجادمحیط وتمام‌مسائل‌مربوط به‌زندگی انسان‌را بایك‌درجه ازاهمیت وهم‌زمان مطالعه‌کند واطلاعاتی‌کلی وعمومی درباره تمام عوامل طبیعی ومسائل انسانی کسب‌کند زیرا که‌چنین تصوری مباین باخاصیتی خواهدبود که درصدر این‌مقال برای جغرافیای نو قائل‌شدیم . وآن احراز تخصص دریك‌جنبه ازجغرافیااست . پس هر جغرافی‌دان تازمانی‌که ارتباط‌مداوم وناگسستنی طبیعت وانسان‌را از یاد نبرده مجاز خواهدبود که درهریك ازمسائل مربوط به‌جغرافیای طبیعی یاانسانی مطالعه‌عمیق‌ترکرده ومعلومات‌جغرافیائی‌خودرا تاسرحد‌تخصص توسعه‌دهد . مثلا جغرافی‌دان می‌تواند درچهارچوب رابطه بین‌انسان و طبیعت به‌مسائل جغرافیای طبیعی توجه بیشتری معطوف نموده و در زمینه‌هائی مانند چهره‌زمین ، ناهمواریها ، آب‌وهوا ، آبها ، پوشش‌گیاهی، جنس‌خاك وامثال‌آن تخصص احرازکند ونیز می‌تواند اهمیت بیشتری برای مسائل جغرافیای انسانی قائل‌شده ودرزمینه‌های جمعیت ، وضع اقتصادی ، وضع اجتماعی ، وضع سیاسی ، شهرها ، روستاها ، شبکه راهها ، پراکندگی محصولات ومنابع وامثال‌آن دانش جغرافیائی خود را

به‌سطح تخصص نزدیك‌سازد. درمیان این‌دوقطب بنیادی (طبیعت‌وانسان) جغرافی‌دان ممکن‌است به‌روابط انسان ومحیط بیشتر توجه کند و در مسائلی مانند منابع‌طبیعی ، آلودگی محیط ، بهره‌برداری اززمین و امثال آن احراز تخصص‌کند ویا ممکن‌است هم‌خودرا صرف‌مطالعه در روشهای کار گروه وازطریق تسهیل انجام پژوهش برای‌دیگران به‌پیشرفت علم کمك‌کند .

## اشاره‌ای به‌روشهای نوین درپژوهش جغرافیایی

بایدمتذکربودکه دراصول پژوهش جغرافیائی‌که‌همه‌ما باآنهاآشنائی داریم یعنی درمراحل سه‌گانه مشاهده وطبقه‌بندی واستنتاج که لازمه هرپژوهش‌علمی‌است تغییری رخ نداده‌است وبعبارت دیگر همانطوری که جغرافی‌دانان نسلهای قبل درمطالعات خود ازمشاهده شروع می‌کردند وکارخودرا بااستنتاج پایان می‌دادند پژوهشگر امروز هم ازهمان اصول پیروی می‌کند بااین‌تفاوت‌که تحولات حیرت‌آور وباورنکردنی در ابزار کار ووسائل انجام پژوهش‌او فراهم گردیده‌است .

درگذشته‌امر مشاهده یااولین مرحله پژوهش بصورت جمع‌آوری اطلاعات‌اولی دربیشترموارد بوسیله‌خودجغرافی‌دان انجام‌می‌شد وچه‌بسا که یك‌محقق‌واقعی ناگزیربود سالها وقت خودرا دراین‌مرحله صرف کند ولی درجهان‌امروز وجود سیستمهای ارتباطی دامنه‌دار وبهم‌پیوسته ونیز وجود انواع آمارها وارقام واعداد وگزارشات حاضر وآماده محقق‌را از تحمل‌زحمت مشاهده تاحدی رهائی بخشیده ولی اورا باآن‌چنان منابع وسیعی ازاطلاعات مدون روبرو ساخته‌است که امر گزینش و انتخاب

اطلاعات لازم ومفید را براو دشوار می‌سازد .

درمرحله طبقه‌بندی که مقدمه‌استنتاج علمی‌است کثرت‌داده‌ها مانع ازآین‌است‌که پژوهشگر جغرافیا بتواند رأساً اقدام به‌احتسابات آماری بکند. درجهان‌علمی‌امروز جغرافی‌دان دراین‌مرحله ازپژوهش ازعلم آمارو ریاضی کمك می‌گیرد واین‌همان‌کمك‌گیری است‌که درمیان جغرافی‌دانان ازآن به‌انقلاب کمیتی یادمی‌شود . انقلاب کمیتی‌که ازحدود ۱۵ سال‌قبل به گروههای آموزشی جغرافیا ومؤسسات پژوهش‌جغرافیا در کشورهای پیشرفته راه پیداکرده دراین‌مدت‌کوتاه آنچنان تحولی در بیان و حل مسائل‌عادی جغرافیائی بوجود آورده‌است که‌حتی‌جغرافی‌دانان جوان‌هم اگر خودرا ازطریق مطالعه‌مداوم مجلات‌علمی با پیشرفتهای تدریجی‌آشنا نساخته‌باشند قطعاً ازدرك وفهم‌مسائل موردمطالعه جغرافی‌دانان‌کشورهای پیشرفته عاجز خواهندبود . درتأیید این‌مطلب وبرای‌درك این‌حقیقت‌تلخ کافی‌است ما خود درمطالعه‌آخرین مجلات جغرافیائی اروپائی وآمریکائی منصفانه قضاوت‌کنیم‌که تاچه‌حد قادریم افکاروعقایدوفرمولهاو مدلهای نوین مورد بهره‌برداری‌دیگران‌را بفهمیم .

داده‌هاوارقام‌واعداد مورداستفاده جغرافی‌دان امروزبه‌اندازه‌ایست که استنتاج علمی از آنها حتی باروشهای ریاضی‌هم کارآسانی نیست و این‌جاست‌که جغرافی‌دان ازآن پدیده معجزه‌آسای قرن‌ما یعنی کامپیوتر کمك می‌گیرد ودرتمام مراحل پژوهش از امکانات حیرت‌آورآن استفاده می‌کند .

## نقش نقشه درپژوهشهای جغرافیائی

ازقدیم گفته‌اند که نقشه دست افزار جغرافی‌دان است وبعضی پیوستگی نقشه جغرافیا راآنقدرنزدیك دانسته‌اند که درتعریف جغرافیا گفته‌اند هرمسأله وموضوعی راکه جغرافی‌دان نتواندبصورت نقشه نشان دهدباید دورریخته شود چون طبیعت جغرافیائی نخواهدداشت .

همه‌ما باروشهای سنتی تهیه نقشه‌های جغرافیائی آشنائی داریم ولی شاید کم باشند کسانی که بتوانند امکانات نامحدود تهیه نقشه جغرافیایی با روشهای نوین رابتصوردرآورند . بدیهی است که بحث تفصیلی روشهای نوین نقشه‌سازی ازحوصله این مختصرخارج است ولی باوجود این می‌توان متذکرشد که درانجام پژوهشهای جغرافیائی ازدووسیله بهره‌برداری حیرت‌آور بعمل آمده‌است یکی عکس هوایی ودیگرکمپیوتر .

کاربرد عکس هوائی درمطالعات جغرافیایی آنچنان‌است که بابکار بردن وسائل فوتوگرامتری می‌توان درزمانی بس کوتاه ازیك عکس هوایی انواع نقشه‌های عمومی جغرافیائی درزمین‌شناسی وخاك‌شناسی وگیاه-شناسی وباستان‌شناسی ,وشهرسازی ومهندسی فراهم ساخت .

درسالهای اخیرعکسهای فضائی که بوسیله ماهواره‌ها فراهم می‌گردد ومخصوصاً آنچه راکه ماهواره تکنولوژی منابع زمین ERTS از طریقه‌های دورکاوی تأمین می‌سازد علم جغرافیارا درآستانه دنیای پژوهش نوینی قرار داده‌است که امکانات غیرقابل تصوری درآن وجوددارد مثلا هم اکنون با استفاده ازتکنیکهای خاص می‌توان انواع نقشه‌های هواشناسی و منابع

طبیعی ظاهری (جنگل ومرتع) ومخفی (معادن وآبهای زیرزمینی) ونیز نقشه‌هائی ازآلودگی هوا وپراکندگی گرما درقشرهای جوویانقشه‌پراکندگی آفتهای نباتی در جنگلها وبالاخره نقشه‌های شهری ازواحدهای مسکونی وترافیك وامثال آن بدست آورد که‌درتمام مراحل انجام یك پژوهش جغرافیای ناحیه‌ای می‌توانند مورد بهره‌برداری قرارگیرند .

استفاده ازکمپیوترهمراه بادستگاههای تبدیل عکس امکانات بهره‌برداری ازعکسهای فضائی را چندین برابرافزایش می‌دهد وبی‌جهت‌نیست‌که امروز متدرجاً دستگاههای گران‌قیمت فوتوگرامتری وکمپیوترها جای کره‌های مصنوعی ونقشه‌های دیواری‌را درگروه‌ها ومؤسسات جغرافیا درکشورهای پیشرفته می‌گیرد .

درخاتمه لازم می‌داند برای‌مزید اطلاع جغرافی‌دانان حاضر اضافه نمایدکه خوشبختانه کشورشاهنشاهی‌مایکی ازکشورهائی‌است که‌ازعکسهای فضائی ماهواره تکنولوژی منابع زمین Erts استفاده رسمی به‌عمل می‌آورد وهم‌اکنون برطبق اطلاعات‌رسمی که درسازمان برنامه وبودجه بدست‌آمده مطالعات دامنه‌داری درزمینه‌های زیر دردست اقدام‌است‌که برای پژوهش درجغرافیای ناحیه‌ای بهترین‌امکانات وآخرین اطلاعات را فراهم می‌سازد :

کشاورزی ، جنگل ، مرتع ، زمین‌شناسی ، آب‌شناسی ، ماهیگیری وشیلات ، بهره‌برداری اززمین ، شهرسازی وتهیه فوتوماپ .

امیداست که جغرافی‌دانان جوان‌ما بتوانند روزبروز سطح‌معلومات خودرا درراه روشهای نوین پژوهش‌جغرافیائی بالاتر برده واز امکانات پربهائی که‌خوشبختانه برای‌آنها فراهم می‌شود حداکثربهره‌برداری رابنفع

توسعه وتقویت علم جغرافیا وکمك به‌بهبود اقتصاد واجتماع کشور بعمل آورند .

## فهرست منابع فارسی

دانشور ـ سرهنگ‌علی، عکس‌هوائی وکاربردهای گوناگون‌آن، نشریه فنی سازمان نقشه‌برداری شماره‌سوم ، مهرماه ۱۳۵۲ .

علیمرادی ـ مهندس‌حسن، کاربرد فوتوگرامتری درنقشه‌های‌شهری نشریه‌فنی سازمان‌نقشه‌برداری، شماره‌هفتم، سال‌دوم ، مهرماه ۱۳۵۳ .

یزدانی ـ مهندس رستم (ورکاوی)، نشریه‌فنی سازمان‌نقشه‌برداری، شماره‌های ششم وهفتم ، سال‌دوم ۱۳۵۳ .

## فهرست منابع به زبان انگلیسی

1- Board, C, Chorley, R. J. Haggett, P. and S toddart, D. R. (1969) Progress in Geography, Arnold.
2- Chisholw. M. and Rodgers B. studies in Human Geography, SSRC Publication, Heinniman Edncation Books. London. 1973.
3- Dowsoln, John A, Evoturating the Human Emranment, edivond Arnold. London 1973.
4- Edwards, K. C. (1967) The broadening vista, Geography, 52, 245-259.
5- Fisher. C.A (1970) Whiter regional geography, Geography, 55, 373-389,
Hagerstrand, T. (1967)
Innovation Diffusion as a Spatial Process, Univer
Hagerstrand, T. (1957) Migration and area, in Hanneiberg, D, Hagerstrand, T. and Odering B. (Eds.) Migration in Sweden, Lund Studies in Geography.
Series B. No. 13 : sity of Chicago Press.
6- Haggett, P. (1965) Locational Analysis in Human Geography, Arnold. Haggett, P. (1969) On geographical research in a computer environment Geographical journal, 135, 497-507.
Hall, P. (1963). London 2000, Faber and Faber.
7- Hartshorne, R. (1939) The nature of geography, Annals of the Association of American Geogra -

phers XXIX, 3 and 4, sept. and Dec., later issued a the Nature of Geography .

Harvey. D. (1969) Explanation in Geography , Arnold.

Howe, G. M. (1963) National Atlas of Disease Mortality in the United Kingdom, Nelson, revised edition, 1970.

Institute of British Geographers (1968) Land Use and Resources , Studies in Applied Geography , Special Publication No. 1.

James , P. E. and Jones, C. F. (1954) American Geography, Inventory and Prospect, Syracuse University Press.

Jones, E. and Sinclair, D.J.(1968) Atlas of London Pergamon.

Mackinder , H , I, (1935) Progress of geography in the field and in the stuby during the reign of His Majesty King George the Fifth, Geographical journal LXXXVI, july 1935.

يدالله فريد
دانشگاه آذرآبادگان

# بررسی کار و نقش شهرهای ایران با داده‌های آماری

**مقدمه :**

شناخت نقش شهرهای ایران برمبنای داده‌های آماری در کشور ما سابقه‌ای ندارد و تنها «توصیف» در قلمرو شناسائیهای جغرافیای کلاسیك تعیین کنندهٔ نقش شهرهای ایران است. بی گمان شهر درمجموعه جغرافیایی ناحیه با تعیین کار و وظایف آن لمس می‌شود ومقام ومنزلت ساکنان فعال آن درسیستم روابط اقتصادی و اجتماعی معینی ویژگیهای جغرافیایی «حال» و آیندهٔ آنرا ترسیم می‌کند، چراکه شهر علاوه بر آنکه دربهره‌برداری منابع طبیعی ناحیه وظیفه‌ای دارد ،درتبدیل مواداولیه و خام ونیمه ساخته به تولیدات ساخته گام برمی‌دارد وبابکار گرفتن عوامل موثردرنقل وانتقالات کالاهای مصنوع نقش آمرانه خود رادرامر تولید و توزیع ومصرف موادبعهده دارد ، فرهنگ را درجامعه اشاعه می‌دهد و خدمات درمانی ورفاه اجتماعی را در اختیارساکنان خود قرارداده وبا پناه دادن نیروهای نظامی وتمرکزاموراداری درنظام اجتماعی و سیاسی ناحیه می‌اندیشد . این وظایف درشعاع عمل متفاوت ، ازمحدودهٔ شهر وپیرامون آن گرفته تا مرزهای ناحیه وکشوروحتی درقلمرو گسترده

جهانی می‌تواند اثر بگذارد. بنابراین شهرواحد جغرافیایی است که برحسب توان فعالیت وبمقتضای نقشی که ایفا می کند می‌تواند میدان مغناطیسی، وقلمروجاذبه ونفوذ متفاوت داشته باشد.

اما نقش شهرها تابع اقتصاد ناظر بر ناحیه و کشوراست:

ـ درکشورهای کم رشد نقش شهر براستخراج منابع زیرزمینی و صدورخام آن به خارج ونیز براقتصاد کشاورزی مبتنی است وشهر همگام با جمع وتوزیع کالا نقش نظامی واداری بخود می‌گیرد وهماهنگ با روستا ابتکارتولید وتدارك مواد غذایی را ، وچه بسا نارسا، باحفظ نظام بزرگ مالکی وتضمین سودبزرگ مالکان به خوداختصاص می‌دهد. قدرت تولیدی چنین شهرها ضعیف، وبرعکس باتراکم جمعیت نیروی‌مصرفی آن بویژه برای طبقه ممتاز بزرگ مالکان قوی‌است. شهرهای ممالك کم رشد ودرحال توسعه‌اقتصادی اغلب با نقشی ازبازرگانی متجلی است واین نقش باعرضه کالا ووجود مشتریانی باقدرت خرید معینی ـ که همین قدرت خرید با تمرکز ثروتهای ناحیه در شهردر رابطه است ـ جان می‌گیرد. این شهرها با صنعتی شدن‌فاصله دارند ووابستگیهای سیاسی و اقتصادی بعنوان عامل مهار کنندهٔ رشد نقش صنعتی‌این قبیل شهرها تلقی می‌شود.

ـ در کشورهای سرمایه داری بازرگانی ، نقش‌آمرانه شهرها بازرگانی واداری است ودرآمدهای ناشی ازبازرگانی خود محرك نقش صنعتی شهرها است (هلند) ، درصورتی‌که در کشورهای سرمایه داری

صنعتی ، صنعت ناظر بر وظایف شهر است که فعالیت‌های بازرگانی و مالی وبانکی وسایر خدمات راپشت سرخود دارد (آلمان) .

ـ دراقتصاد سوسیالیستی به ترتیب نقش صنعتی وبازرگانی شهر با نقش اداری آن درهم بافته شده‌است (اتحاد جماهیر شوروی) .

* * *

بااین مقدمه مطالعه نقش شهرها به‌هر اقتصادی که وابسته باشند دردوسطح متفاوت انجام می‌شود :

۱ ـ بررسی نقش مجموعه شهرهای کشور

۲ ـ مطالعه نقش تحلیلی هرشهر که لازمه‌اش طرح مونوگرافی آن شهر است .

تحقیق درمورد نقش شهرهای ایران بند اول مطالعه را «بررسی نقش مجموعه شهرهای ایران» در برمی گیرد که برای مطالعه‌آن ـ روشهای متفاوت جغرافی‌دانان با داده‌های آماری‌ایران دررابطه گذاشته شده و پس از آنکه پیاده‌کردن بعضی ازروشها را با شرایط جغرافیایی شهرهای‌ایران ناموافق یافته‌ایم ، (۱) برای انجام‌کار ، روش جغرافیایی

---

۱ـ روش جغرافیایی پیرژرژ Pierre George وگنار الکساندرسن Gunnar Alexandersson را که‌بیشتر درطبقه‌بندی شهرها بکارمی‌رود درشناخت نقش و وظایف شهرهای ایران قابل پیاده‌شدن نیست زیرا ارزیابی جغرافی‌دانان مذکور برمبنای فورمول K+n% انجام می‌شود که‌درآن K نماینده جمعیت جذب‌شده درخدمات شهری‌است n% جمعیت بکارگرفته‌شده درفعالیت ویژه شهررا نشان‌می‌دهد . این‌روش روی‌شهرهای ایالات متحده ، باآن اقتصاد معینی که دارد ، پیاده شده‌است . روش جغرافیایی ویلیام ←

ماکس دریو Max Derruau بویژه ژاکلین - بوژوگارنیه J. Beaujeu - Garnier وژرژشابو G. Chabot راکه با مدارک آماری ایران همگامی نشان می‌دهند، انتخاب و روش جغرافیایی جغرافی‌دانان اخیرالذکر فرانسوی زا، درجهت شناخت نقش ووظایف شهرهای ایران، بکار بسته‌ایم. بنابراین بی‌مناسبت نخواهدبودکه پیش ازطرح روش‌کار، نظرجغرافی‌دانان مذکوررا دربررسی آماری نقش ووظایف شهرها باختصار بیاوریم:

## روش جغرافیایی ماکس دریو

بنظردریو طبقه‌بندی شهرها وتعیین نقش آنها، براثر تکاملی که درطول زمان می‌بینند، امر تصنعی است چراکه سرمایه گذاری هایی که در جهات معینی انجام بگیرد، وظایف شهر را تکمیل ویا دگرگون می‌سازد وشهر درتکامل نقش خود مراحلی راتعقیب می کند. باوجود این «ماکس دریو» برای‌ارزیابی‌کاروو‌ظایف شهرها چنین عمل می‌کند:

---

→
اولسن سوئدی William olsson که پافراتر می‌نهد واعداد معینی‌را برای تعیین نقش شهرها برمی‌گزیند نمی‌تواند روی شهرهای کشوری چون‌ایران که باایالات متحده ازنظررشد اقتصادی وشرایط جغرافیایی شهرها اختلاف محسوس دارد عملی گردد، چراکه ویلیام اولسن روش خودرا روی شهرهای‌آمریکا پیاده می‌کند وعقیده‌دارد جذب حداقل ۱۵درصد ازجمعیت فعال‌شهری درمعادن به‌شهرنقش‌معدنی و۴۰درصد درصنایع نقش‌صنعتی و۳۷درصد درخدمات به‌شهر نقش خدماتی می‌دهد ...

الف ـ درآمدهای شاخه های مختلف فعالیت شهر را نسبت بکل درآمد همان شهر ارزیابی می کند. طبیعی است میانگین درآمد هر شاخه ازمشاغل اجتماعی بیشترشد نقش شهر به‌آن سوسنگینی می کند.

ب ـ نیروی انسانی فعال جذب شده درهریك ازشاخه های مشاغل اجتماعی رابکل طبقهٔ فعال شهری ارزیابی می کند ووزین ترین شاخه ازنظرتعداد نیروی انسانی را معرف نقش آن شهرمی‌داند.

بند«الف» این محاسبه روش بالنسبه ساده‌ایست ولی عدم دست‌یابی به درآمدهای حاصل ازفعالیتهای مختلف جوامع شهری ایران تحقیق را ناممکن می‌سازد.

بند «ب» روش ماکس دریودرارزیابی نقش شهرهای ایران عملی‌تراست بشرط آن که‌ازکلی بینی جغرافیایی درتنظیم شاخه‌های مشاغل دور نیفتیم.

## روش جغرافیایی بوژوگارنیه و ژرژ شابو

گرچه روش جغرافیایی بوژوگارنیه وژرژشابورا تا حدودی با روش بررسی ماکس دریو تشابهی است ولی جنبه تحلیلی بسیار ظریف روش ماکس دریو آنرا با روش کار بوژوگارنیه وژرژ شابو مشخص می‌دارد. جغرافی‌دانان مذکور در بررسی نقش شهرها بدوشکل عمل می کنند:

الف ـ حجم فعالیتهای نامشابه رابا هم می‌سنجند وسلسله مراتبی

را ازلحاظ فعالیت های متنوع شهر برقرار وارزش تولیدی فعالیتها را بعنوان معیار نقش شهرها بر می گزینند.

ب ـ تعداد نیروی انسانی جذب شده درهریك ازمشاغل سه گانه اجتماعی را برروی دیاگرام ویژه‌ای منعکس واز این راه آگاهی لازم روی ویژگیهای جغرافیایی شهرها ونقش و وظایف آنهاپیدامی کنند از همین روش برای‌ارزیابی نقش شهرهای‌ایران استفاده شده‌است چراکه داده های آماری ایران از لحاظ مشاغل اجتماعی جمعیت شهری با این روش هماهنگی لازم داشت.

**روش کار**

الف ـ برای بررسی نقش شهرهای‌ایران آگاهی ازمدارك آماری مشاغل سه گانه اجتماعی جمعیت شهری ایران برمبنای تقسیم بندی کولین کلارك بشرح زیرضروری است:

ـ بخش اول مشاغل اجتماعی شهرها که فعالیتهای کشاورزی و جنگلبانی و صید ماهی وبالاخره صنایع استخراجی را در برمی گیرد (این بخش در سال ۱۳۴۵ ، ۷٫۹ ٪. جمعیت فعال جامعه شهری ایران را می‌پوشاند).

ـ بخش دوم مشاغل‌اجتماعی شهرها که تبدیل مواد خام‌واولیه را به کالاهای ساخته شده بعهده دارد و فعالیتهای ساختمانی را نیز به خدمت می‌گیرد (این رقم درسال ۱۳۴۵ ، ۳۷٫۹ ٪. جمعیت فعال‌شهری ایران را شامل می‌شد).

ـ بخش سوم مشاغل اجتماعی شهرها، بازرگانی و خدمات و برخی از فعالیتهایی را که نمی‌توانند در بخشهای اول ودوم مشاغل اجتماعی جا گیرند شامل می‌شود ( این بخش در سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۵۴/۲ درصد جمعیت فعال شهری جامعه ایران بود) همین شکل آماریابی روی تمام شهرهای مورد مطالعه ایران ضرورت دارد.

ب ـ ترسیم واستفاده از دیاگرام سه گوش که هرضلع آن اختصاص به معرفی یکی از بخشهای فعالیتهای سه گانه را دارد، باتوجه به نکات زیر الزامی است:

۱ ـ هرضلع دیاگرام به ۱۰۰ بخش مساوی (برابر شکل ۱) تقسیم می‌شود که درصد هر یك از گروههای سه‌گانه مشاغل اجتماعی را که درشهرهای مورد مطالعه ما جذب شده‌اند نشان می‌دهد.

۲ ـ ضلع سمت راست دیاگرام تعیین کنندهٔ درصد شاغلین بخش اول و ضلع پائین معرف بخش دوم و ضلع سمت چپ مبین درصد بخش سوم مشاغل اجتماعی نسبت به کل جمعیت فعال جامعه شهری است.

۳ ـ دیاگرام بشکل قراردادی به شش بخش نامساوی وناهمسان بشرح زیر بخش می‌شود.

ـ بخش نخست مثلث متساوی‌الاضلاع بزرگی است که شهرهای کشاورزی و سایر فعالیتهای شاخه اول مشاغل اجتماعی را درشهرها نشان می‌دهد. درفضای این بخش ۲۵ مثلث کوچك جاگرفته است(۱).

---

۱ـ دیاگرام بزرگ ۱۰۰ مثلث متساوی‌الاضلاع کوچك‌را دربردارد.

ـ کثیرالاضلاع ۶ ضلعی نمایشگر شهرهای چندنقشی است که درمحتوی آن ۳۱ مثلث کوچك دیده می‌شود.

ـ ذوزنقه منظم با ۱۲ مثلث کوچك شهرهای بازرگانی را در خود جای می‌دهد.

ـ مثلث متساوی الاضلاع در گوشه چپ دیاگرام بزرگ محل جایگزین شهرهای خدماتی است که ۱۶ مثلث کوچك رادر برمی‌گیرد.

ـ گوش سمت راست دیاگرام محل تجمع شهرهای صنعتی و صنعتی شدیداست که رویهم ۱۶ مثلث را شامل می‌شود.

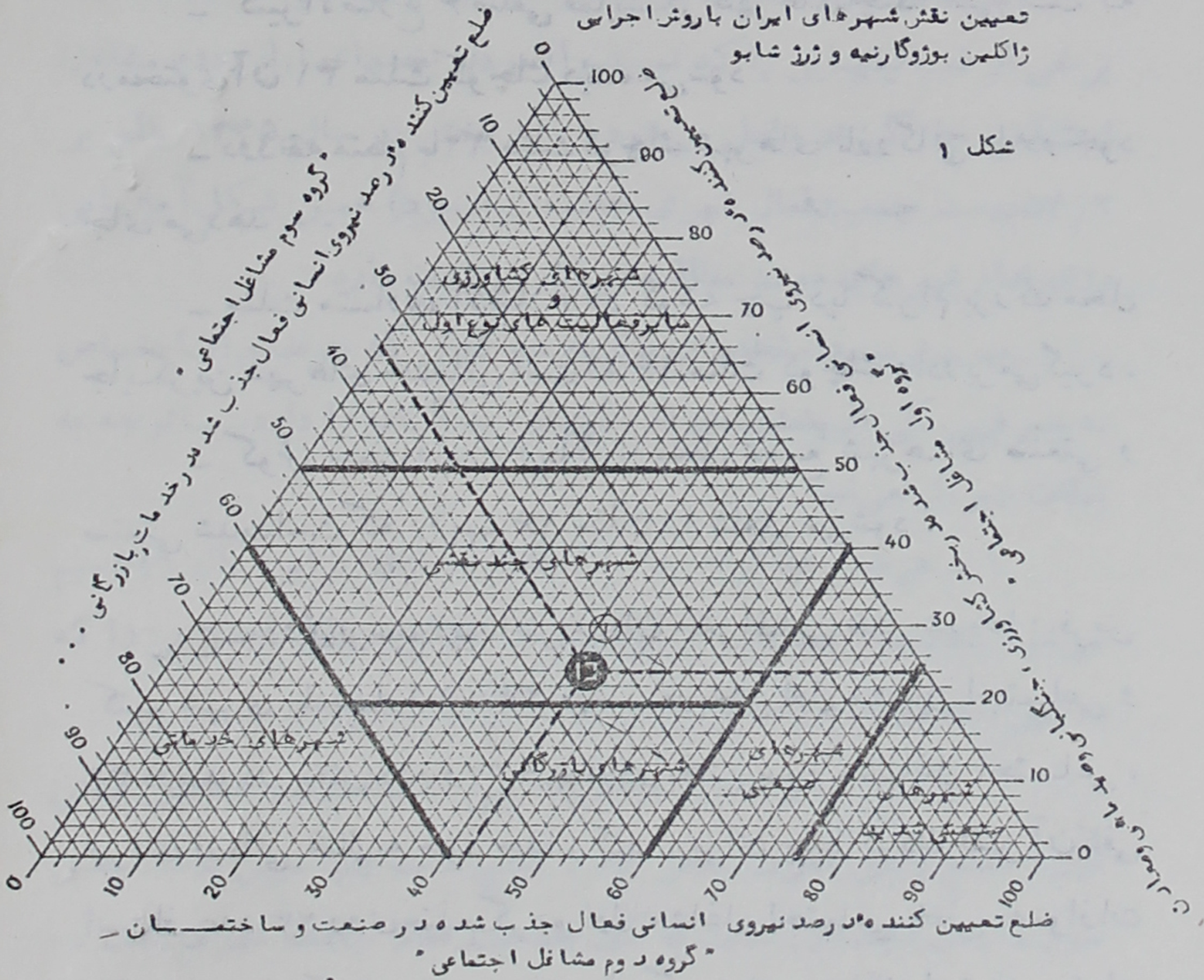
ج ـ روش ترسیم وپیدایش مکان جغرافیایی نقش شهرها: فرض کنیم شهری با شمارهٔ ۱، ۲۴ درصد دربخش اول مشاغل اجتماعی و ۴۲ درصد در بخش دوم و۳۴ درصد در بخش سوم مشاغل اجتماعی، نیروی انسانی فعال به خود جذب کند، برای پیدا کردن نقش آن کافی است از عدد ۲۴ روی ضلع گروه اول مشاغل اجتماعی خطی به موازات ضلع پائین دیاگرام وازعدد ۴۲ ضلع گروه دوم مشاغل اجتماعی خطی به‌موازات ضلع سمت چپ دیاگرام وازعدد ۳۴ ضلع گروه سوم خطی، به‌موازات ضلع سمت راست دیاگرام رسم شود، این سه خط در مکان جغرافیایی شهرهای چند نقشی بهم می‌رسند ونقطه تلاقی معین نقش و وظیفه شهرشماره ۱ مورد بحث است.

* * *

*

تعیین نقش شهرهای ایران باروش اجراس
ژاکلین بوژوگارنیه و ژرژ شابو

شکل ۱




درروی دیاگرام شهرشماره ۱ با ۲۴ درصد نیروی انسانی جذب شده در گروه اول مشاغل اجتماعی و ۴۲ درصد درگروه دوم مشاغل اجتماعی و ۳۴ درصد درگروه سوم مشاغل اجتماعی ، شهرچند نقشی است.

GRAPHIQUES C.D.U. et S.E.D.E.S Réunis - PARIS

تحقیق در سال ۱۳۴۹ بااستفاده ازمنابع آماری سرشماری سال ۱۳۴۵ نقش ۵۹ شهر بیش از ۲۵ هزار نفری ایران برروی همین دیاگرام ترسیم گردید وپس ازتعیین سلسله مراتب شهری ایران، شهرها برحسب نقش و اندام جغرافیایی برروی نقشه ایران منعکس گردید (۱) . و کارونقش شهرهای ایران به تبع نوع اشتغال جامعه فعال شهری ایران، که خود ازسیستم اقتصادی ناظر برشهرهای ایران متأثر بود، تعیین و مشاهده گردیدکه جز سه شهرچند نقشی (مرودشت ، همایونشهر ، مسجد سلیمان) وسه شهر دیگر (نجف آباد ، کاشان ویزد) که به‌ترتیب در صفحه دیاگرام در ردیف شهرهای چندنقشی وصنعتی نمایان شدند بقیه شهرهای ایران ویژگیهای جغرافیایی خود را با نقش و وظایف بازرگانی وخدماتی نشان دادند (شکل ۲و۳) .

با توجه به‌این که درایران شهر با معیارجمعیتی قابل درك است ، بدین‌معنی گذر ازپنجهزارنفرجمعیت به واحدهای جغرافیایی‌ایران نام شهرمی‌دهد (۲) برآن شدم که این مطالعه را درمورد شهرهای کمتر

۱- برای آگاهی‌بیشتر به‌کتاب مقدمه برروش تحقیق شهرهای‌ایران تألیف نگارنده مراجعه فرمائید .

۲- درایران تمیزشهر ازروستا بامعیار جمعیتی تعیین شده‌است و هرمحدودهٔ جغرافیایی بیش‌از پنجهزارنفرجمعیت را شهرگویند ، باتوجه باینکه شهررا بانوع فعالیت ساکنان‌آن ودرمعنای وسیع بانقش‌آن می‌شناسیم وفعالیت غیرزراعی شهریان‌را درشکل‌دادن سیمای جغرافیایی شهرها نمی‌توانیم انکارکنیم ، بنابراین پیشنهاد شده‌است «واحد جغرافیایی‌را وقتی شهربنامیم که عددجمعیت‌آن ازپنجهزارنفر بگذرد ونیروی انسانی‌فعال غیرزراعی شهر از ۵۰درصد کل‌جمعیت فعال ده‌سال ببالای‌آن کمتر نباشد» اضافه‌کنیم که ←

از ۲۵ هزار نفر نیز تعمیم داده و نقش شهرهایی را که بر توزیع جغرافیائی جمعیت فعال آنها آشنایی بود، تعیین کنم. این کار بر روی دیاگرام انجام شد و نقش ۱۷۶ شهر از ۲۴۹ شهر ایران بشرح زیر ترسیم گردید:

**۱ - شهرهای کشاورزی:** در مطالعه نخست که روی ۵۹ شهر بیش از ۲۵ هزار نفری ایران انجام گرفت، به شهرهایی که بر مبنای فعالیتهای بخش اول مشاغل اجتماعی بویژه کشاورزی حیات اقتصادی داشته باشند بر نخوردیم، درصورتی که درمطالعه اخیر ۱۶ شهری که در زمینه کشاورزی و سایر فعالیتهای نوع اول مشاغل اجتماعی فعالیت داشتند روی صفحه دیاگرام ظاهر شد (شکل ۴) که درسلسله‌مراتب شهری ایران بعنوان شهرك ویا شهرنما از آنها یاد می کنیم چرا که شهرهای مورد بحث از لحاظ معیار جمعیتی (کمتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت) شهر و از جهات نوع فعالیت بیشتر برمبنای کشاورزی و .... حیات می‌کنند وهنوز چهره روستایی خود را بکلی ترك نکرده‌اند. (۱)

**۲ - شهرهای چندنقشی:** در بررسیهای پیشین تنها سه شهر (مسجدسلیمان، مرودشت و همایون‌شهر) از ۵۹ شهر بیش از ۲۵ هزار

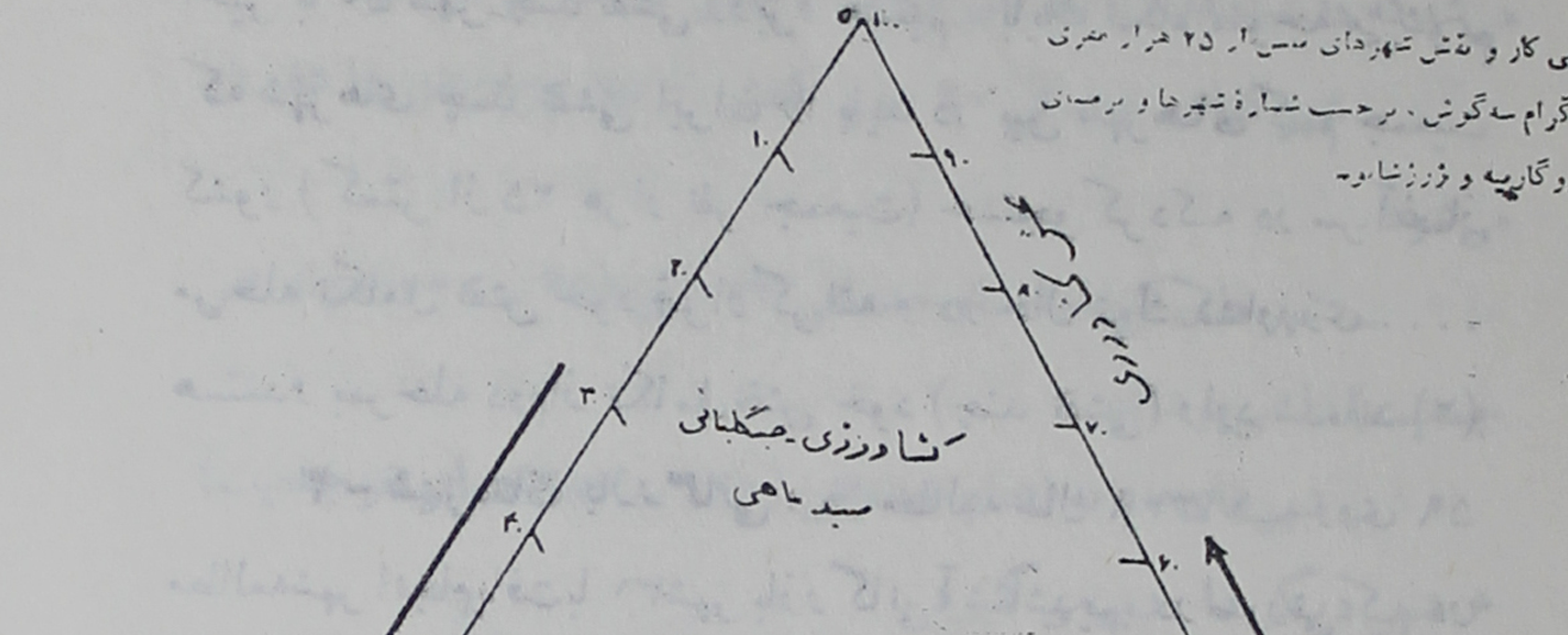
---

←

اگر سطح اشتغال درایران ازده‌سال به ۱۵سال تغییر یابد بجای عدد ۱۰ عدد پانرده را جایگزین خواهیم ساخت.

(به‌مقدمهٔ مأخذ پیش‌گفته مراجعه‌شود).

۱و۲- برای آشنایی بانام شهرها، بهرنقشی که‌باشند، به‌دیاگرام شماره ٤ و کتاب مقدمه برروش تحقیق شهرهای ایران ص ۱۳۹-۱۵٤ مراجعه فرمائید.




– ارزیابی کار و نقش شهرهای بیش از ۲۵ هزار نفری ایران برروی دیاگرام سه‌گوش، برحسب شمارهٔ شهرها و برمبنای روش تحقیقی موژو گارنیه و نرزشانو.

شکل ۲

نفری ایران وظایف مختلط و چند نقشی داشتند در صورتی که در مطالعهٔ اخیر با ۵۰ شهر چند نقشی روبرو هستیم. با یک نگاه متوجه می‌شویم که شهرهای چند نقشی ایران را باید در بین شهرهای کم جمعیت کشور (کمتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت) جستجو کرد که در سرآغاز مرحله تکامل نقش خود قرار گرفته و در حال ترک کشاورزی . . . هستندو بمرحله دوم از تکامل نقش خود (چند نقشی) وارد شده‌اند.(۲)

**۳ - شهرهای بازرگانی** : در مطالعه سال ۱۳۴۹ که روی ۵۹ مطالعه شهر انجام یافت با ۳۱ شهر بازرگانی آشنا شدیم، در صورتی که در مطالعه اخیر با تعداد ۵۷ شهر بازرگان آشنا هستیم که از لحاظ سلسله مراتب شهری چنین رده‌بندی میشوند :

- شهرکهای بازرگان (با کمتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت) ۲۶ شهر خرده‌فروش را دربر می گیرد.

- شهرهای کوتاه اندام بازرگان (از ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) ۲۵ شهر را می‌پوشاند.

- شهرهای میانه‌اندام بازرگان (از ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت) فقط ۲ شهر (قم - شهر ری) را در صفحه دیاگرام منعکس می‌سازد.

- شهرهای بلند اندام ویا مادر شهرهای ناحیه‌ای (۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت) چهار شهر اصفهان، تبریز، آبادان و مشهد رانشان می‌دهد.

**۴ - شهرهای خدماتی** : درمطالعه اخیر تعداد شهرهای خدماتی

به ۴۲ شهر رسید ، در صورتی که درمطالعه پیشین ۲۲ شهر را شامل می‌شدکه در سلسله مراتب شهری ایران چنین ردیف می‌گیرند :

ـ شهرکهای خدماتی ۲۰ شهر کمتر از ۲۵ هزار نفر را شامل می‌شود .

ـ شهرهای کوتاه اندام خدماتی ۱۴ شهر (۲۵ ـ ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) را می‌پوشاند .

ـ شهرهای میانه اندام خدماتی (۱۰۰ ـ ۲۵۰ هزار نفر جمعیت) ۶ شهر دیگر را دربرمی گیرد .

ـ شهر بلند اندام خدماتی ویا مادر شهر ناحیه‌ای (۲۵۰-۵۰۰ هزار نفر جمعیت) که فقط شهر شیراز معرف آنست .

ـ شهر تهران با جمعیتی نزدیک به ۴ میلیون نفر جمعیت، پرجمعیت‌ترین شهر خدماتی کشور ما است با نقشی وسیع و گسترده که در مقیاس ملی می‌توان اثر آنرا دریافت .

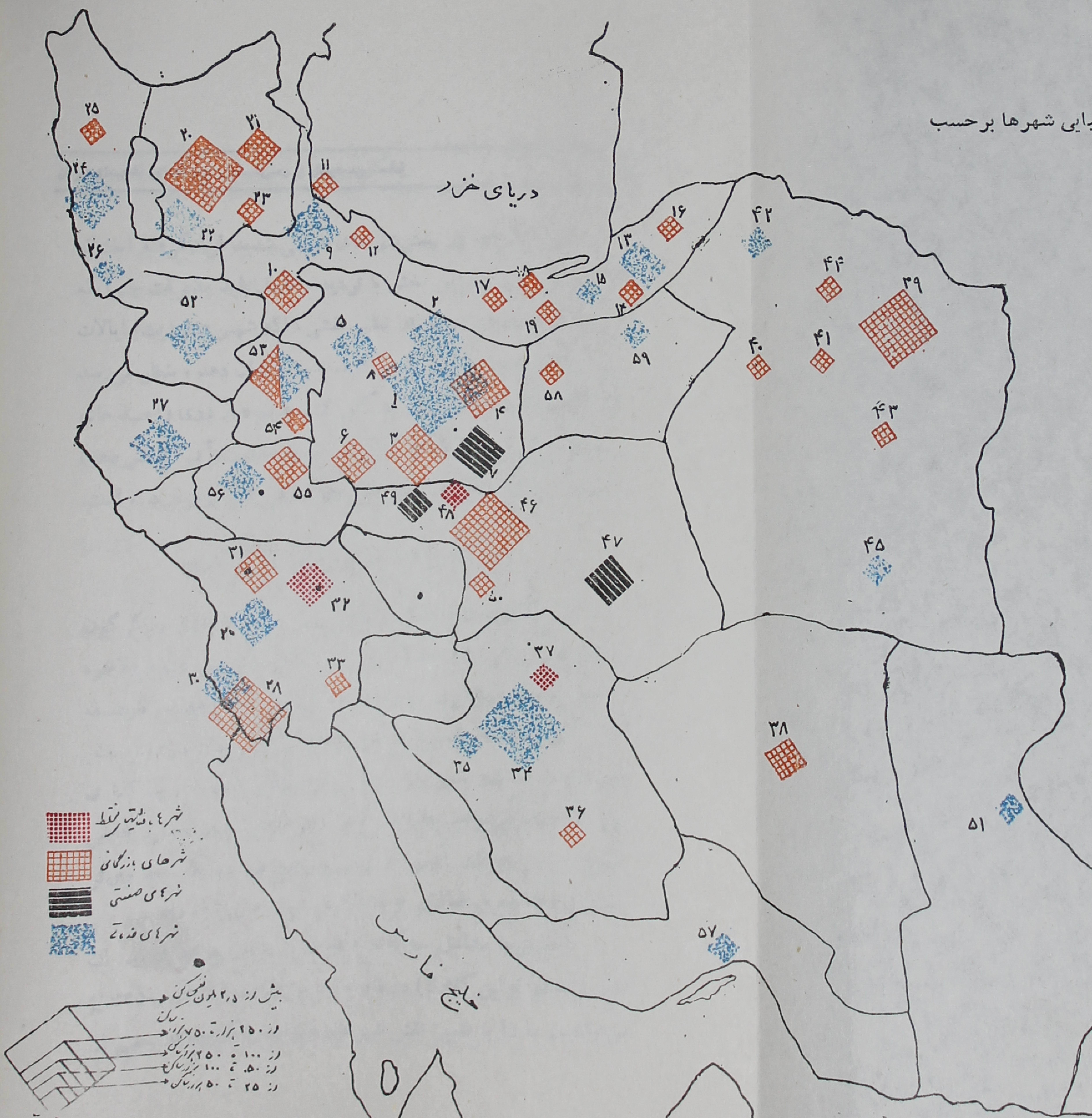
**۵ و ۶ - شهرهای صنعتی ایران** : نه تنها از نظر تعداد بلکه از لحاظ جمعیت نیز رشد لازم رانشان نمی‌دهند جز سه شهر نجف آباد و کاشان و یزد (که هریك جمعیتی بین ۴۰ تا ۱۰۰ هزار نفردارند) در بقیه شهرهای صنعتی جمعیتی اندك (کمتر از ۲۵ هزار نفر) جمع شده‌اند که به سبب قدمت صنایع دستی و سنن کار و با نیروی انسانی ماهر در زمینه فعالیتهای پیشه‌وری گام برمی‌دارند و استعداد لازم به نصب صنایع سبك از خود نشان می‌دهند .

شهر «گوگ» در بخش شهرهای صنعتی شدید قرارگرفته است که جایگزینی آنرا در این بخش با تردید و تأمل باید پذیرفت چراکه چنین شهری ضعیف نمی‌تواند نظیر نقشی راکه شهر «دترویت» ایالات متحده در تولیدات صنعتی کسب کرده است، نشان دهد، بنظر می‌رسد نارسائیهای آماری (بویژه هنگامی‌که با سونداژ روی واحدهای جغرافیایی کم جمعیت انجام بگیرد و احتمال صحت آنرا کاهش دهد) گوگ را در این بخش از نقش شهرهای صنعتی ایران قرار داده است.

## نقش شهرهای ایران تکامل پذیر است

نوع فعالیت جوامع شهری ایران براثر سرمایه گذاریهادگرگون می‌شود و تغییراتی رادر مشاغل جمعیت شهری بوجود می آورد وبالاخره به تغییر و تکامل نقش وسیمای جغرافیایی شهرها می‌انجامد. درفاصله زمانی کوتاه همگام با سرمایه گذاریهای اندك نمی‌توان به تغییر نقش شهرها امید داشت و مسیر این تکامل را دریافت بلکه سرمایه گذاری مؤثردرازمدت می‌تواند به‌تکامل نقش شهرهای ایران تحرك خاصی بخشد و مسیر حرکت آنرا از نقشی بسوی نقش دیگر محسوس‌تر گرداند و با تحمیل فعالیتی نو به اقتصاد شهر جانی تازه دهد.

آشنایی با مشاغل سه‌گانه طبقه فعال جوامع شهری ایران (تقسیم بندی کولین کلارك) در فاصله دو سرشماری (۱۳۳۵ ـ ۱۳۴۵) می‌توانست ما را با تغییر نقش شهرهای ایران، اگرچه در بعضی از



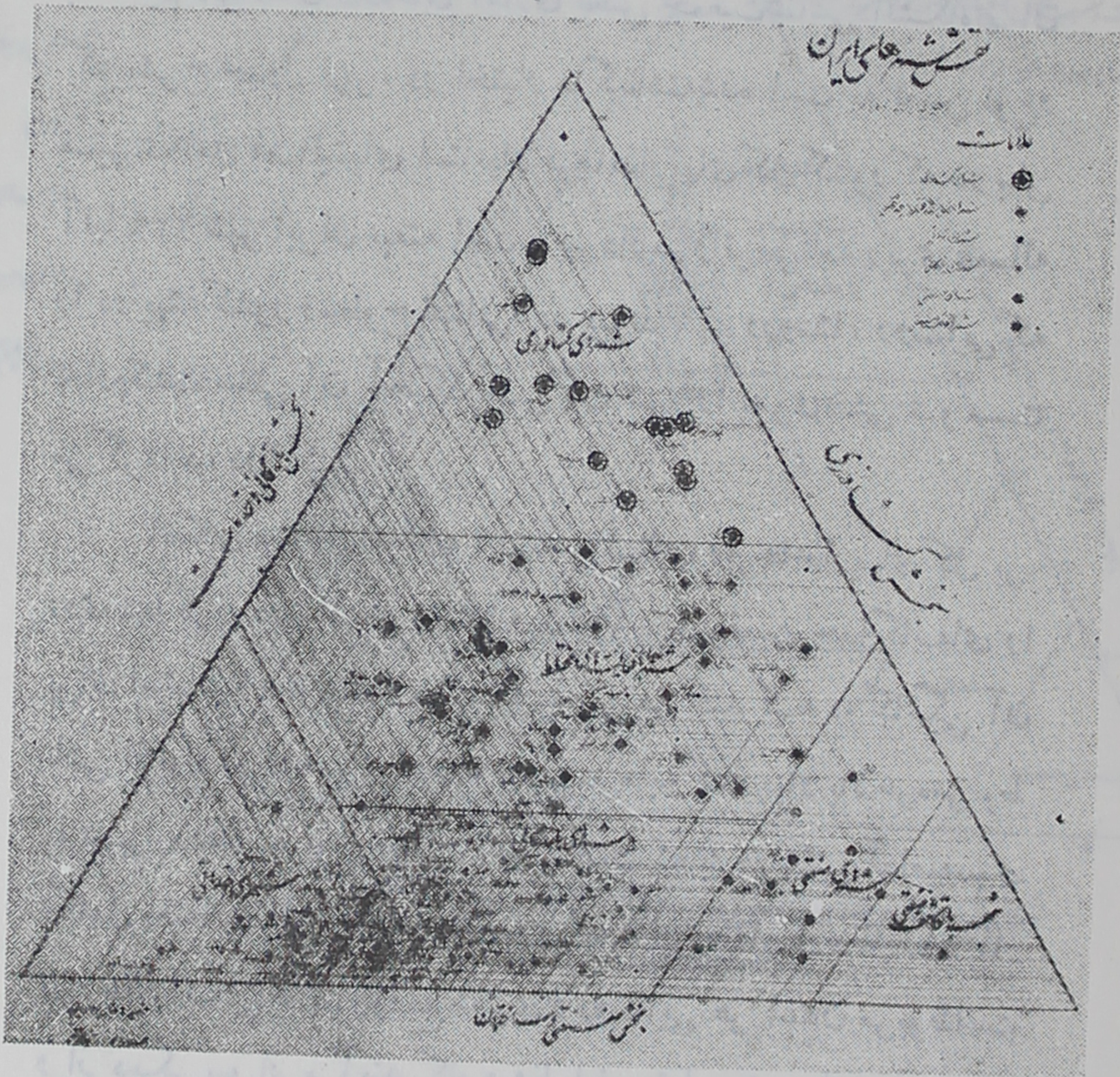

شکل ۳ـ ناهماهنگی توزیع جغرافیایی شهرها برحسب کار ونقش واندام آنها.

نسبت در صد فعالیتهای عمده در کل کشور و استانهای مختلف در سرشماری ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵

| استانها و فرمانداریهای کل | ۱۳۳۵ | | | ۱۳۴۵ | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | کشاورزی و استخراج | صنعت و ساختمان | خدمات | کشاورزی و استخراج | صنعت و ساختمان | خدمات |
| کل کشور | ۵۶/۷ | ۱۹/۵ | ۳۳/۸ | ۴۶/۶ | ۲۵/۹ | ۲۷/۵ |
| استان مرکزی | ۲۳/۶ | ۳۰/۵ | ۴۵/۵ | ۱۹/۶ | ۳۵/۳ | ۴۵/۱ |
| استان گیلان | ۷۰/۹ | ۱۲/۳ | ۱۶/۸ | ۶۳/۰ | ۱۵/۶ | ۴/۲۱ |
| مازندران و گرگان | ۶۶/۴ | ۱۶/۲ | ۱۷/۴ | ۶۲/۸ | ۱۴/۹ | ۲۲/۳ |
| آذربایجان شرقی | ۶۰/۱ | ۱۹/۶ | ۲۰/۳ | ۵۰/۴ | ۲۸/۰ | ۲۱/۶ |
| آذربایجان غربی | ۶۵/۶ | ۱۰/۳ | ۲۴/۱ | ۶۱/۱ | ۱۴/۹ | ۲۴/۰ |
| کرمانشاهان | ۶۴/۹ | ۱۴/۵ | ۲۰/۶ | ۵۵/۲ | ۲۱/۵ | ۲۳/۳ |
| کردستان | ۷۱/۵ | ۷/۳ | ۲۱/۲ | ۶۹/۵ | ۱۱/۶ | ۱۸/۹ |
| خوزستان و لرستان | ۶۰/۰ | ۱۷/۲ | ۲۲/۸ | ۵۰/۴ | ۲۰/۱ | ۲۹/۵ |
| فارس و بنادر | ۵۹/۷ | ۱۶/۲ | ۲۳/۱ | ۴۴/۸ | ۲۶/۳ | ۲۸/۹ |
| کرمان | ۵۴/۹ | ۲۳/۲ | ۲۱/۹ | ۴۸/۷ | ۲۸/۷ | ۲۲/۶ |
| خراسان | ۵۹/۷ | ۲۰/۸ | ۱۹/۵ | ۵۴/۰ | ۲۴/۸ | ۲۱/۸ |
| اصفهان و یزد | ۵۲/۸ | ۲۹/۲ | ۱۸ | ۴۰/۱ | ۴۰/۳ | ۱۹/۶ |
| سیستان و بلوچستان | ۷/۴۷ | ۸/۰ | ۱۷/۳ | ۶۶/۰ | ۱۴/۴ | ۱۹/۶ |

پاورقی :

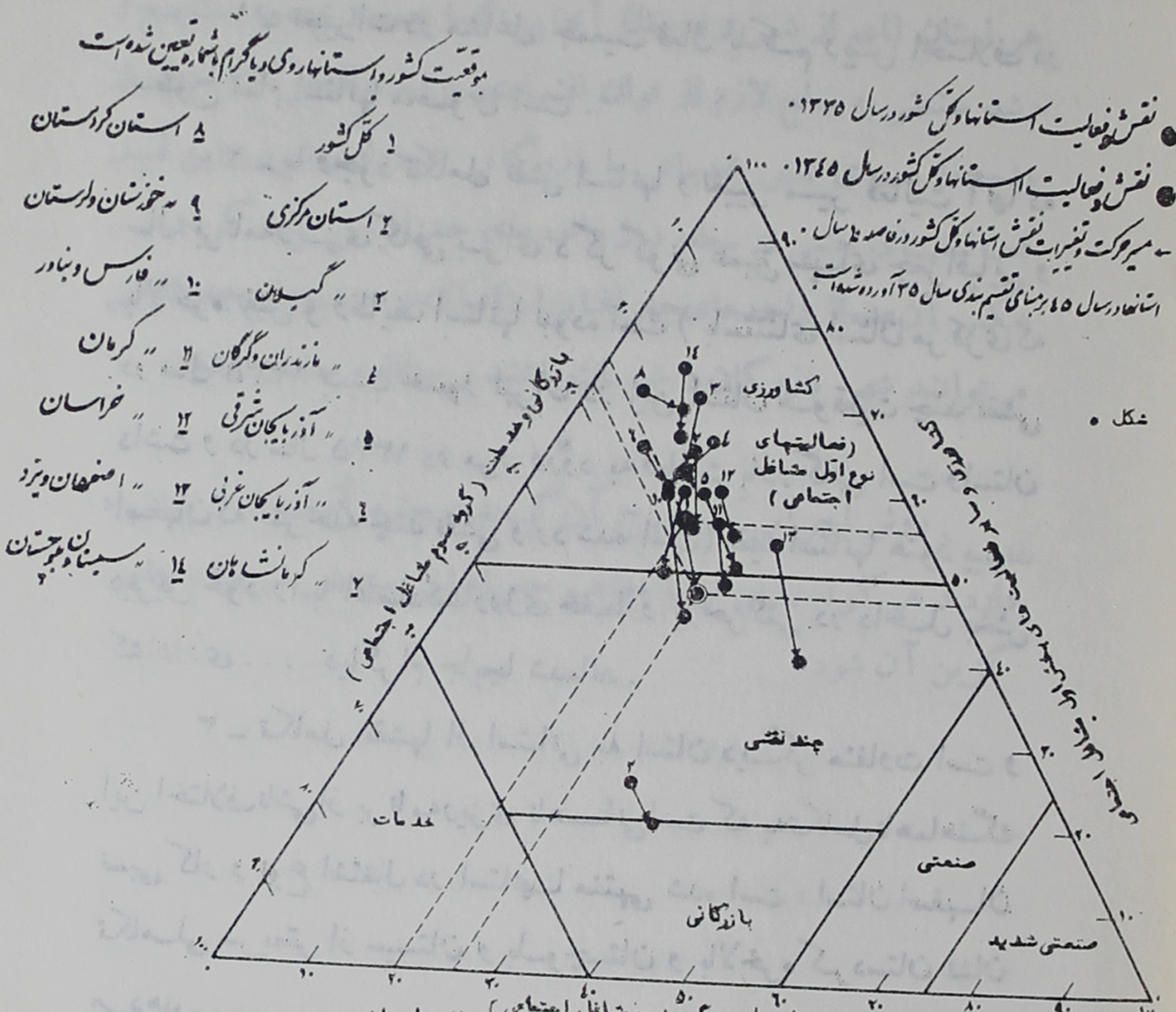
۱ ـ محمد میرزایی : تحولات عمومی دموگرافیك در استانها وفرمانداریهای کل ، بررسی شماره ۱۶ از انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی بخش جمعیت شناسی دانشگاه تهران ، مهر ۱۳۴۹




**شکل ۴ ـ نقش شهرهای ایران**

شهرها نامحسوس باشد، آشنا کند. متأسفانه اولین سرشماری عمومی ایران بسبب نارسائیهایی ما رادر انجام مقصودیاری نمی کند ومجبوریم تکامل‌یابی نقش را از محدوده شهرها به سطوح استانهای ایران بکشانیم وبرمبنای داده‌های آماری بخش جمعیت‌شناسی دانشگاه‌تهران که بشرح جدول زیر، در اختیار ما گذاشته‌شده است به تعیین نوع‌و مسیر تکامل فعالیتهای استانهاو فرمانداریهای کل کشور که در بطن آنها ۲۴۹ شهر ایران نهفته است، بپردازیم واثر برنامه ریزی ده‌ساله را در پهنه کشور وسطوح استانی، در پیوند شهر وروستا، روستایی که تداوم‌کشت سنتی آن آهنگ حرکت شهر را بسوی‌نقشی نو سست می گرداند، درك کنیم.

انعکاس مشاغل سه‌گانه اجتماعی استانها وفرمانداریهای کل بر-روی دیاگرام در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵، موقعیت جداگانه‌ای را برای استانها و فرمانداریهای کل تعیین می کند که دوگانگی آن ناشی ازنوع برنامه‌ریزیها وتابع حجم سرمایه گذاریهاو بالاخره‌مربوط به تغییر مشاغل و نوع فعالیت استانها است که با حرکتی آرام به‌سوی تکامل رفته‌اند. این تکامل از سویی به تأثیر متقابل وظایف و کار نیروهای انسانی فعال جوامع شهری و روستایی هر استان مربوطاست و از دیگر سو از برآیند کار و وظایف متباین شهرهای هر استان ناشی است. بنابراین تکامل نقش و وظایف استانها برصفحه دیاگرام بدین‌سان تفسیر می‌شود: (شکل ۵)




تکامل نقش و فعالیت کشور و استانها در جریان ۱۰ سال فاصله دو سرشماری

۱ ـ تغییرات در مشاغل جمعیت فعال با کم و بیش اختلاف در سطوح تمام استانها محسوس است.

۲ ـ با وجود تکامل نقش استانها و تغییر مسیر فعالیت آنها ده سال برنامه‌ریزی کافی برای دگرگونی عمیق سیمای جغرافیایی و بالاخره نقش و وظایف استانها نبوده است (باستثنای استان مرکزی که در سال ۱۳۳۵ بسبب حضور تهران در این استان موقعیت چند نقشی داشت و در سال ۱۳۴۵ در مرز ورود به فعالیت بازرگانی است و استان اصفهان که بمرحله چند نقشی وارد شده است) بقیه استانها هنوز پیوند دیرین خود را با اقتصاد کشاورزی حفظ و با حرکتی در داخل بخش کشاورزی . . . دیاگرام جابجا شده‌اند.

۳ ـ تکامل نقشها از استانی به استان دیگر متفاوت است و این اختلاف ناشی از برنامه‌ریزی ناهمسانی است که به تکامل ناهماهنگ نسبی کار و نوع اشتغال در استانها منتهی شده است: استان اصفهان تکاملی سریعتر از سیستان و بلوچستان و بالاخره کردستان نشان می‌دهد . . . .

۴ ـ در آینده نزدیک کلیه استانها (باستثنای استان مرکزی) با تغییر نقش و وظایف خود بمرحله چند نقشی وارد می‌شوند و همین جا است که به‌تبع شرایط جغرافیایی استانها، باید نوع برنامه‌ریزی و مختصات آن مشخص شود(۱) و بمقتضای شایستگی واحدهای جغرافیایی

---

۱ـ پیاده‌کردن طرحهای صنعتی دررابطه باشرایط جغرافیایی محیطهای عمران‌پذیر ←

هر استان (اعم از شهر و روستا) آنهایی که‌با نصب و توسعه صنایع و رشد صنعتی به سطح لازم از توان اقتصادی می‌رسنداز حرکت این‌قبیل واحدها به‌سوی نقش خدماتی یا بازرگانی خودداری شود واین قبیل فعالیتهای جنبی در سطح نیاز واحدهای جغرافیایی تثبیت گردد، بر- عکس آن‌عده‌از واحدهای‌جغرافیایی‌استانهاکه‌برحسب‌موقع‌جغرافیایی می‌توانند شهر بازرگان و خدمات باشند بی‌مطالعه صنعتی نشوند.

*

روش اجرایی که شرح آن گذشت جنبه آزمون و پیشنهاد دارد و هرگونه راهی نو با مفاهیم جغرافیایی مشخص می‌تواندجای- گزین آن شود.

---

→
درقلمروشناخت جغرافی‌دان‌است. برای آشنایی بیشتر به‌مقالهٔ «کاربرد جغرافیا و حدود مداخله جغرافی‌دان درامرعمران» مراجعه‌فرمایند، شماره پاییزسال ۱۳۵۲ نشریه دانشکدهٔ ادبیات وعلوم انسانی تبریز.

دکتر سیروس سهامی
دانشگاه فردوسی

# نگاهی به زندگی روستائی در درهٔ کلات

مایل است از غوغای شهرهای ایران نقبی به خلوت روستاهای کلات بزند که طی هزاران سال در پیلهٔ تنهائی خویش غریبانه زیسته وجز بدان هنگام که قدرتمندی در آن به پناه آمده و یا سلطانی در اندیشهٔ حراست ازخزائن به یغما بردهٔ خویش در آن به عنایت نظر افکنده هیچ واقعه‌ای انزوای کامل آنرا برهم نزده است.

چرا ازمیان همهٔ نواحی خراسان دره کلات را انتخاب کرده است شاید نخست بدین نیت که کلات اندکی گیلانی است: مردانش هم اکنون پای در لجن شالیزاران دارند وتخم ابریشم اینك درگرمای سینهٔ زنانش اندك اندك شکوفان می‌شود و سایهٔ درختان گردو وتوت وتبریزی، غروبگاهان در آئینه سنگ دیدهٔ مزارع پر آبش انعکاسی آشنا دارد.
دیگر اینکه دره کلات محصور در کمند ارتفاعاتی که بر گرداگرد این حوضهٔ بسته کشیده شده ودلبسته به آب باریکی که ازمیان دره می گذرد در واقع یك واحد مستقل جغرافیائی است که بر کنار از آنچه که در ازدحام شهرها می گذرد نمونهٔ بسیاری از نواحی روستائی خراسان است که هم ویژگیهای اصیل وقدیم ایرانی خودرا حفظ کرده‌اند وهم آن که

به‌شیوه‌هایی سنتی با مسایل جدیدی که مولود افزایش سریع جمعیت آنهاست بی‌هیچ تکیه‌ای به‌خارج کنار آمده‌اند.

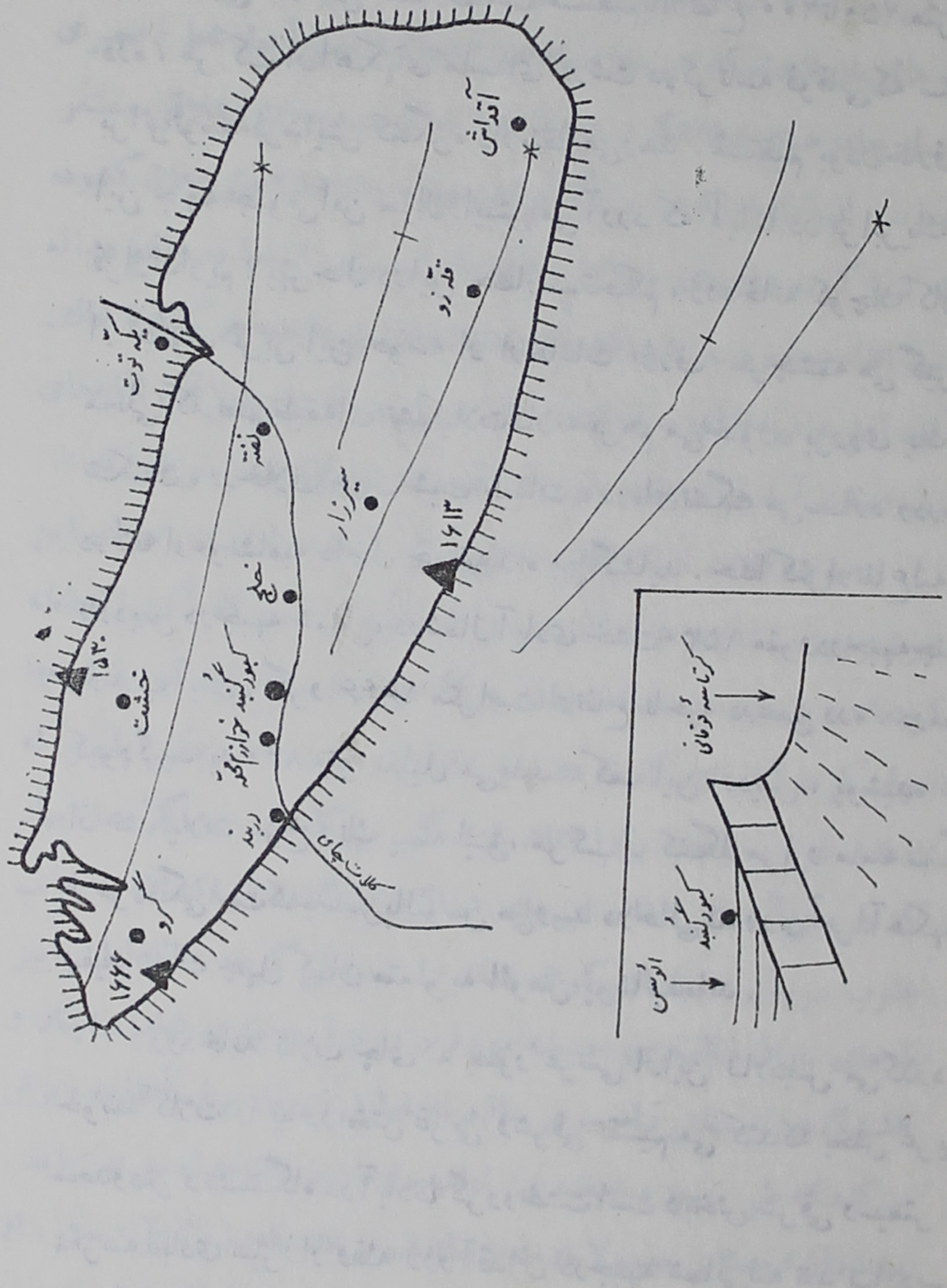
کلات در یکصدوهشتاد کیلومتری شمال خاوری مشهد درحاشیه مرزاتحاد شوروی قراردارد. «حاشیه‌ای» بودن درواقع خصوصیت‌اصیل ناحیهٔ کلات‌است: درحاشیهٔ سرزمین مادری ودرحاشیهٔ جریانی که‌شهرها را در خود گرفته است. مسافری که از مشهد رهسپار کلات است این مسافت ۱۸۰ کیلومتری را، بی هیچ توقفی با جیپ کمتراز ۶ ساعت نمی‌تواند طی کند که نیمهٔ دوم راه، در بالا دست رودخانهٔ خور، سخت ناهموراست. درزمستان بافروافتادن نخستین‌برف، رابطه کلات باجهان خارج یکسره قطع می گردد. این‌بوده است‌که مردم‌این سامان‌ازمدتها پیش دریافته اند که درجستجوی نان‌باید امیدازدیگران ببرند وخود دراندیشهٔ‌کار خویش‌باشند.

درهٔ کلات که بسان باروئی بردشتهای مجاورخویش مشرف است بخصوص در اواخر سدهٔ نوزدهم میلادی مورد توجه خارجیان، بویژه انگلیسیها قرار می گیرد. انگیزهٔ این توجه شدت گرفتن رقابتهای استعماری بوده‌است میان دودولت روسیه وانگلستان ازیك سو، وموقع نظامی کلات درحاشیهٔ جنوبی متصرفات تزارها برسرراه‌به مشهد از سوی دیگر. در فاصله سالهای ۱۸۷۳ تا ۱۹۰۸، به ترتیب جیل وبیکر ۱۸۷۳[۱] و ناپید ۱۸۷۴[۲] و سرهنگ مك گرگور ۱۸۷۵[۳] و اودونووان ۱۸۸۰[۴] وسرپرسی سایکس ۱۹۰۷[۵] ازکلات دیدن می کنند، درحالی که

در ۱۸۳۳ فریزر[۶] و در ۱۸۸۹ لرد کرزن[۷] از دم دروازه ارغونشاه ناکامیاب باز می گردند.

جادهٔ خاکی کنونی به کلات از راه آسفالته شمال مشهد به کارخانه سیمان، اندکی بالاتر از فارمد، جدا می‌شود و پس از عبور از ارتفاعات شمال آبادی گوژگی که در تشکیلات تیرگان، در ابتدای کرتاسه است از عمق رودخانه خور در تشکیلات شوریجه می گذرد که تشکیلاتی است تخریبی، مرکب از ماسه سنگها و کنگلومراهای کرتاسه تحتانی که محتملا احجاری را که در بنای قصر خورشید کلات بکار رفته از آن بریده‌اند. بعد از کلاته اسماعیل بیك جاده به جانب شمال به ترتیب از آبادیهای چناروزاوین وقلعه نو می گذرد و پس از عبور از جلیل آباد رود در روی باروی خارجی حوضه کلات قرار می گیرد.

در فاصله درهٔ خور تا پای این دیواره، جاده از میان تشکیلات بسیار درهم ومغشوش کرتاسه تحتانی (تشکیلات سرچشمه وسنگانه و اتامیر) و کرتاسه فوقانی (تشکیلات آب درازو آب تلخ و کلاته ونفتد) می گذرد. این تشکیلات که فلاتی پر عارضه و ناهموار می‌سازد، در پای حصار غیر قابل نفوذ کلات به حاشیه‌ای از تپه‌هائی متشکل از شیل ومارنهای آهکی ختم می گردد. حوضه کلات، در برابر این بخش فلاتی شکل، در هیات یك ناودیس معلق، ناهمواری معکوسی را تشکیل می‌دهد. این ناودیس بشکل یك بیضی کشیده بی شباهت به سفینه‌ای نیست که در دل دشت آرام اتاك در شمال ودرهٔ مواج غرب وجنوب خود در حرکت باشد (شکل ۱)




شکل ۱ : طرح ساده ساختمان زمین در حوضه کلات

لبه خارجی ناودیس حصاری است مستقیم با ارتفاع ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر از کف دره، مرکب از آهکهای ماسه‌ای درشت در کرتاسه فوقانی که ستیغ آن بر اثر توسعه فرسایش کنگره دار بنظر می‌رسد. مستقیم بودن خارق العادهٔ این جبهه جنوبی این سؤال را پیش می‌آورد که آیا ما در برابر یك گسل قرار نداریم؟ بهر حال در این حصار مستحکم، رودخانه کوچك کلات که از جنوب غربی این حوضه از ارتفاعات «ژرف» سرچشمه می‌گیرد در محلی که نظم طبقه‌ای تشکیلات کلاته برهم می‌خورد بر روی یك خط شکست، در خلاف جهت شیب طبقات، دره‌ای تنگ می‌سازد و در محل دربند ارغونشاه به داخل حوضه راه می‌گشاید. حداکثر ارتفاع لبه این ناودیس در جبهه شمالی، در شمال آبادی خشت ۱۵۳۰ متر و در جبهه جنوبی در غرب آبادی گرو ۱۶۶۶ متر است. ارتفاع ناحیه در عمق دره، در محل کبودگنبد به ۸۴۰ متر تقلیل می‌یابد. کف این ناودیس، پوشیده شده از تشکیلات سرخ رنك پسته لیق، مرکب از کنگلومرا و ماسه سنگ قرمز رنگی است که به عصر پالئوسن می‌رسد درحالی که روی آنرا آهکهای سفید رنگ چهل کمان متعلق به ائوسن پوشانیده‌اند.

رودخانه کلات چای که بطور عرضی ازاین ناودیس می‌گذرد، حوضه کلات را به دو بخش غربی وشرقی تقسیم می‌کند که بخش غربی محدودتر ونشستگاه دو آبادی گرو وخشت است وبخش شرقی وسیعتر و مقرسه آبادی سبزوار وقله زوو آقداش در جبهه شمالی لبه تند ناودیس معلق کلات، رودهای کوچکی که سرچشمه آنها چشمه‌های زیر طبقات

آهکی است ، با فرسایشی قهقرائی ، باز در خلاف جهت شیب طبقات ، دره هائی باریك‌وتنگ می‌سازندکه بهارگاهان درعمق آنها خط زنجیری ازسیاه چادرهای دهات‌گرو ودربند وخشت درمحلات قشلاقی مستقر شده‌اند . ازبالای‌این‌لبه ، پرتگاهی به عمق ۲۰۰تا۲۵۰ متردهان گشوده که تنها کوره راههای بزرورا به‌آن راهی است . اینجا در واقع دنباله دشت اتك محسوب می‌شودکه بصورت‌پهنه ای بی‌عارضه در کنارهٔ خاك‌آلود افق‌به فراخنای صحرای ترکمن می‌پیوندند ودرعمق آن لکه‌های سیاه ومات آبادیهای‌اتحاد شوروی بصورت محوی‌بچشم می‌خورند .

حوضه‌کلات ازیك اقلیم محلی ویژه برخورداراست : هوای این حوضه در زمستان و تابستان سردتر از دشتهائی است که آنرا احاطه کرده‌اند وبی‌سبب نیست‌که جمله چراگاههای زمستانی دراین دشتهاجا خوش کرده اند . در کلات دو فصل بارانی وجود دارد : یکی پاییز که بادهای غربی موجب بروز۴تا۵ بارندگی می گردند ودیگرفصل بهار که در متن‌آسمانی شفاف ابرهای شمالی رادرگذرشتابناکشان به جانب جنوب می‌پذیرد وبارانی کوتاه مدت را سبب می گردد . ازاوایل پاییز بادهای باران زاازغرب حوضه می‌وزند وریزش پاییزی شخم وشیار و کاشت‌گندم زمستانی رامیسرمی‌سازد ،ازاوایل دی‌ماه برف آغازبه ریزش می‌کندکه طی بهمن و اسفند نیز ادامه دارد وچندان درزمین نمی‌پاید . یخبندان زمستانی معمولا درماه دی‌اتفاق می‌افتدکه طولانی نیست . از اول بهار نوبت به بارانهای تند و گذرنده ای می‌رسد که تا نیمه دوم

فروردین ماه ادامه دارند. از این زمان به بعد کاهشی در تعداد روزهای بارانی و میزان ریزش حاصل می آیدو از نیمه دوم اردیبهشت تا اوایل خرداد چنانچه اگر یك دو نوبت باران ببارد دهقان کلاتی به انتظار سالی پر برکت می‌نشیند. بهرحال از اول خرداد تا ابتدای مهر که آغاز فصل بارانهای پاییزی است معمولا ریزش اتفاق نمی‌افتد.

باران روی دامنه‌ها بیش از عمق دره است و روی دامنه جنوبی که مشرف به بادهای باران زاست بیش از دامنه شمالی که پشت به باد دارد؛ تا آنجا که قله زو بیش از خشت باران دارد و خشت بیش از کبودگنبد.

* * *

استقرار جمعیت در این محدوده که چار چوب طبیعی آنرا باز نمودیم سابقه‌ای بس طولانی دارد، کلات که در لغت به معنای قلعه و حصار و باروست بعنوان یك پناهگاه همواره موردتوجه جمعیت بوده است. در تاریخ اساطیری ایران کلات محل نبرد رستم با سپاهیان ترك افراسیاب و مقر «فرود» فرزند سیاوش و برادر کیخسرو است که طوس بر او چیره می‌شود[8] در تاریخ مدون ایران، نخستین شهرت کلات به اواخر سدهٔ چهاردهم میلادی، یعنی به روزگاری می‌رسد که امیر تیمور به دنبال طغیان علی بیك، فرزند ارغونشاه. امیر موروثی کلاته[9] لشکر بدانجا می کشد وقبل از تخریب در بند ارغونشاه‌قلعه قهقهه راکه ظاهراً هم اکنون در کنارراه آهن تر کسیب که کراسنوودسك را به آلما آقا ربط می‌دهد قرار دارد. شهرت واقعی کلات بیشتر به عصر سلطنت نادرشاه

می‌رسد : نادر که از کودکی با کلات آشنائی داشته است بعدها آنجارا برای حفظ آنچه ازهندگرد آورده فراموش نمی کند . ازعصر اعتلای کلات در عهد نادری هم‌اکنون کاخی زیبا به‌نام «قصر خورشید» ، بصورت یك هشت ضلعی منتظم ، ساخته شده ازسنگ‌ماسه‌های سرخ برجاست که با یك شیوهٔ معماری نادرونقش حجاریهائی از گل ومیوه که ناتمام مانده از اصالتی خاص برخورداراست . دیگرمسجد کبود گنبداست که نام‌خود رابه مرکزناحیه‌داده‌وگویابنای آن‌همزمان باقصرخورشید بوده‌باشد[10] پوشش بخش فوقانی گنبد و بخشی از کتیبه شمالی آن از میان رفته است که اخیراً باولنگاری آنرا باکاشیهای شطرنجی ، ازنوع سعدی و ایرانا ، ترمیم کرده اند که ای کاش نمی کردند تا شاید احتمالا رقت بازدید کنندگان غیرمتخصص ولی متنفذرابرانگیزاند. وبالاخره‌مجرای آبی است که ظاهراً آب رودخانه قره‌سو را برای آشامیدن دراختیار ساکنان کلات می‌نهاده .

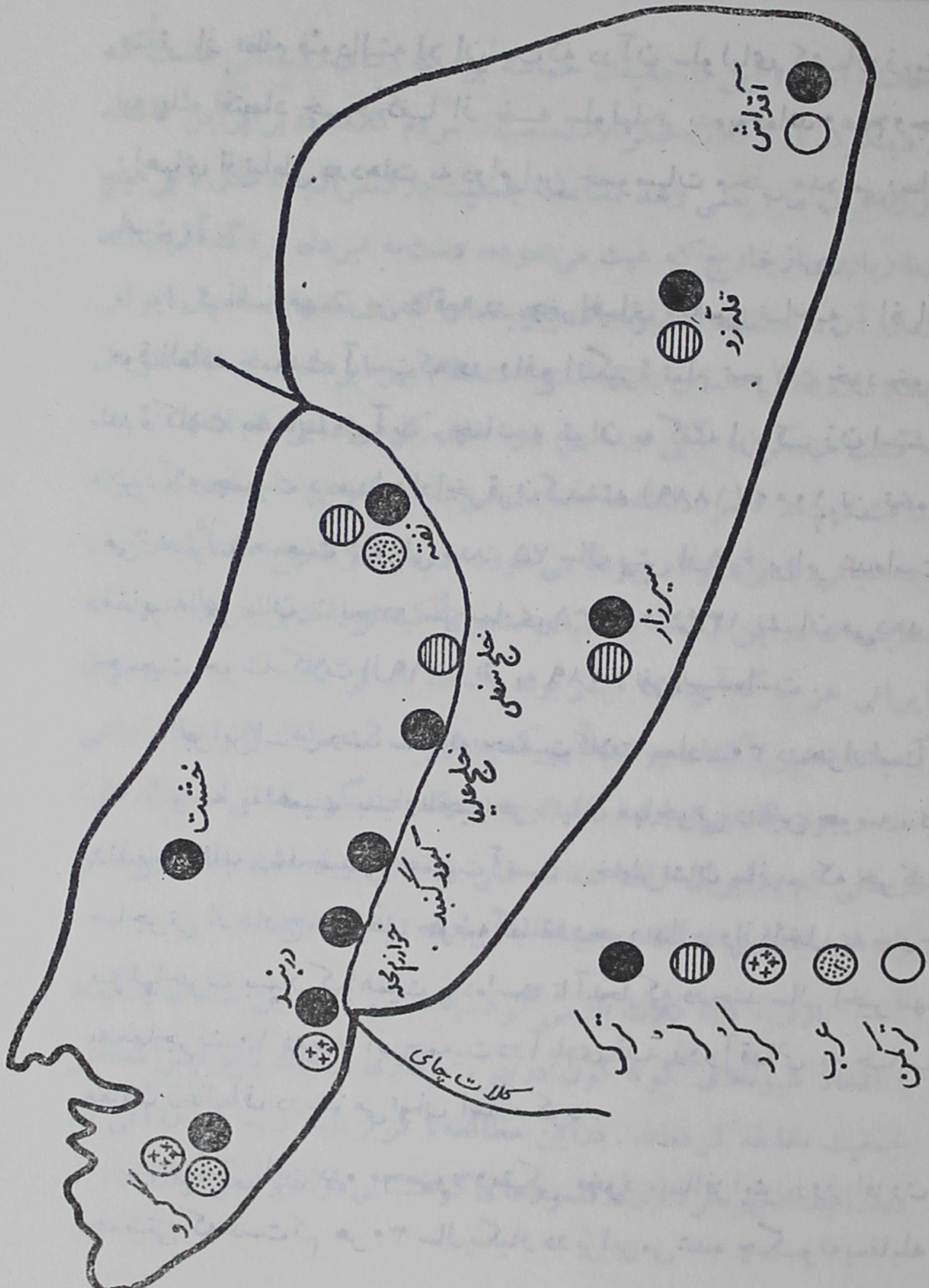
از وضع دره‌کلات به هنگام سلطنت نادرشاه یادداشتهائی ازباسیل باتات زس ، جهانگرد یونانی در دست است که درسال ۱۷۲۸ برسرراه خود ازبخارا به مشهداین دره را بدقت وصف کرده‌است[11] بیکروجیل در۱۸۷۳ زمانی به کلات می‌رسندکه‌بخش‌بزرگی ازجمعیت آنرابیماری حصبه از پای درآورده بوده‌است[12] . سرهنگ مك‌گرگورکه به سال ۱۸۷۵ به‌کلات راه می‌یابدبه وجود هفت‌آبادی دراین حوضه اشارت‌دارد که عبارت بوده اند ازگرو درغرب ، خشت ، جای گنبدونفته درشمال

وسیر زاروقله زووآقداش درجنوب آبادی‌جای گنبدیا کلات کنونی تنها ازیکصد خانه گلین پست تشکیل می‌شده وآبادی کوهستانی خشت دستخوش ویرانی بوده است [۱۳].

لرد کرزن در ۱۸۸۹ جمعیت این دره را مرکب از ۱۰۰۰ تن ترك وکرد وعرب می‌داند که ازطریق کشت برنج ویونجه وانگورو صیفی در دره وجو و گندم دیم در ارتفاعات امرارمعاش می کرده‌اند. بهرحال پس ازمرگ نادرشاه درسال ۱۷۴۷ حکومت کلات به‌اعقاب فتح علی خان جلایر، یکی ازسرداران سپاه اومی‌رسد.

در تمام دورهٔ حکومت قاجارکه شمال وشمال شرق‌ایران عرصهٔ تاخت وتازترکمانان بوده، حکومت کلات در پناه دیوارهای سترك طبیعی خویش، به کمك ۵۰۰ تن سربازودوتوپخانه صحرائی ازخود دفاع کرده‌است [۱۴].

باری ترکیب قومی کنونی جمعیت دردرهٔ کلات اختلاطی است‌از اقوام ترك وکرد وعرب. تنها دریك ده، یعنی درآقداش به معدودی ترکمن برمی‌خوریم شکل (۲) دراین ترکیب عناصر ترك زبان، مرکب ازتیره‌های بیات وجلایرونیکجه دراکثریتند که درپاره‌ای از آبادیها مانند سیرزاروقلعه زوونفته بالرهای اردلان‌درآمیخته‌اند ودردهات گرو ودربند باکردها ودرگرووونفته باعربها. این ترکیب قومی ناهمگن ناشی ازاعمال سیاست جمعیتی عصرنادرشاه است که‌نقشه‌ترکیب جمعیت غرب وشرق‌ایران رابرهم زده‌است. حفظ‌ویژه گیهای قومی درمیان‌روستائیان




شکل ۲ — تنوع قومی جمعیت در ناحیهٔ کلات

متأثر از نظام فئودالیته ایران‌است‌که درآن سلولهای کشاورز متکی به یك اقتصاد خود کفا از بقیه سلولها بریده‌بوده‌اند وعدم وجود راههای ارتباطی دردهات به دوام این خصوصیات محلی مدد می‌رسانیده است.

و اما مهمترین واقعه در جغرافیای معاصر ناحیه ، افزایش فوق‌العاده جمعیت آنست‌که در واقع انگیزهٔ تمام تحولات خودبخودی درهٔ کلات بحساب می‌آید. چنانچه بتوان به گفته لردکرزن استشهاد کرد که جمعیت دره رادراواخرقرن‌گذشته (۱۸۸۹) ۱۰۰۰ تن تخمین می‌زند [۱۵] ، جمعیت دره طی مدت ۷۵ سال بیش از۶/۵ برابر شده‌است. مقایسه ای میان نتایج دو سرشماری ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ نشان می‌دهدکه جمعیت حوضه کلات از۵۲۱۹ نفربه ۶۷۸۹ نفررسیده‌است.

براین‌اساس رشد سالیانه جمعیت‌کلات معادل ۳۰ در هزاراست [۱۶] که باتوجه به‌اهمیت بسیارناچیزجریانهای مهاجرتی دراین حوضه، در واقع‌به مثابه رشد طبیعی جمعیت آنست. خاطرنشان سازیم که حرکات مهاجرتی ازخارج‌به داخل حوضه‌مطلقا وجودندارد وازداخل به‌خارج نیزمهاجرت بسیار کم‌اهمیت بوده‌است تاآنجا که درچند سال اخیرتنها به‌مهاجرت ۱۰ درصد از جمعیت دوآبادی قله زووآقداش به جانب معادن زغال‌آق دربند می‌توان اشاره کرد.

براستی این دره محصور ومتکی بخود ، باافزایش روز افزون جمعیتی که دست‌کم هر۳۰ سال‌یکبار دو برابر می‌شده چگونه بمقابله

برخاسته است؟ این درحقیقت حماسه بزرگ دنیای روستائی ماست که بار دیگردر درهٔ کلات تکرارشده‌است. مردم کلات دربرابراین فاصله بزرگ قرن ما، یعنی رشد مضاعف جمعیت درکمتر ازیك نسل، بی‌هیچ انتظار یاوری‌ازخارج که عبث می‌نموده، دست‌به نبردی بزرگ آزیده‌اند که درآن، استفاده ازشیوه‌های پیچیده‌ای که درسنتهای اصیل ایرانی ریشه داردنقشی حساس داشته‌است. درنظام بهره‌برداری ازخاك، توسل به کشت مبتکرانه آبی در عمق دره های کوهستانی که ازجانب یك زراعت دیم در قلمرودامنه‌ها حمایت می‌شده وبانوعی دامداری ازمقوله نیمه‌شبانی با بردکوتاه پیوند می‌خورده درسراسر تاریخ ماسابقه دارد. مقایسه‌ای دراین زمینه باآسیای صغیرتأکیدی است‌براین واقعیت که ایرانی هرجا که آبیاری میسر بوده، کشت بارانی رارهاکرده. درشرق آسیای صغیر، کشت یونجه آبی که درایران ازجمله ارکان نظام‌زراعی است وجود خارجی‌ندارد و کشت چغندرقند وانگور کشتی‌است بارانی؛ درحالی که درایران وافغانستان حتی درجائی‌که زراعت خشك میسر بوده‌باشد بازاین دوکشت همیشه باآبیاری توأم‌بوده‌است.

باری‌به درهٔ کلات باز می گردیم‌تا ببینیم مردم‌این سامان چگونه با اتخاذ شیوه‌های گوناگون دربهره برداری ازخاك باافزایش معاصر جمعیت مقابله کرده‌اند. دراین مطالعه‌ناگزیرباید زندگی زراعی در دره‌راجداازبهره‌برداری‌درقلمروهای کوهستانی موردبررسی قرارداد.

### الف. زندگی زراعی در بخش دره‌ای کلات

درهٔ کلات که در فاصله دربند تایکه توت، به ترتیب آبادیهای خوارزم محله، کبود گنبد، خلج علیا و سفلی ونفته را شامل می‌شود نزدیك به ۳ هزار نفر را درخود جای داده‌است که اندکی کمتر از نیمی از جمعیت کلات باشد. اساس نظام زراعی دراین دره مبتنی‌است بر کشتهای آبی که ازلحاظ وجوه‌اساسی یکنواخت ومشابه باقی می‌ماند. در تقویم زراعی، همه جا غلات، یعنی برنج، گندم، جزوذرت همراه بایونجه وماش و کنجد وصیفی بطورهمزمان یابه تناوب وارد می‌شوند. مشکل اساسی در کشاورزی عمق درهٔ، کم‌آبی نیست که بندرت پیش می‌آید بلکه کمبود اراضی زراعی است.

زراعت برنج اغلب مدام دریك زمین تکرار می‌شود و گردش در کشت مخصوص سایر غلات است. دراین گردش، گندم وجوپس از یك استراحت‌یك ساله جای خود رابه کنجد وذرت می‌سپارند. وهمه جاپس ازبرداشت محصول، پی دروهابه چرای آزاد دامها رهامی‌شود. در سالهای عادی در سه‌آبادی بالا دست رود، یعنی در دربند وخوارزم محلی و کبودگنبد، تقسیم‌آب رودخانه معمول نیست. ولی در آبادیهای پایین دست، بخصوص میان خلج ونفته‌آب راتقسیم می‌کنند، به‌این معنی که روزها آب دراختیار خلج‌است وشبها دراختیار نفته. در آبی‌زارها، به‌برنج هر۸تا۱۶ روزیك بار، به گندم هر۸تا۱۰ روزیك بار،

به یونجه هر ۶ تا ۱۰ روز یك بار آب می‌دهند و برای ذرت در تمام دورهٔ زارعی دو آب بافاصله ۱۲ روز کفایت می کند.

اساس کشتهای آبی در درهٔ بر زراعت برنج استوار است که تولید آن در ناحیه سابقه‌ای طولانی دارد. در درهٔ کلات زراعت برنج بدون خزانه و نشاء انجام می‌شود. زمین شالیزار را در اوایل فروردین ماه می‌رانند (یعنی شخم می‌زنند) با یك جفت گاو روزانه می‌توان ۶ من زمین[۱۷] را بزیر شخم آورد. پس از شخم طرازبندی و پل‌بندی آغاز می‌شود که دو نفر زارع کار ۶ من زمین را در یك روز به سامان می‌رسانند، سپس به زمین آب می‌بندند و وقتی ضخامت آب در مزرعه به ۱۰ سانتی‌متر رسید آب را ساکن می کنند تا دانه افشانی آغاز گردد. (میزان بذر مصرفی برای ۶ من زمین بین ۴ تا ۶ من است.) پس از دانه افشانی آب را مجدداً به‌زمین راه می‌دهند تا ساقه‌ها به صورت غرقابی در آید. این آب تا بیستم شهریور ماه که شالی خوشه می‌زند در پای بوته جریانی آرام دارد. در این فاصله دو بار زمین را خو، یعنی وجین می کنند و علفهای هرزه را بخورد خاك می‌دهند وجین اول ۲۰ روز پس از دانه افشانی و وجین دوم یك ماه پس از آن صورت می گیرد. ۱۵ روز پس از به دانه‌نشستن خوشه، درو آغاز می‌شود. سپس بغله‌های برنج را به‌حال ایستاده در سطح مزرعه قرار می‌دهند و با گاو خرمن می کنند. تمام این کارها بر عهدهٔ مردان است و زنان بندرت و تنها در کار وجین و درو آنانرا مدد می گویند. تیره‌های برنجی که در درهٔ کلات کاشته می‌شوند عبارتند از صدری، عنبر بو (کوتاه) و گردهٔ

ششماهه و گردهٔ سه ماهه (سمرقندی) . بازدهی متوسط چیزی معادل ۲/۵ تن درهکتارو درحدود بازدهی شالیزاران گیلان است ، سه آسیاب موتوری در کبود گنبد وجود دارد که ده‌یك محصول را می‌برد وشلتوك را به برنج تبدیل می کند. خود مصرفی برنج دردرهٔ کلات اهمیت فراوان دارد . هزینه حمل ونقل به سبب وضع ناگوارراه بسیار بالاست ، تاآنجا که برنجکار کلاتی برای ارسال هرتن برنج به بازار مشهد ناچار باید ۱۸۰۰ ریال کرایه بپردازد . راه نفرین شدهٔ کلات به مشهدبند چنین فاسدی است که آخرین شیرهٔ حیاتی ناحیه را می بلعد . کلات غیر از برنج اندکی گندم وجوو کنجد وذرت هم به خارج می‌فروشد؛ بعلاوه فروش چوب درمحل اهمیت دارد ؛ بطوریکه سیرزاریها، قله زوئیها، گروئیها وخشتیها که اراضی کوهستانیشان عاری ازهر نوع درخت است مشتریهای ثابت قدم سپیدارو تبریزی دره‌اند . درسال ۱۳۵۲ درسراسر کلات فقط ۵ تراکتوروجود داشته‌است : دوتراکتورمتعلق به کلاتیها وسه‌تراکتور دیگرمتعلق به خوانین قله زوبوده‌است که امرحمل ونقل ده رانیز عهده داربوده‌اند . درسراسر ناحیه کلات رژیم خرده مالکی از قدیم غلبه داشته وتقریباً هیچجا موجبی برای اصلاحات ارضی فراهم نیامده است . دردرهٔ کلات ، سوای دربند که وضعی جداگانه دارد ، همه جا زندگی روستائی ثابت است وهیچ گونه نقل وانتقال عمدهٔ جمعیت ودام بچشم نمی‌خورد . آبادیهای دره عموماً فاقد چراگاههای دوردستند و احشامشان برای چراازحریم ده فراتر نمی‌روند . مثلا مردم کبود گنبد

که به یك زندگی نیمه شبانی سازمان یافته دست می‌زنند دامهای خود را که در ۸ تا ۱۰ رمهٔ ۴۰۰ رأسی خلاصه می‌شود، تابستانها به چراگاههائی که با نیم ساعت فاصله از مرکز آبادی قراردارند می‌فرستند و تنها دو خانوادهٔ شبان احشام را به ییلاق علی دولی واقع در ۳۵ کیلومتری کبود گنبد منتقل می‌سازند.

در میان آبادیهای واقع در عمق درهٔ، ده دربند وضعی استثنائی دارد. این ده که فاقد دیم زاراست و آبیزارهایش نیز به سبب تنگی دره در بخش قدامی محدود مانده ودرضمن چراگاهی نیزدرحریم خویش ندارد به یك نقل وانتقال جمعیتی دوگانه دست می‌زند، به‌این معنی که ۱۳۰ خانوار از ۱۷۰ خانوار دربندی که مرکب از ترکهای جلایروسانی گوی باش وطوایف کردهستند، زمستانهارا درمعیت احشام خود به‌قشلاق چلاق واقع در گودی پای جبهه شمالی حوضه می‌روند. در اینجا زمینها را برای کشت گندم وجودیم شخم می‌زنند ودرحالی که دامهایشان درگاشها از علوفه خشك تغذیه می کنند زمستان را در خانه‌هائی که درقشلاق ساخته‌اند به انتهامی‌رسانند.

اول بهار مردان به دربند، در درهٔ کلات بازمی گردند تا پس‌از انجام عملیات زراعی که معمولا تا ۱۵ فروردین ماه بطول می‌انجامد با تمامی‌اعضای خانواده‌به حدود چلاق‌باز گردند وامرشیردوشی رابه‌انجام رسانند. دراول خردادماه، همه جمعیت‌دوباره دردربنداست که بلافاصله به جانب چراگاههای ییلاقی واقع درارتفاعات بیسامات، درغرب حوضه

و مشرف برده قره سو : حرکت می کنند شکل (۴) . دربندیها در این ارتفاعات چهارماه ونیم درزیر چادرها بسر می برند ونیمه مهر به حدود آبادی بازمی گردند تابار دیگر خود را آماده سفر به چلاق کنند.

درپایین دست کبود گنبد. آبادی خلج سفلی بـا وضعی مخصوص بخود دارد : ده خلج آبادی نو بنیادی است که درطول ۶۰ سال اخیر ایجاد شده و قبلا یورتگاه زمستانی قلدزوئیها بوده است که سیرزاریها بخش حاشیه‌ای آنرا خریداری کرده وزمستانها را در آن درجوار دیمه‌زارهای خود می گذرانند. این کانون جدید جمعیتی خودپاسخ دیگری است به افزایش جمعیت در آبادیهای کوهستانی.

سخن کوتاه باید اذعان کرد که افزایش معاصر جمعیت درعمق درهٔ کلات تنها با افـزایش بازدهی خاك بـرانو وفور آب و کثرت استعمال وانتخاب بذرهای جدید پاسخ گفته شده، زیرا که هیچ جریان مهاجرتی قابل ذکر درچند سال اخیر دراین دره اتفاق نیفتاده تاموجبی برای تعدیل جمعیت آن بوده باشد.

درپایان این مقال لازم است تااشاره‌ای نیزبه نظام بازارشـود که درنهایت انحطاط است : فـروش محصول به سلف درتـمامی دره کلات رایج است : دهقان برنجکار کلاتی برنج گرده را هر کیلو ۲۵ ریال به سلف می‌فروشد و ۴۰ ریال می خرد ؛ عنبربو را به ۳۰ ریال می‌فروشد و به ۶۰ ریال می‌خرد برنج‌صدری را به ۴۰ ریال می‌فروشد و به ۸۰ ریال می‌خرد. این امر نشان می‌دهد که سیاست اعتباری ما در قلمرو ایـن

گونه روستاها تا چه حد نارساست .

## ب . زندگی کوهستانی در ناحیه کلات

اشاره‌کردیم که بیش از نیمی‌از جمعیت‌ناحیه کلات در اراضی کوهستانی زندگی می کنند. در همه این اراضی نظام زراعی مبتنی‌است بر کشت بارانی غلات (گندم وجو) که با شیوه‌ای از دامداری متکی برمهاجرت به نواحی قشلاقی پیوند می‌خورد . حد نهائی کشت در این کوهساران‌در ارتفاع ۱۶۰۰_۱۵۰۰متر قرار دارد. چه در اراضی‌ییلاقی و چه در زمینهای قشلاقی‌واحد زیرکشت به دو بخش تقسیم می‌شودکه یك بخش به‌کشت گندم وجو وکنجد و صیفی دیم اختصاص داردو بخش دیگر به آیش شخمی سپرده می‌شود تا سال بعد کشت وآیش جای‌خود را عوض‌کنند . کشت‌غلات‌درقشلاق ، پائیزی است و در ییلاق، بسته به وضع آب وهوا ،گاه پائیزی وگاه بهاری . این کشت بارانی با همه تغییرات جدیدی که باافزایش استعمال‌کوددر میزان بازدهی آن‌حاصل آمده بهیچ روی قادر به تأمین نیازمندیهای غذائی جمعیت روز افزون این سامان نبوده است ؛ از اینرو از زمانی دراز ، نوعی دامداری غیر فشرده برپایه مهاجرت به محلات زمستانی میان‌تمام ساکنان دامنه‌های کوهستانی رایج بوده است که افزایش جمعیت به‌آن وسعت و اهمیتی بی‌نظیر بخشیده است .

محلات زمستانی دهات شمالی ، یعنی گرو وخشت در خارج از

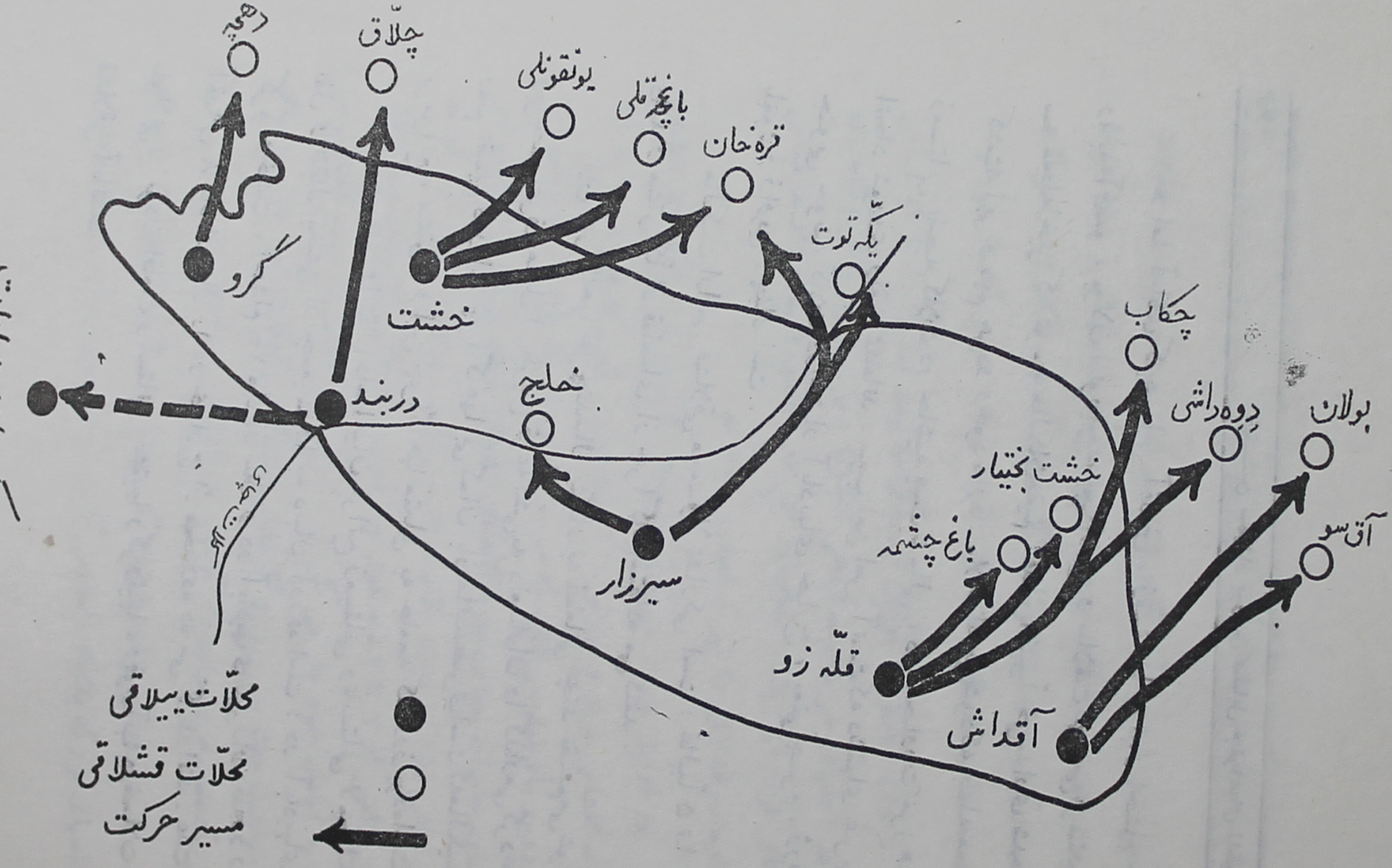
حوضه کلات ، یعنی در پستی پای دیواره تند شمالی قرار دارند: قشلاق آبادی گرو دهچه است واقع در ۸ کیلومتری شمال گرو که با یك راه باریك بزرو می‌توان به آن دست یافت (شکل ۳) ؛ در طول دره باریکی که به‌جانب دشت اتك رو به شمال کشیده شده، ۷ محله قشلاقی گروئیها مستقر شده‌اند .

بعلاوه معدودی از مردم گرو قشلاقشان در حصار واقع در غرب حوضه کلات قرار دارد . محلات زمستانی آبادی خشت به ترتیب در یونقونلی ، باغچه‌قلی وقره‌خان واقع‌در شرق‌قرارگاههای زمستانی گرو در فاصله ۱۸ کیلومتری از آبادی خشت قرار دارد (شکل ۳) .

در این محلات از ۳۵ سال قبل براثر فشار حکومت وقت خانه‌سازی آغاز شده و مردان خشتی زمستانها چادرها را رها کرده و به خانه‌ها پناه می‌برند .

در عوض قرارگاههای زمستانی آبادیها سیرزار وقله زوو آقداش هم در داخل وهم در خارج ازحوضه قرار دارد : سیرزاریها درزمستان و بهار احشام خود را به خلج ویکه توت و همچنین به محلاتی واقع در مجاورت یورتگاههای خشت در قره خان و باغچه‌قلی می‌فرستند (شکل ۳) .

محلات قشلاقی قله‌زوئیها ، در داخل حوضه ، باغ‌چشمه‌وخشت بختیار و در خارج ، در چکاب و دوه‌داشی است که تا ۱۸ کیلومترفاصله از آبادی قرار دارند (شکل ۳) .




شکل ۳ ـ جابجائی فصلی جمعیّت در ناحیهٔ کلات

و اما آبادی کوهستانی آقداش ، زمستانها و بهار احشام خود را به آق‌سو ، بولان ، نوریچه، بچه‌اروج و سلامت نهه می‌فرستد . در سه محله‌اخیر که توسط مالکان‌مقیم آقداش‌اخیراً خریداری شده‌است کشت آبی و دیم هردو وجود دارد . ملاحظه می‌شودکه جمله محلات زمستانی ناحیه کلات در حاشیه پست شمالی ، در مجاورت مرزهای اتحاد شوروی واقع شده‌اند . سبب این امر آنست‌که دشتهای غربی و جنوبی حوضه کلات دراختیار آبادیهای خارج ، یعنی‌چرم ، ژرف ، بلغور و زاوین وچنار است .

مالکیت اراضی قشلاقی معمولا تشارکی است : غالباً ۵ تا ۱۰ دامدار مشترکاً از قطعه‌ای از چراگاه استفاده می‌کنند .

این چراگاهها هرچندسال یکبار به قطعاتی چند تقسیم‌می‌شوند وبرحسب‌عرف محل از طریق قرعه‌کشی به دامداران واگذارمی‌گردند. رسم تقسیم دوره‌ای چراگاهها بی‌گمان باز مانده‌عصری‌است که‌مالکیت برمراتع ، مشترك و این چراگاهها متعلق به جامعه کشاورز بوده‌است.

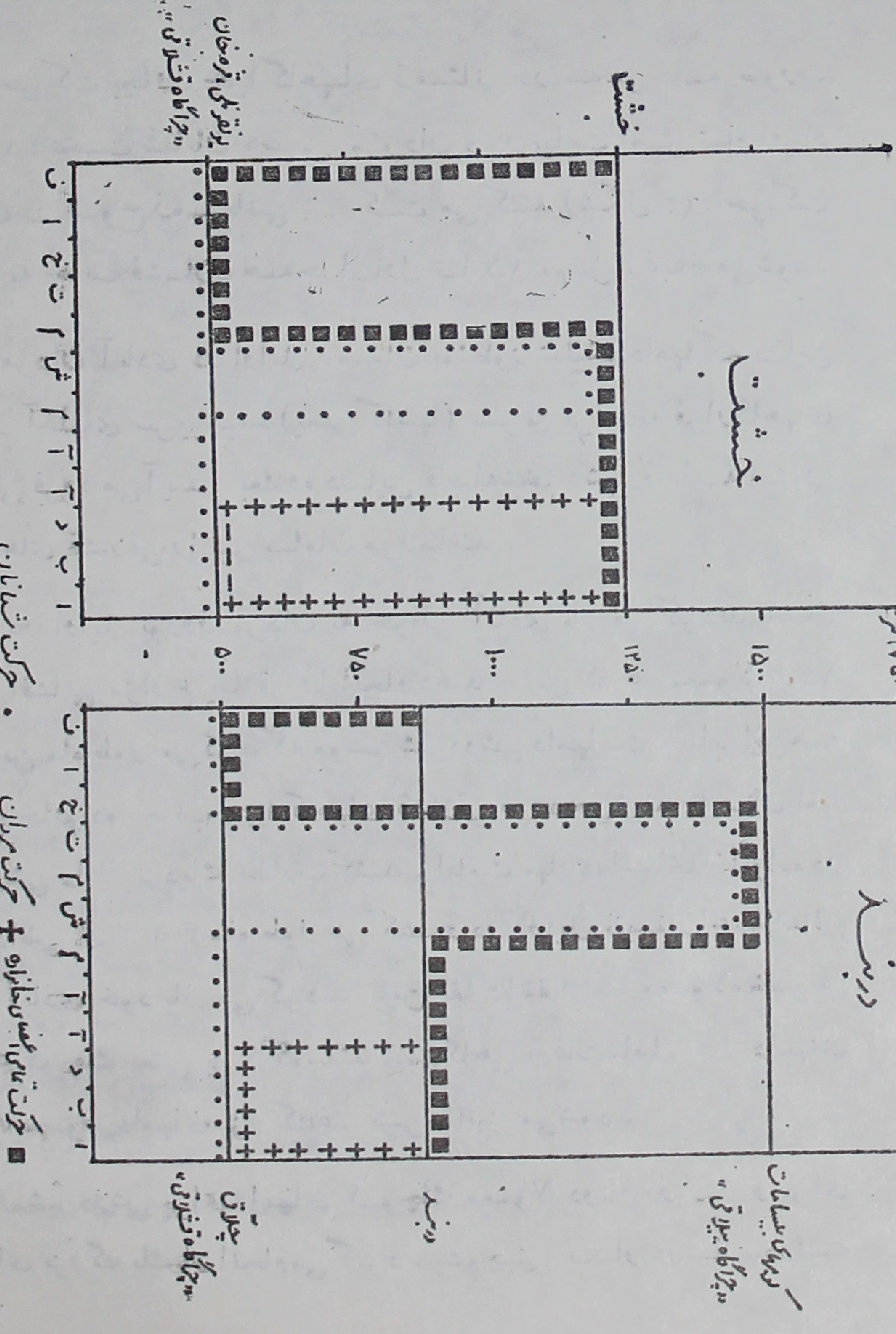
باری نقل وانتقال دامها میان مراتع زمستانی وتابستانی لامحاله نقل وانتقال بخشی از جمعیت را به دنبال آورده است : در آبادیهای گرو وخشت ، احشام ۱۰ ماه از سال و در آبادیهای سبزوار وقله‌زو و آقداش ۸ ماه از سال را در خارج از محدوده ده می‌گذرانند . علت طولانی‌تر بودن اقامت زمستانی خشتیها وگروئیها . وفورآب درمحلات قشلاقی آنانست .

حرکت بجانب چراگاههای زمستانی در سه مرحله صورت می گیرد: نخست شبانان، سپس مردان و در نهایت امر تمام افراد آبادی در کوچ زمستانی شرکت می کنند (شکل ۴). حرکت شبانان به جانب قشلاق همه‌جا از اول تا ۱۵ مهر آغاز می‌شود.

مردان آبادی در اوایل زمستان بمنظور تعلیف دامها که دراین فصل در آغلهای سرپوشیده (یعنی کاشها) بسر می‌برند به قرارگاههای زمستانی فرود می‌آیند؛ بعلاوه در این فاصله‌شخم وشیارو دانه افشانی دیم‌زارهای قشلاقی را نیز بسامان می‌رسانند.

در اوایل نوروز مردان به حوالی آبادی باز می گردند تاشخم و دانه افشانی مزارع ییلاقی را انجام دهند. این کارها معمولا تا ۱۵ فروردین ماه طول می کشد که موسم شیردوشی دامهاست. بنابراین‌همه اعضای خانواده بجانب چراگاههای قشلاقی فرود می‌آیند تا زنان امر شیردوشی را از نزدیك نظارت کنند. اقامت بهاری اعضای خانواده در این اراضی از ۲ تا ۴ ماه طول می کشد و در اوایل تابستان همه اهالی ده به آبادی خود باز می گردند. این نقل‌وانتقال که معمولا‌مخصوص دامهای کوچك یعنی بز و گوسفند است‌گاهی اوقات‌شامل حال دامهای بزرگ‌بخصوص‌دامهای بزرگ‌غیر شیری)نیز می‌شود.

شیردوشی برای دامهای کوچك معمولا دوبار در روز و برای دامهای بزرگ یك‌بار انجام‌می گیرد، پشم‌چینی یکبار در سال، درنیمه




شکل ۴ - رفت و آمد جمعیت میان محلات زمستانی و تابستانی

دوم اردیبهشت ماه انجام می‌شود. تعلیف شبانه دامها، درصورتی که هوا مناسب باشد، معمول است.

نحوه استخدام شبانان در تمامی حوضه کلات تقریباً یکسان است. استخدام شبان عموماً پس از قوش گذار، یعنی ۴ ماه پس از عید نوروز که موسم شیردوشی به پایان رسیده، به مدت یك‌سال و یا ۶ ماه صورت می‌گیرد. شبان از جانب اهالی مشترکاً استخدام می‌شود. مزدشبانان گوسفنددار عموماً عبارت است از ده یك بره‌ها، یك نوبت شیر در هفته و ۱۲۰ کیلو گندم در برابر هر ۱۰۰ رأس دام. دو بزغاله یك بره بحساب می‌آید و برای انتخاب بره نر یا ماده به قرعه کشی متوسل می‌شوند، همچنین برای تعیین حق‌السهم شبان از بره‌های کمتر از ده رأس. دستمزد شبانان گاودار معمولا عبارتست از ۱۵ ریال برای هر رأس دام و یك نوبت شیر در هفته. برای دامهای بزرگ غیرشیری علاوه بر دستمزد بالا باید ماهیانه ۲ تا ۳ کیلو گندم نیز به شبانان پرداخت.

* * *

باری از آنچه آمد نتیجه می گیریم که افزایش جمعیت در کلیه آبادیهای کوهستانی تعمیم داشته است و مردم این سامان برای مقابله با آن دست به‌بازی ظریفانه‌ای در تلفیق میان کشت و دامداری زده‌اند. در این نظام‌در عین آن که بازدهی خاك با افزایش استعمال کود که‌خود تابعی ازگسترش دامداری در ناحیه بوده بالا رفته، مهاجرت بجانب

چراگاههای قشلاقی نیز توسعه‌گرفته تا آنجا که از ۲۰ سال قبل تاکنون‌پای‌هیچ گله‌ای از ناحیه‌مشهد به این حدود نرسیده است.

از سوئی قلمرو کشت به‌چراگاههای قشلاقی نیز کشیده شده است. با اینهمه جمله آبادیهای کوهستانی در سالیان اخیر، به نحوی با پدیده مهاجرت روبرو بوده‌اند: قله‌زوئیها و آقداشیها بجانب معادن زغال آق دربند روی آورده‌اند و خشتیهای متمکن در توسعه بخش شمالی شهرك کبودگنبد مشارکت داشته‌اند و بالاخره بیش از ۱۰۰ خانوار از گروئیها به‌آبادی حصار در غرب‌حوضه کوچ کرده‌اند. کوتاه سخن حوضه کلات هم‌اکنون از لحاظ جمعیتی در حالت اشباع است و در آینده‌ای نه‌چندان‌دور میادین شهرداری و بار مشهد باید منتظر بیل به‌دستان کلاتی نیز باشند.

**یادداشتها:**

۱ــ و.ج. جیل V. J. Gill و و. بیکر V. Baker در ۱۸۷۳ به‌نیت تعقیب عملیات نقشه‌برداری درشمال وشمال‌شرق‌ایران مطالعاتی بعمل‌آورده وچندین‌بار از راههای جدیدی دراین‌ناحیه عبور کردند. موقعیت دفاعی‌کلات نادری که یك‌قرن‌ونیم قبل‌از آنها مورد بازدید جهانگرد یونانی باتاتزس Batatzes قرارگرفته سخت آنان‌را تحت تأثیر قرارداد. نگاه‌کنید به‌گابریل (آلفرنس)؛ تحقیقات جغرافیائی راجع‌به ایران؛ ترجمهٔ فتحعلی خواجه‌نوری: ابن‌سینا، ۱۳۴۸، صفحه ۲۹۰.

۲ــ ناپیه Napier به‌سال ۱۸۷۴، یعنی یك‌سال بعدازجیل‌وبیکر، پس یك‌سفراکتشافی

درالبرزشرقی به‌کلات ودرگزرسید وسپس ازطریق جاجرم راه استرآبادرا در پیش گرفت . ناپیه در۱۸۷٦ یادداشتهای خودرا به‌ضمیمهٔ نقشه‌ای ازشرق‌البرز و شمال شرق‌خراسان منتشرساخت . همان‌کتاب ؛ صفحه ۲۹۱ .

Mac Gregor, C.M. Narrative of Journey through the province of Khorassan and the North - Western fronteer of Afghanistan in 1875, London, 1879, 2 Vol.

سرهنگ س. م. مک‌گرگور سیاح‌انگلیسی وکاشف‌بیابانک یکسال پس‌ازناپیه‌به‌خراسان رسید . اوپس‌از بازدیدی که‌ازکلات بعمل‌آورد باانتخاب راهی‌که پیش‌ازاو جیل‌وبیکر پیموده بودند ازطریق سیملقان وجاجرم به‌شاهرود رسید . یادداشتهای او دربارهٔ کلات کاملترین اطلاعاتی‌است‌که یکنفرخارجی ازوضع این‌دوره در سده نوزدهم‌بدست می‌دهد .

۴ـ O, Donovan, E. The Merv oasis ete. 2 Vol. New york, 1881.

ادموند اودونوان ، خبرنگار روزنامهٔ دیلی‌نیوز که‌بعدها در سودان تلف‌می‌شود در ۱۸۸۰ به‌محمدآباد ، مرکزدرگزمی‌رسد. حاصل این‌اقامت گزارش بسیارجالبی‌دربارهٔ شمال خراسان‌است . اونخست سعی‌می‌کند تاازطریق گرگان به‌مرو برود ولی موفق نمی‌شود وبه‌تهران بازمی‌گردد . اودونوان ازطریق‌مشهد به‌درگز می‌رسد و به‌تفصیل درباره این‌ناحیه سخن‌می‌گوید . سپس باعبور ازکلات‌نادری راهی مرو می‌شود وشش ماه درمرو اقامت می‌گزینند .

۵ـ پ. م. سایکس P.M. Sykes مسافر خستگی‌ناپذیری‌که بین سالهای ۱۸۹۳ تا ۱۹۱۳ هفت‌بار به‌ایران سفرکرده‌است درواقع کاشف‌بسیاری ازنواحی بلوچستان‌است. او به‌سال ۱۹۰۷ ، به‌هنگام پنجمین مسافرت‌خود به‌ایران ازمشهد به‌کلات می‌رسد که هنوز ماموران‌ایران آنرا به‌دقت ازچشم خارجیان دورنگاه می‌داشته‌اند . هرچندکه سایکس درمحافل‌علمی به‌عنوان مؤلف «تاریخ ایران» اشتهاریافته بااینهمه کوشش اورا برای شناسائی بسیاری ازنواحی کشف‌نشده شرق وجنوب‌ایران نمی‌توان از خاطر برد .

نگاه کنیدبه : گابریل (آلفرنس) ؛ همان‌کتاب ؛ صفحات ۳۲۰-۳۲۹ .

٦ـ ژ. بی فریزر J.B. Fraser یازده‌سال پس‌از نخستین سفرخود به‌خراسان که‌در

۱۸۲۲ صورت گرفت کوشید تابه‌کلات‌نادری برسد ولی دراین‌کوشش کامیاب‌نشد ولی درعوض توانست سفری به‌سرزمین کشف‌نشده درگزکند وخودرا به‌دشت اتك که در امتداد کوههای‌شمالی‌خراسان تادل صحرا گسترده شده‌برساند. فریزر پس‌ازاطلاعاتی که درباره ترکمانان تکه وگوکلان ویموت بدست‌می‌آورد ازطریق سواحل دریای مازندران وارتفاعات خلخال عازم‌تبریز می‌گردد .

۷ـ Curzon, G.N. Persia and the Persian Question. 2 Vol. 1892.

لرد کرزن نمایندهٔ مجلس مبعوثان انگلستان در ۱۸۸۶ به‌سال ۱۸۸۹ باعنوان خبرنگار روزنامهٔ تایمز به‌ایران‌می‌آید . اوبرسرراه‌خود ازقوچان به‌مشهد تصمیم‌می‌گیرد تااز دژنادرشاه دیداری بعمل‌آورد . ازآنجاکه درآن‌زمان بیم اشغال‌کلات توسط قوای‌روسیه می‌رفته حکومت‌تهران ازورود هرخارجی به‌ناحیه‌کلات ممانعت بعمل می‌آورده‌است . لردکرزن در ۱۵اکتبر ۱۸۸۹ ، به‌بهانهٔ شکار ازهمراهان‌خود جدامی‌شود وپس‌از عبور ازرادکان وآبادی کوهستانی بلغور در۱۸اکتبر به‌پای حصار کلات‌می‌رسد . باوجودی که‌تمامی‌تدابیر کرزن برای‌دخول به‌داخل دره باناکامی‌روبرو می‌شود می‌تواند اطلاعات جامعی درباره این‌ناحیه گردآورد . نگاه‌کنیدبه : جرج. ن. لردکرزن : ایران وقضیهٔ ایران؛ ترجمهٔ : غ. وحیدمازندرانی ؛ بنگاه ترجمه ونشرکتاب ؛ تهران ، ۱۳۴۹ ، جلداول ، صفحات ۱۶۹ـ۲۰۴ .

۸ـ لردکرزن ؛ همان‌کتاب ؛ جلداول ، صفحه ۱۹۶ .

۹ـ نگاه‌کنید به بارتولد(و.) ، تذکره جغرافیای‌تاریخی‌ایران ؛ ترجمهٔ حمزه‌سردادور، تهران ۱۳۰۸ ، صفحه ۱۴۷ .

۱۰ ـ نگاه‌کنید به‌ورجاوند (دکتر پرویز) ؛ دیداری ازکلات‌نادری وآثار تاریخی‌آن ؛ مجلهٔ باستان‌شناسی وهنرایران ؛شمار ٤ ؛ پاییز وزمستان ۱۳۴۸ ؛ صفحات ۵۸ـ۷۲ .

۱۱ ـ لردکرزن ؛ همان‌کتاب ؛ جلداول ؛ صفحه ۱۹۷ و۱۹۸ .

۱۲ ـ گابریل (آلفرنس) ؛ همان‌کتاب ؛ صفحه ۲۹۰ .

۱۳ ـ Mac Gregor, C.M. Ibd. 2 Vol, PP. 49-58.

۱٤ ـ لردکرزن ؛ همان‌کتاب ؛ جلداول ؛ صفحه ۱۹۹ .

۱۵ ـ لردکرزن ؛ همان‌کتاب ؛ جلداول ؛ صفحه ۲۰۱ .

۱۶ ـ درمیان آبادیهای‌حوضه ،دوآبادی جلگه‌ای خوارزم‌محله وکبودگنبد با ٤٤ و ۲۵ درهزاد وسه‌آبادی کوهستانی سیرزار وقله‌زو وآقداش ، به‌ترتیب به ۴۵ و۳۸ و۴۷/۵ در

هزار رشدی بیش ازحدمیانگین داشته‌اند .

۱۷ ـ درناحیهٔ کلات هرمن‌زمین آبیزار معادل ۳۳۰ مترمربع وهرمن زمین دیمه برابر ۴۰۰ مترمربع‌است . هرمن‌زمین به ۴۰سیر تقسیم‌می‌شود من‌به‌عنوان واحدوزن در کلات معادل ۴ کیلوگرم‌است .

عباس سعیدی

# نگاهی به ویژگیهای انسانی شمال خراسان

مقدمه : شمال خراسان سرزمین باریکی است به وسعت تقریبی $\frac{1}{8}$ خراسان و بیش از $\frac{1}{6}$ جمعیت این استان را در بر دارد. حدمشخصی برای شمال خراسان درنظر نگرفته‌اند ولی ما در مطالعه‌ای که کرده‌ایم رودخانه کشف‌رود را بسوی شمال و تمام شهرستانهای قوچان ، شیروان و بجنورد را جزءِ قلمرو شمال خراسان بشمار می‌آوریم .

این سرزمین آبریزگاه دو رود مهم خراسان کشف‌رود و اترک و تعداد دیگری رودهای فصلی و نسبةً پرآب نظیر خور ، کلات‌سو ، زنگلانلو و درونگر می‌باشد . غالب آبادیهای خرد و بزرگ خراسان شمالی در دامان این رودها گسترده است . پراکندگی جمعیت در خراسان شمالی تبعیت بارزی از این رودها نشان می‌دهد. با اندک تأملی می‌توان دریافت که شکل و امتداد رودها و دره‌های آنها کیفیت کلی پراکندگی جمعیت را می‌نمایاند . زیرا رودخانه‌ها هم آب موردنیاز مردم را تأمین می‌کند و هم با جاگذاردن خاکهای رسوبی خاک زراعتی ایشان را می‌سازد .

از نظر آب و هوا خراسان شمالی پرامتیازترین ناحیه طبیعی

خراسان بشمار می آید. مقدار نزولات بطور متوسط بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر در ارتباط با ارتفاع متفاوت است.

در ارتفاعات بیش از ۲۰۰۰ متر مقدار ریزش باران از این حد هم می گذرد. بدین دلیل است که کشاورزان خراسانی اراضی ارتفاعات ۱۰۰۰ متری و بیشتر را بصورت دیمی به زیر کشت در آورده‌اند. از جمله مزارع دیمی کاری تا ارتفاع ۱۵۰۰ متر در حوالی امامقلی‌قوچان(۱) در ۱۷۰۰ متر در اطراف باجگیران (۲) و ۱۸۰۰ متر در اراضی تختهٔ باشقی در درکز گسترده شده است.

زمان ریزش باران کاملا با نیمسال ملایم‌وسرد منطبق است. باران معمولا از اواسط مهرماه تا اوائل آبان شروع می‌شود و در فواصل نا-معینی تا نیمه خرداد ماه سال بعد ادامه می‌یابد. حداکثر بارندگی معمولا با ۴ ماه بهمن، اسفند و فروردین و اردیبهشت منطبق است. فواصل ریزش باران در فصل بهار منظم‌تر است وسالی که به قول محلیها خوب باشد «یعنی باران بخوبی ببارد» در این فصل هر ۱۰ روز یک بار باران خواهد آمد. هر نوبت باران را یک شیشه می نامند. زیرا معتقدند که نوبتهای ریزش باران با ۶، ۱۶، ۲۶، ۳۶، ۴۶، ۵۶، ۶۶ و ۷۶

---

۱- امامقلی روستائی است ازدهستان دولت‌خانه بخش حومه شهرستان قوچان، عرض ۲۶-°۳۷ طول ۳۲-°۵۸ جمعیت آن درسال ۴۵ بالغ بر ۱۴۲۲ نفر بوده‌است.

۲- باجگیران در ۳۹-۳۷ عرض و ۲۵-۵۸ طول درشمال قوچان واقع است براساس سرشماری ۱۳۴۵ جمعیتش ۹۶۶ نفر بوده‌است.

روز پس از نوروز منطبق است و پس از آن فصل خشکی فرا می‌رسد. بنا به سنت قدیمی روستائیان دوست دارند مقارن عید نوروز باران داشته باشند و تقارن سال نو و باران را به فال نیک می‌گیرند. در سالهای بسیار خوب رویهمرفته از آغاز فروردین تا آخرین باران حداکثر ۱۰ نوبت باران دارند. در ارتباط باران با آب و هوا ذکر این نکته ضرورت دارد که شمال خراسان از نظر سفره آبهای زیرزمینی رویهمرفته غنی است و قسمت عمده‌ای از اراضی جدید ناحیه به مدد چاههای عمیق به زیر کشت آورده شده است.

از منابع مهم طبیعی شمال خراسان جنگل است. همه ارتفاعات شمالی خراسان مستور از جنگل بوده است و هنوز هم در بسیاری جاها بصور مختلف، پراکنده و گاه انبوه، وجود دارد ولی جنگلهای این ناحیه در طول زمان در اثر مصرف زیاده از حد غنای خود را از دست داده است و امروز اگر در احیای آنها نکوشند به فنای مطلق می‌گراید همچنان که بخشی از جنگلها در نواحی که بیشتر در دسترس بوده به همین روز افتاده است.

از نظر علوفه و مرتع شمال خراسان غنی‌ترین ناحیه خراسان بشمار می‌آید. و از این روست که دامداری سنتی در این جا خوب پا گرفته است و هنوز هم این فعالیت قدیمی به صورتهای گوناگون یعنی چادرنشینی کامل نیمه شبانی و کشاورزی توام با دامداری در این جا وسعت و دامنه نفوذ بسیاری دارد.

خاك شمال خراسان در دره‌ها در پرتو باران نسبةً مساعد، پوشش نباتی غنی، وجود فضولات و کودهای دامی رویهمرفته خوب است بهترین خاکهای خراسان یا خاکهای رسوبی در دره‌های خراسان شمالی است. این خاکها در بعضی از نواحی عمق زیادی دارد و بسیار حاصلخیز است. از جمله آنها زمینهای اطراف دره اترك را که در اصطلاح محلی «تقه» نام دارد ذکر می کنیم. در این خاکها در اثر حاصلخیزی فراوان بدون اینکه کود به زمین اضافه شود سالی پس از سال دیگر به کشت پنبه می‌پردازند.

خراسان شمالی به داشتن منابع معدنی جز سنگهای ساختمانی و زغال‌سنگ آن هم به مقدار محدودی شهرت نداشته است. در این اواخر اکتشاف گاز در تپه‌های حوالی خانگیران سرخس نویدی است بزرگ به دست‌یافتن منبع ذیقیمتی که خود بتنهایی می‌تواند سر آغازی برای تحولات جدید این ناحیه باشد.

پس از این مقدمه موجز اینك می‌پردازیم به اصل موضوع و تحلیل پاره‌ای از ویژگیهای انسانی مردم شمال خراسان بنظر این بنده که بیش از ۴ سال است که در پژوهش جغرافیایی شمال خراسان سرگرم می‌باشد، تنوع قومی و زبانی مردم این ناحیه جالب‌ترین ویژگی انسانی این سرزمین بشمار می‌آید. شمال خراسان به‌دلائل چندی کانون سکونت مردمی از اقوام مختلف ایرانی با سنتهای متنوع و زبانها و گویشهای گوناگون شده است. مهمترین عواملی که این

آمیزه قومی را پدید آورده فهرست‌وار عبارت است از :

ـ وجود امتیازات طبیعی شمال خراسان که شمه‌ای از آن را برشمردیم .

ـ دره‌های خراسان که معبری طبیعی برای ارتباط این ناحیه با دیگر نواحی اطراف است . از جمله دره کشف‌رود یا دره مشهد ، دره اترك ، دره درونگر ، دره زنگلانلو ، دره کلات .

ـ هم‌مرز بودن ناحیه شمال خراسان با سرزمینهای قدیم ایران یعنی ناحیه ماوراءتجن و ماوراءالنهر .

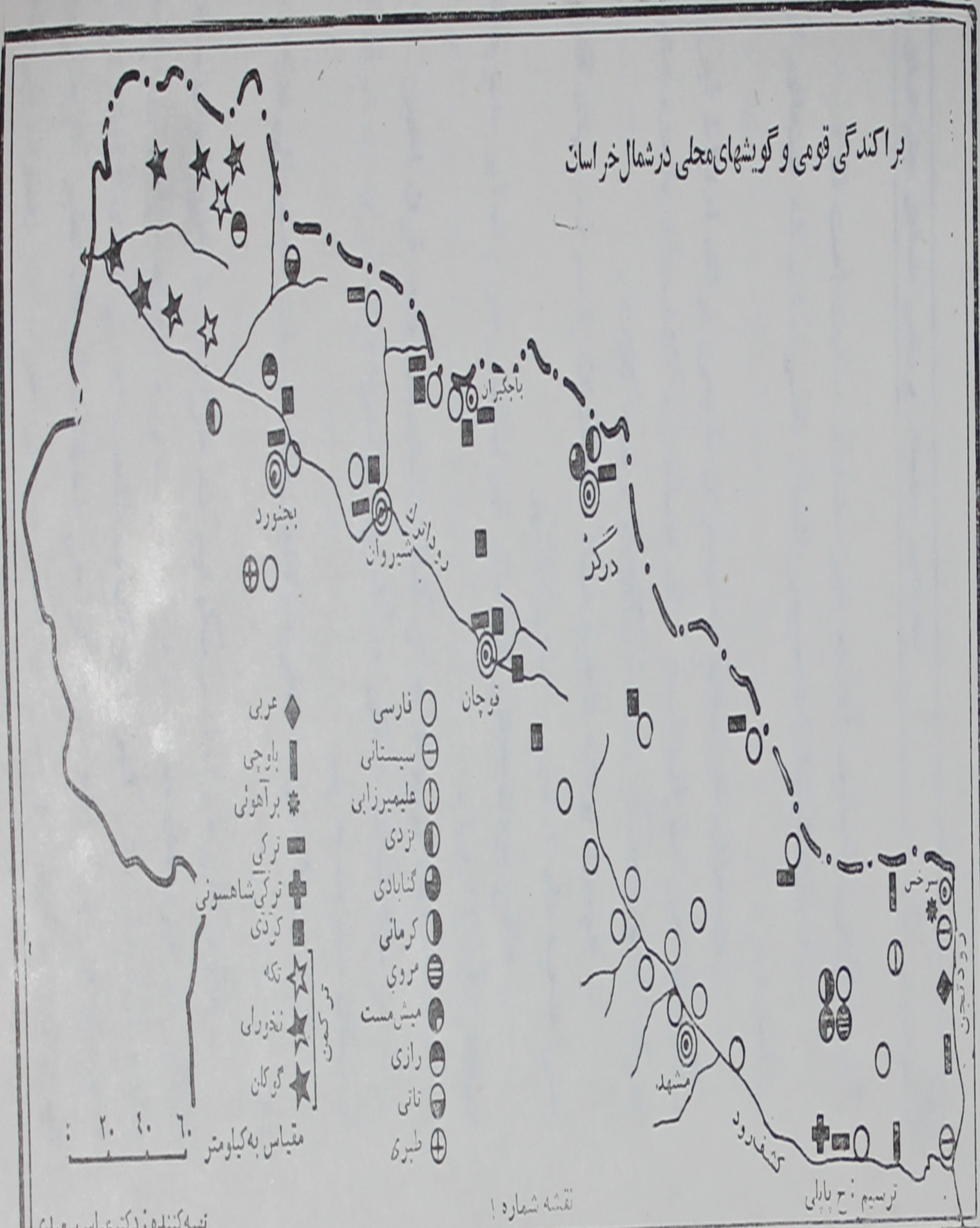
ـ واقع بودن بخشی ازشمال خراسان برسر راه ابریشم یاشاه‌راه تجارتی آسیا اروپا .

ـ مسائل مربوط به ترکمان‌تازی در چند قرن اخیر .

ـ سیاستهای دولتی در کوچ‌دادن مردم از غرب به شرق ایران از زمان صفویه به بعد .

ـ و بالاخره استقرار امنیت واقدامات عمرانی در ۵۰ ساله اخیر .

بطور کلی می‌توانیم بگوئیم که خراسان شمالی کانون سکونت اقوامی از تیره‌های مختلف عرب، سیستانی ، بلوچ، براهوئی ، تیموری ترك ، کرد ، لر ، ترکمن ، ترکهای شاهسون ، ترکهای آذری و ترکهای شمال شرقی خراسان‌و مردم نواحی مختلف ایران نظیر کرمانی، یزدی شیرازی ، ورامینی و مردم دیگر نواحی خراسان چون بیرجندی ،


پراکندگی قومی و گویشهای محلی در شمال خراسان
باجگیران
بجنورد
شیروان
رود اترک
درگز
قوچان
مشهد
سرخس
کشف رود
فارسی
سیستانی
علیمیرزایی
یزدی
گنابادی
کرمانی
مروی
میش مست
رازی
تاتی
طبری
عربی
بلوچی
براهوئی
ترکی
ترکی شاهسونی
کردی
ترکمن
تکه
نخورلی
گوکلان
مقیاس به کیلومتر
۲۰ ۴۰ ۶۰
نقشه شماره ۱
ترسیم: ح پارلی
تهیه کننده: دکتر عباس سعیدی




تصویر شمارهٔ ۲

قائنی ،گنابادی، تربتی و میش‌مست می باشد .

ترسیم کیفیت وچگونگی توزیع دقیق قومی و زبانی مردم‌شمال خراسان احتیاج به تفصیلی دارد که درخور مجال این سخنرانی کوتاه نیست و لذا فقط به نشان دادن چند کروکی در این زمینه اکتفا می کنیم .

همان‌طور که از مطالعه‌تصویر شماره ۱ برمی آید سیستانیها و بلوچها و عربها در حاشیه شمال شرقی‌و اقوام لر و کرد و ترك وترکمن در شمال غربی این ناحیه اکثریت دارند .مرکز وجنوب خراسان شمالی بیشتر محل اجتماع مردم نواحی داخلی ایران‌است که باگویشها و لهجه‌های خاص خویش‌سخن می گویند .

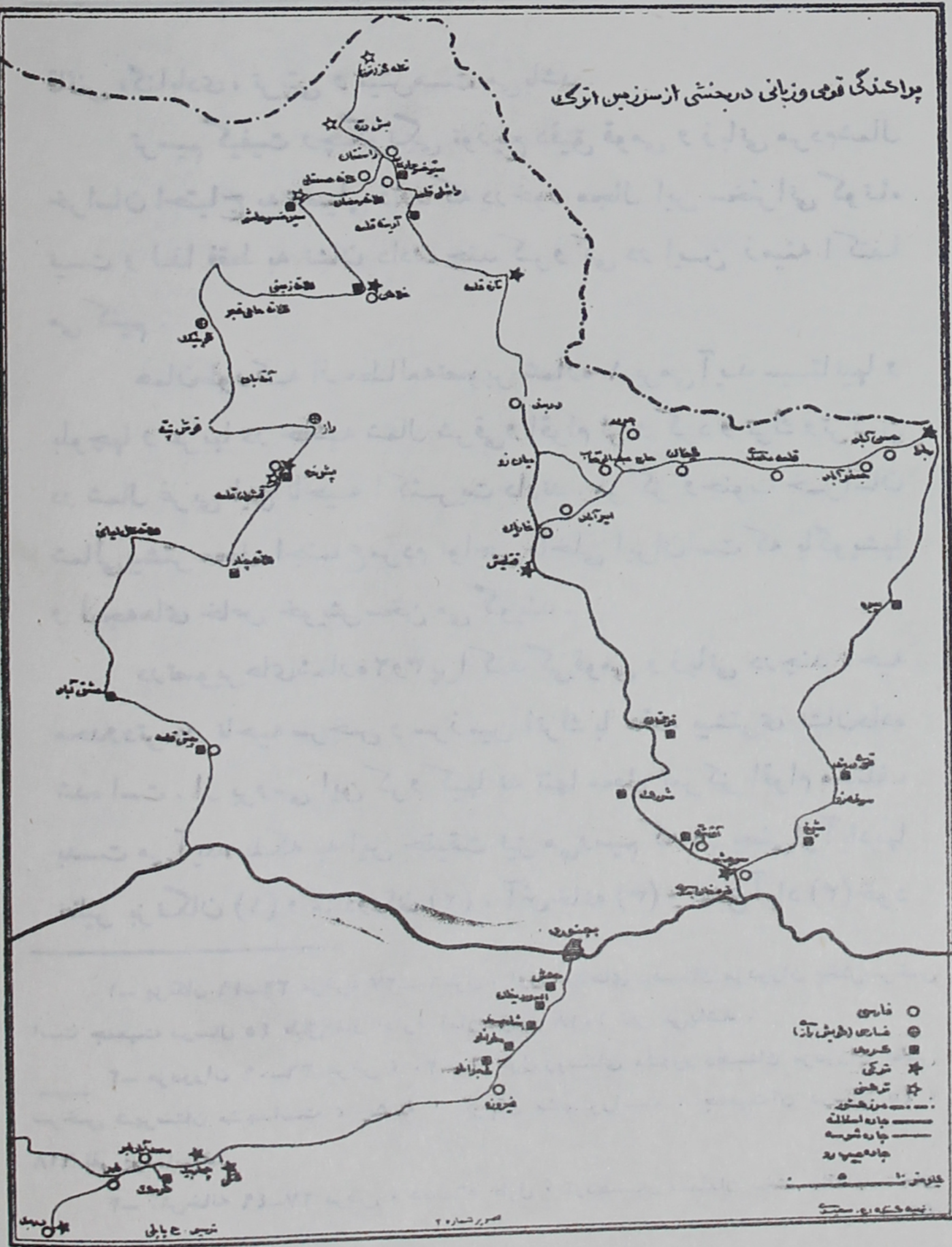
درتصویرهای‌شماره ۲و۳ پراکندگی‌قومی و زبانی درچند ناحیه محدودتر در ناحیه‌سرخس و سرزمین اترك با دقت بیشتری نشان‌داده شده است . از بررسی این کروکیها نه تنها محل تمرکز اقوام مختلف بدست می‌آید، بلکه به این حقیقت نیز می‌رسیم که در بعضی‌ازآبادیها نظیر بزنگان (۱) و مزدوران (۲) ، آش‌خانه (۳) و عشق‌آباد (۴)خود

---

۱ــ بزنگان ۱۹ــ۳۶ عرض، ۲۷ــ۶۰طول . ازروستاهای دهستان مزدوران بخش‌سرخس است جمعیت درسال ۴۵ طبق‌آمار اداره آمارعمومی ۱۰۱۸ نفر می‌باشد .

۲ــ مزدوران ۰۹ــ۳۶ عرض ، ۳۰ــ۶۰ طول روستای مشهور دهستان مزدوران بخش سرخس شهرستان مشهداست ، چشمهٔ آب‌گرم‌آن مشهوراست ، جمعیت‌آن درسال ۴۵ ، ۶۱۸ نفر بوده‌است .

۳ــ آش‌خانه ۴۹ــ۳۷ عرض ، ۵۵ــ۵۶ طول ، ازدهستان سملقان بخش‌مانه وسملقان ←


پراکندگی قومی و زبانی در بخشی از سرزمین اترک
بجنورد
فارسی
فارسی (گویش تاتی)
کردی
ترکی
ترکمن
مرز کشور
جاده اسفالته
جاده شوسه
جاده جیپ رو

تصویر ۳

کانون سکونت چند قوم مختلف یا مردم چند ناحیه متفاوت ایران می‌باشد.

پراکندگی قومی جالب شمال خراسان که چهره کلی آن را در چند تصویر بالا نشان دادیم پدید آورندهٔ ویژگیهای خاصی بشرح زیرین برای این ناحیه می‌باشد.

**تنوع** - مردمی که از نواحی مختلف به خراسان شمالی آمده و در آن‌جا مستقر شده‌اند، هنوز حامل خصائص و ویژگیهای محلی خود هستند. از جمله با زبان محلی خویش صحبت می‌کنند، اکثر ایشان بخصوص زنان لباس محلی خود را می‌پوشند. تا حد زیادی به سنتهایشان احترام می‌گذارند، به مشاغلی که در زادگاه خویش بدان آشنا بوده‌اند تمایل بیشتری دارند و صنایع و هنرهای دستی و سنتی خود را بشکلی هنوز زنده نگهداشته‌اند. اگر قبول کنیم که انسان مهمترین پدیدهٔ جغرافیایی سطح‌زمین است و می‌تواند در خلق پدیده‌های سطح زمین بیش از دیگر عوامل جغرافیایی مؤثر باشد، این آمیزه قومی در شمال خراسان خود عاملی اساسی در پدیدآوردن مناظر

---

→ شهرستان بجنورداست. روستائی‌است که‌بشدت تحت تأثیر تحولات اخیرکشاورزی وسرمایه گذاریهای داخل وخارج‌ناحیه تحول عجیبی یافته وسریع‌الرشدترین روستای تمام ناحیه بجنورد بشمار می‌رود. جمعیت‌آن درسال ۴۵، ۲۱۰۸ نفربوده ودر حال‌حاضر قریب ۵۰۰۰ نفر می‌باشد.

۴- عشق آباد ۴۰-۳۷ عرض و۵۵-۵۶ طول. ازدهستان مانه بخش‌مانه سملقان شهرستان‌بجنورداست. دهی‌است کاملا جدید ۲۳ سال‌قبل طبق‌نقشه با خیابان طولی و کوچه‌هایی عمودبرآن بنهاد شده‌است.

متنوع انسانی می‌باشد و برای پژوهشگر عاشق جغرافیا این خطه سرزمین فریبنده‌ای است که هر بخش کوچك آن درخور تحقیق و بررسی است .

**لباسهای محلی** – در خراسان شمالی ما لباسهای محلی مردم شمال و جنوب و مغرب ایران را می‌یابیم استفاده از لباس محلی بلوچی لباس کردی ، ترکمنی و لباس محلی گیفان با تمام دقایق هنری و زیباییهایی که‌دارد همه شواهد بارزی است که مردم این ناحیه بخصوص زنان هنوز خود را در برخورد با شهری که بسیاری از خصوصیات خود را در برخورد باغرب از دست‌داده است نباخته‌اند و به راه خودمی‌روند. وجود لباس محلی در میان جمعی از مردم شمال خراسان معرف این حقیقت است که مردم این ناحیه هنوز اصالتهای واقعی خود را پاسدارند و معتقد به اصولی هستند که‌سازندهٔ ریشه‌های اخلاقی وزندگی اجتماعی‌شان می‌باشد . بنده نمی‌خواهم وارد جزئیات این امر شوم ، چه‌مطالعه لباس و ظاهر مردم با خوی و خلق آنان کاری است ظریف و در قلمرو پژوهشهای جامعه‌شناسان. فقط می‌توانیم ادعا کنیم که سرزمین خراسان شمالی نیز منبع جالبی برای مطالعات جامعه‌شناسی بشمار می‌آید .

**رعایت‌اصول** – غالب تیره‌ها و اقوامی‌که در این ناحیه‌سکونت دارند معتقد به اصولی خاص برای زندگی خودمی‌باشند و در چهارچوب آن اصول روابط اجتماعی خود را حفظ می کنند و گاه به‌همین ملاحظات با مردم غیر قوم وتیره خود ازدواج نمی کنند . مثلا اقوام

عرب سرخس از ازدواج با غیر تیره خود ابا دارند. بلوچها حاضر نیستند دختران خود را به فارسها بدهند و ترکمنها به‌همین ترتیب غالباً همسر خود را از میان قبیله خویش برمی گزینند. به نظر بنده پیروی از اصول قومی که‌معرف اصالت‌ایشان می‌باشد تا زمانی‌که لطمه به اتحاد مردم نزند و باعث نفاق نگردد در خور ستایش است. توجه به اصول و رعایت موازین ایلی وتیره‌ای هنوز بشکلی در میان غالب مردم شمال خراسان دیده می‌شود و با یك دید کلی می‌توان درك کرد که بسیاری از دشواریهائی که در شهرهای بزرگ در اثر بی‌بندوباری و سرپیچی از اصول پدیدمی‌آید در این ناحیه نادر است. زیرااقتضای زندگی توأم به تبعیت از اصول وحفظ سنتها برخورداری از یك نوع آرامش اجتماعی است. این حقیقت تا حدی در تمام جوامع روستایی عمومیت دارد ولی در خراسان شمالی‌که اقلیتهای متنوعی در کنار هم زندگی می کنند و هر یك به رقابت‌با هم مصرند که ویژگیهای‌اصول خود را پاسدار باشند مصداق بیشتری دارد.

**تنوع در روشهای بهره برداری** - درخراسان شمالی به‌تبعیت از تنوع قومی و نژادی خاصی که اشاره کردیم تنوعی در کیفیت فعالیتهای روزمره بچشم می‌خوردو هر یك از اقوام ریزه‌کاریهای‌ناحیه خود را بگونه‌ای‌حفظ کرده‌اند، ولی از آن‌جا که دامداری‌وکشاورزی کارعمومی آنهاست و بظاهر درهمه‌جا تشابهی‌زیاد در این فعالیتها دیده می‌شود، تفاوتهای شغلی را در هنرهای یدی بهترمی‌توان تمیز داد.

دوشیزگان و زنان بلوچ براساس سنت قدیمی خود به بافتن قالیچه بلوچی می‌پردازند، دختران ترکمن باحوصله و بردباری هرچه بیشتر به بافتن قالیچه های ترکمنی فخر می‌ورزند و هنوز بافتن شالهای ابریشمی که ماده خام آنها از ابریشم طبیعی محل تأمین می‌شود در میان ترکمنهای کلاته چنار درگز کم‌وبیش معمول است. کردها که کمتر از دو تیره دیگر متوجه هنرهای یدی هستند هنوز چادر بافی و کرباس بافی سنتی خود را بکل فراموش نکرده‌اند. با دید عمیق‌تر نفوذ اقوام مختلف و مهاجرین دیگر نواحی را به شمال خراسان در نشر شیوه‌های خاصی از کشاورزی می‌توان تشخیص داد. ازجمله گناباديهایی که از سالها پیش از اصلاحات ارضی به روستای برج (۱) در بخش نوخندان درگز مهاجرت کرده‌اند می‌یابیم که پس از اصلاحات ارضی و با بدست آوردن آزادی عمل به کشت زعفران همت گمارده‌اند و محصولی تازه به دره درونگر معرفی کرده‌اند. عامل نشر صیفی کاری دیمی در شمال سرخس در پای تپه‌های خانگیران غیر مستقیم در دره‌های کم عمق وباریك «باصطلاح محلی شیله» چکودر (۲) اعراب قوش خزاعی سرخس اندکه از قدیم به زراعت خشك آشنائی داشته‌اند. رواج دامداری را در شمال خراسان جدا از مناسب بودن محیط طبیعی در نتیجه تخصص دو دسته از مردم کرد و بلوچ در این امر می‌توان بحساب آورد.

---

۱ـ برج قلعه روستائی است از دهستان مرکزی بخش نوخندان شهرستان درگز جمعیت آن درسال ۱۳۴۵ برابر ۳۴۱ نفر بوده است. عرض آن ۳۶ْ–۳۷ْ وطول آن ۵۱ْ–۵۸ْ می‌باشد.

زیرا این مردم که در اصل زندگی چادرنشینی داشتند بهتر از بومیها می‌توانستند به این حرفه دشوار بپردازند وهنوزاکثر کسانی که دراین زمینه نقش عمده‌ای دارند کردها می‌باشند.

در خراسان شمالی جابجا از جمله در دره درونگر در گز و در دره اترك وحوالی کشف‌رود و همین اطراف شهر مشهد به گروههایی ازکشاورزان یزدی برمی‌خوریم واینان هستند که صیفی‌کاری سنتی‌خود رادر این نواحی رواج داده‌اند وپایه‌گذار کشت صیفی برمبنای تجارت گشته‌اند و امروز صیفی خراسان بازار تمام‌سراسر شمال ایران تا آذربایجان را اشغال کرده است.

**گویشها** ـ خراسان شمالی مرکز وکانون تعدادی از گویشهای ایرانی است. بنده زبان‌شناس نیستم و به خود نمی‌بینم که در این باب وارد جزئیات شوم ولی در پژوهشهای شخصی در روستاهای خراسان‌به این‌نکته‌رسیده‌ام که‌خراسان شمالی بمنزله یك‌منبع‌غنی برای تحقیق در گویشهای محلی بشمار می‌رود. بغیر از زبانهای عربی، کردی، بلوچی لری آذری و ترکی که‌گاه بعضی از آنها خود با چند گویش مختلف در این ناحیه گفت‌وگو می‌شود، گویشهای محلی دیگری از جمله گویش تاتی، گویش رازی، گویش طبری و گویشهای مردم جنوب‌و مرکز خراسان نمونه‌ای است از انواع گویشهای‌این ناحیه.

بعضی از گویشهای محلی خراسان از جمله گویش رازی که در روستای راز و دهات اطراف آن در جرگلان و چند روستای دیگر

گفت‌وگو می‌شود دارای فرهنگ نسبتاً غنی است. مردم با این زبان محلی‌خود انس فراوانی دارند و پیوندی عمیق بین این گویش و فرهنگ عامه ایشان موجوداست. بدون تردید خراسان شمالی با ویژگی خاصی که از جهت تنوع زبان دارد می‌تواند مرکز یك سلسله پـژوهشهای زبان‌شناسی و نیز فرهنگ عامه قرار گیرد.

**سطح فرهنگ** - اگر سواد را ملاك سطح فرهنگ بگیریم باید قبول کنیم که مردم روستاهای شمالی خراسان مانند دیگر نواحی روستایی ایران هنوز باید جهد زیادی برای سوادآموزی بنمایند ولی ما می‌توانیم محکهای دیگری بشرح زیرین بیابیم که معرف واقعی سطح فرهنگ مردم این سامان باشد.

الف - هوش و استعداد - مردم شمال خراسان رویهمرفته باهوش و زرنگند از آب وخاك خود واز محیط خویش، اگر نه در حداعلا، بخوبی بهره‌برداری می کنند. آمادگی ایشان برای اخذ نوآوریهای فنی در زندگی روزمره و فعالیتهای کشاورزی خوب است. از زمانی که کودهای شیمیائی به ناحیه معرفی شده است از مصرف کود استقبال می کنند. غالباً مورد مصرف بذرهای خالص و انتخاب شده را می‌دانند. تمایل به پیشرفت در آنها شدید است وبخلاف عقیده جوامع استعماری که میل دارند به نواحی‌در حال رشد مارك کند ذهنی و عدم تمایل به پیشرفت را بزنند، اینان واقعاً مشتاق پیشرفتند. پس از اصلاحات ارضی که کشاورزان آزادی عمل بیشتری یافته‌اند بخصوص

در جاهائی که آب فراوان است تحـولی چشمگیر در بهره‌برداری از زمین پدیـد آمـده است . در همین مدت کوتاه غـالب کشاورزان به درختکاری توجه‌کرده‌اند . بطور معمول همین کـه در روستایی فکر تازه‌ای توسط فردی باهوش‌تر ویا کسی که‌در ارتباط‌بیشتری باشهر باشد پیدا می‌شود دیگران دنبال آن فکر را می‌گیرند و مورد استفاده قرار می‌دهند و بدین گونه است که در حال حاضر در تمام روستا های شمال خراسان شاهد نوعی تحول در کشت ، در نوع محصول ، در بر داشت و در بازدهی محصول می‌باشیم. منتهی کیفیت‌تحول‌ازجایی به جای دیگر بسیار متفاوت است .

هوشیاری مردم شمال خـراسان را در پرورش درختان میوه از جمله درخت انگورمی‌توان تمیز داد. آب وهوای‌زمستان‌شمال‌خراسان برای درخت انگـور بهیچوجـه مناسب نیست ولـی کشاورزان شمال خراسان با تمهیدات‌و مقدماتی توانسته‌اند مشکل سردی هوا را ازبین ببرند و در احداث تاکستان تخصصی بیابند وامروز انگور منبع‌مهمی از درآمد ایشان را تشکیل می‌دهد .گستـرش باغات انگـور بصور مختلف هنوز هم در حوالی شیروان و بجنورد بشدت ادامه دارد .

ب ـ توجه به‌نظافت‌و بهداشت: مردم خراسان شمالی‌رویهمرفته تمیزند و به نظافت ظاهری خود می‌اندیشند. علت این امررا دسترسی به آبهای سطحی و توجه مردم به امر نظافت تـوجیه می‌کنند . گفته شد که در بعضی از جاها مردم دو یا سه تیره در دهات مجاور و حتی

در یك ده سا کنند و شاید در اثر نوعی رقابت توجه به نظافت در آنها پدید آمده است . تمایل به نظافت در نزد تیره‌های مختلف، شکلهای گوناگون دارد. ترکمنهای خراسان که معمولا در نواحی مرطوب‌تر و پرآب‌تر مقام گرفته‌اند و بنا به‌سنت قدیمی خود همیشه ظرفی از آب گرم روی اجاق یا بخاری خویش دارند رویهمرفته نظیف‌تر از دیگر تیره‌ها می‌باشند . مردم روستاهای سرخس بجز معدودی از آنها که درحاشیه کشف رود و تجن هستند از نعمت داشتن آبهای چشمه و رودخانه وحتی آب قنات مانند دیگر نواحی شمال خراسان بی‌بهره اند و بطور کلی از نظر نظافت در سطح پست‌تری از دیگر روستاهای شمال خراسان قرار دارند ولی مردم همین ناحیه نیز به شستشوی خود و فرزندانشان معتقدند . نتیجه این که مردم این سرزمین از هوش کافی بهره‌مندند بهیچوجه عقب افتاده نیستند و به‌همین مناسبت است که به نظافت خود در حد امکانات خویش توجه می نمایند .

ح ـ توجه به‌هنر ـ در پژوهشهای روستاهای شمال خراسان به این نکته می‌رسیم که روستایی ما فراخورحال خود به هنر می‌اندیشد. در میان آنان مفهوم و عقیده هنر بصور مختلفی تجلی می کند چه در شکل سرستونهای مساکن آنان چنان که درمنازل ترکمنی حدود کوشکی ترکمن دیده می‌شود و چه در تزیین اطاقها و لباسهای زنان و کودکان . اگر قدری انصاف داشته باشیم می‌توانیم تشابه زیادی میان نکته سنجیهای هنری بسیاری از مردم شمال خراسان و کسانی که خود

را متخصص تزئینات می‌دانند بیابیم. چه در حقیقت هر دو آنها از آرایش و پیرایش با اضافه و ترکیب کردن رنگها و ابزار گوناگون سخن می‌گویند. مردم شمال خراسان به تزئینات هنری بطور سنتی و تبعیت ازاصول خانوادگی توجه‌دارند و شهریهای ما ازمتخصصی که خود را پیرو مکاتب فرانسوی و یا آمریکایی می‌دانند تبعیت می‌نمایند. در بسیاری از روستاهای شمال خراسان به تزئین منزل می‌پردازند. باید آنها را دید و فهمیدکه حتی مردم بی‌سواد این روستاها تا چه‌اندازه به هنر تمایل دارند. از این روستاها فراوانند نمونه‌جالب آنرادرروستای هندوآباد(۱) بخش تبادکان مشهد دیدم‌که روستایی است منزوی و در پناه کوهی قرار دارد ولی مردم علاوه بر حفظ نظافت حیاطهای خاکی خود با ابزار ووسائل زندگی در تزیین اطاقهای نظیف خویش جهد فراوان بکار برده‌اند وگویی در این امر با هم رقابت دارند. توجه مردم‌به آوازهای دستجمعی، رقصهاو ورزشهای محلی نیز نمونه‌دیگری از ذوق و قریحه هنری آنها می‌باشد.

د ـ نحوه‌بیان عقاید و افکار: روستایی شمال خراسان‌رویهمرفته خوب حرف می‌زند. حقایق مربوط به زندگیش را بخوبی بیان‌می‌کند بدون آن که آثار عقده‌ای‌خاص در نهانش وجود داشته باشد، درهنگام سخن‌گفتن خجالت نمی‌کشد و غالباً مغزو دل او در هنگام سخن‌گفتن

---

۱ـ هندوآباد یاهندل‌آباد درعرض ۱۲ـ°۳۶ و ۴۰ـ°۶۰ طول واقع‌است. ازدهستان تبادکان بخش حومه مشهد وجمعیت‌سال۱۳۴۵آن برطبق آماراداره آمارعمومی ۷۲۳ نفراست.

به یك راه می‌رود بخلاف شهری که خودش هم می‌داند که سخنش چیزی است و حقیقت چیزی دیگر. این روستائیان محیط روستای خود را بخوبی می‌شناسند به امتیازات و مشکلات آن وقوف کامل دارند. حتی بیشتر راههای پیشرفت روستای خود را می‌دانند و ارائه طریقهائی که می کنند غالباً عملی است.

در این مورد تفاوتی بین زن ومرد و کودك و بزرگ زیاد دیده نمی‌شود. کودکان روستایی بخلاف کودکان شهری، به آنچه مربوط به زندگی روزمره‌شان می‌شود آشنا هستند و در غالب کارها یار ومددکار بزرگترانند. باید گفت محیط طبیعی روستا از مصنوعی شدن افکار مردم و توجه آنان به‌چیزهای غیرضروری که امروز شهریها به آن زیاد می‌اندیشند و در پی دسترسی آن به رقابت پرداخته‌اند تا حد زیادی جلوگیری کرده است.

ه ـ آداب دانی: اگر یکی از ملاکهای تمدن را رعایت آداب معاشرت (اتیکت) بدانیم روستائیان ما در شمال خراسان در واقع پیرو اصولی مشخص از آداب معاشرت می‌باشند. مهمان را دوست دارند. اگر به آنها ثابت شود که مهمان است و شهری مزاحم نیست!. در گذشته روستایی غالباً دربرخورد با شهری منافعش به‌گونه‌ای به خطر افتاده وبه‌همین دلیل گاه‌ازاو گریزان‌است ولی‌وقتی بداند کسی بعنوان مهمان به او وارد شده است سراپا ارادت و محبت می‌شود. می‌خواهد به‌طریقی خدمت‌کند، حداقل‌دوست دارد که با چای از مهمان‌پذیرایی

کند. بهترین فرش‌وتشکش را برای مهمان می‌اندازد و او را باگرمی و روی خوش‌می‌پذیرد ومن‌بنده‌بارها شاهد این مهمان نوازی روستائی بوده‌ام. آداب‌دانی روستایی مارا مردم‌بسیاری از کشورهای به‌اصطلاح متمدن امروزی یا نمی‌دانند و یا عمل نمی کنند. در عوض روستایی از هرشهری انتظار دارد که اگر نمی‌تواند در حل قضایا و مسائلش او را مدد نماید به حرفها و درد دلهایش با تأمل فراوان گوش کند.

قبل‌ازنتیجه‌گیری ذکردونکته را واجب می‌دانم: ۱ـ در گذشته جمعی ازروستائیان‌شمال خراسان به‌عذر این که‌راه ندارند و درمانگاه و دارو دراختیارشان نیست و دهها عامل دیگر به تریاك پناه می‌بردند. پس‌از مبارزه باکشت تریاك امید می‌رفت که این مایه رخوت و کاهلی از این‌جا رخت ببندد. حال که شاخه راههای فرعی، روستاهای این ناحیه را به شهرها مرتبط می‌سازد در حالی که هنوز اثر مجموعه عوامل‌قبل‌صددرصدازبین نرفته‌است بیم‌این می‌رود که دگر بار افیون وسیله‌شهری‌ها که بعنوان تفنن بدان‌مبتلا شده‌اند از طریق همین‌راهها به روستاها باز گردد.

۲ـ در آخرین بازدیدی که‌ماه قبل‌همراه‌گروهی ازدانشجویان دانشکده ازروستاهای دره اترك بعمل آوردیم‌به شبکه تلویزیونی نسبةً وسیعی در دهات حاشیه جاده‌ها برخوردیم و دیدیم که روستائیان چه‌سان باولع تمام به برنامه‌های تلویزیونی جذب شده‌اند و در کنار مطالبی‌که معمولا در رابطه با نیاز شهرنشینان تنظیم شده روستائیان

شاهد تبلیغات «شامپو دارمو عشق می آفرینند» «جوراب استارلایت پاهای شما را به‌مهمانی چشمها می‌برد» و نظایر آن هستند.

آیا می‌توان فکری اندیشید که تا شبکه تلویزیونی در روستاها همه‌گیر نشده و مانند دیگر نواحی دنیا افکار مردمان را مغشوش و آنها را به ماشین مصرف تبدیل نکرده است، در برنامه‌های آن جایی هم برای روستائی و تشویق به حفظ اصالت و سنتهای نیکویش که احترام وی بدان ربط دارد در نظر گرفت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نکاتی که درباره ویژگیهای انسانی مردم شمال خراسان مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود:

مردمی که در روستاهای شمالی خراسان جمع آمده‌اند انسانهایی هستند، با استعداد و آماده پیشرفت و چون هنوز اصالتهای خود را بنحوی پاسداری می کنند قابل احترامند. تحقیق وسیعی درباره تمام خصوصیات آنها از دیدگاه جغرافیا، زبان شناسی، مردم شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ‌عامه مددی بسیار به‌شناخت واقعی مردم این بخش ایران می کند. بدون تردید این تحقیق نه‌تنها به‌مباهات ملی ما می افزاید بلکه برای پیشرفت اساسی این ناحیه راهگشای خوبی خواهد بود.

سیروس شفقی
دانشگاه اصفهان

# مسائل جغرافیائی اصفهان

## جغرافیای تاریخی :

فلات مرکزی ایران یکی ازگهواره‌های فرهنگ وتمدن بشمار می‌آید ، اسناد وشواهد موجود نشان می‌دهد که زندگی شهرنشینی و ایجاد شهردر فلات مرکزی ایران به‌احتمال نزدیک به یقین اززندگی شهری منطقه حاصلخیز بین‌النهرین متأثر شده است ، زیرا دره‌های دجله و فرات فرهنگ و تمدنی قدیمی‌تر داشته و اولین شهرهای قدیمی دنیا در آن منطقه بوجود آمده‌اند .

بطوری که‌شوبرگ مردم‌شناس معروف آمریکائی قدمت بنای اولین شهرها را در بین‌النهرین حداقل به ۵۵۰۰سال پیش نسبت‌می‌دهد.

در فرهنگ بریتانیکااسم اصفهان گادGadh یا گایGay آمده است و اسم همان محلی است که استرابون آنرا ، گابا بکار برده و پادشاهان هخامنشی در آن زندگی می‌کرده‌اند ولی بطورکلی دوباره اصفهان قبل از دوره ساسانیان اطلاعات کمی در دست است .

لرد کرزن درباره قدمت اصفهان چنین می‌نویسد :

اصفهان عربی یا اسپهان پارسی از شهرهای قدیمی ایران وشاید همان (آسپادانا) شهر معروف بطلمیوس باشد و ممکن است این نام‌را از نام خانواده فریدون به اسم (آسپیان) گرفته باشند. مطابق مدارك تاریخی در زمان هخامنشیها شهری بنام کابال یا گاوی در همین نقاط بوده‌که درسال ۶۴۲ میلادی برابر با سال ۲۱ هجری پس از فتح نهاوند ایام خلافت عمر به‌دست عربها افتاد. منظورلرد کرزن همان جی یاگی است که در ۳ کیلومتری جنوب غربی اصفهان فعلی قرار گرفته‌وامروزه به‌یك آبادی کوچك تبدیل گردیده است.

اما اصفهان امروز توسعه یافته کدام آبادی است؟ عده‌ای از مورخین، باجی سابق‌الذکراشتباه نموده واصفهان فعلی را توسعه‌یافتهٔ آن دانسته‌اند. اصفهان فعلی را در گذشته یهودیه یا دارالیهود می گفتند و معروف است که یزدگرد (۳۹۹ـ۴۲۰) به‌خواهش زنش شوشن دخت یك کلنی یهودی درآنجا (گی) تأسیس کرد. این خبر را اغلب‌مورخین تأیید نموده‌اند.

اصفهان امروز را باید زاییدهٔ توسعهٔ یهودیه بدانیم پس می توان گفت که از عمر اصفهان فعلی حدود هیجده قرن می گذرد، و پایه‌گذار آن یهودیان بودند وهم‌اکنون نیز قدیمی‌ترین بافت شهری‌متعلق به محله یهودیان و بنام جوباره یا جویباره است که هسته‌های قدیمی یهودیه راتشکیل می دهد.

از روزی که یهودیه صاحب مسجد جامع می‌شود از شکوه و

عظمت شهر جی کاسته می‌شود تا بالاخره در سال ۳۱۹ هجری مرداویج اعراب را از آنجا برمی‌اندازد و تا سال ۳۲۳ هجری در این شهر اقامت می گزینند. درسال ۳۲۸ اصفهان جزو قلمرو آل بویه و مرکزحکومت این سلسله می‌شود. گسترش شهر اصفهان آن عصر را می‌توان بوسیله باروئی که در عهد دیالمه دور شهر کشیده شده بود تعیین نمود. زیرا در مدارك تاریخی محل حصار مزبور تعیین شده است همچنین تا این تاریخ قسمتی از آثار حصار مزبور برجای مانده و حتی درزمان زندگی میرزا حسینخان (یك قرن قبل) مؤلف کتاب جغرافیای اصفهان، آثار قابل توجهی از آن حصار برجای مانده است. آثار حصار مزبور مارا در تعیین وسعت شهر اصفهان عصر دیالمه یاری می کند. پیشرفتهای اقتصادی و امنیت نسبی شهر در عصر دیالمه باعث گردید که دانشمندان بزرگ و معروف جهانی در این شهر زندگی نمایند که در رأس آنها می‌توان شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا، صاحب ابن‌عباد و محمدزکریای‌رازی را نام برد. ( در زمان ملکشاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ ه‍، ق) این شهر برای‌بار دوم به پایتختی انتخاب می کردد)

آثار باستانی عصر سلاجقه مانند مسجدجامع، مناره‌های دیده‌بانی و قلعه‌های دفاعی فراز کوهها شکوه وعظمت اصفهان عهد سلجوقی را برای ما روشن می کند. حملات مغول و تیمور وکشت وکشتارهای بزرگ آنهااز وسعت گیری اصفهان بشدت کاست وتاعصر صفویه‌شکوفائی گذشته را باز نیافت تا بالاخره موقع مناسب جغرافیائی آن، شاه‌عباس

را بفکر تغییر پایتخت خویش از قزوین به اصفهان انداخت و از سال ۱۰۰۰ هجری قمری اصفهان پایتخت امپراطوری صفویه گردید شاه عباس و سایر شاهان صفویه با توجهی که به عمران و آبادانی این شهر داشتند آنرا در ردیف بزرگترین و زیباترین شهرهای دنیا در آوردند. معماران عصر صفویه به یك سری فعالیتهای شهرسازی در این شهر پرداختند که آنرا باید از شاهکارهای شهرسازی جهان بدانیم.

## ارزشهای شهرسازی اصفهان در عصر صفویه

در کتب بی‌شماری که در چند سال اخیر درممالك خارجی درباره جغرافیای شهری و حتی فن شهرسازی منتشر گردیده از وجود شهر اصفهان بعنوان‌مثال زنده وهمچنین از نقشه‌و طرح شهرسازی آن کمتر بحثی به میان آمده است.

متخصصین شهرسازی و معماران کارآزموده عصر شاه‌عباس کبیر که شهر جدیدی در جنوب شهر قدیمی احداث‌کرده بودند آنراچنان ماهرانه بطرف جنوب توسعه دادندکه امروزه باید آنرا دربررسیهای شهرسازی، از شاهکارهای معماری دنیا به حساب آورد. در آن زمان توجه زیادی به عرض خیابانها، معابر عمومی، میادین شهری نموده‌اند

که با بافت شهرهای قرن بیستم قابل مقایسه می‌باشد. شاه‌عباس اول در مدتی بسیار کوتاه موفق شد شهری بوجود آورد که درخور یك ملت متمدن و پیشرفته باشد البته وجود معابر عریض تنها کافی برای پایتختی یك امپراطوری وسیع نبوده بلکه دورنماهای زیبا و بناهای منظم و هماهنگ و بالاخره تأمین خدمات شهری همه در طرح ریزی شهر پیش بینی شده بود.

مرکز شهر اصفهان که تا عصر شاه‌عباس و قبل از توسعه شهر به‌جنوب، حوالی مسجد جامع یا میدانهای کهنه (قدیم و یا عتیق) و میر وبازارهای آن قسمت بود، درزمان شاه‌عباس یك قطب مهم دیگر شهری نیزدر جنوب شهر آن عصر بوجود آمد که در حقیقت اصفهان را به‌یك شهر دوقلو تبدیل ساخت. در جنوب شهر قدیمی نیز مساجد شاه و شیخ‌لطف‌الله با میدان بزرگ نقش جهان و بازارهای زیبا وکاخهای سلطنتی بافت جدید شهری را بوجود آورد و مجموعه عالی معماری و هنری را در بخش معین شهر، پی‌ریزی کرد و بدین وسیله تا حدی از رونق مرکز قدیمی شهر کاسته شد ولی پیاده نمودن طرح مزبور چنان ماهرانه بوده که هرگز باعث از بین رفتن شهر قدیمی وخالی شدن جمعیت آن نشده است.

معماران شهرساز عصر شاه‌عباس برای این که در حفظ بخش قدیمی شهر کوشیده و از سقوط آن ممانعت نموده باشند بازارهای اطراف میدان شاه را به بازارهای قدیمی بخش مسجد جامع یعنی دو مرکز

دینی، مهم مسجد شاه و مسجدجامع را به‌همدیگر وصل کردندو درواقع بازار اصفهان نقش‌پلی را بازی می‌کردکه دو بافت قدیمی و جدیدشهر یا به‌عبارت دیگر بخش شمالی و جنوبی شهر را به همدیگر ارتباط می‌داد وحتی در مسیر این پل اقتصادی مساجد ومدارس دینی بی‌شماری بوجود آوردند تا بررونق آن بیفزایند و ساکنین بخش شمالی وجنوبی هر دو از آن استفاده نمایند و مخصوصاً ساکنین بخش جنوبی بواسطه کمی این نواع مراکزدینی و آموزشی بیشتر از ساکنین شمالی ازاین خدمات شهری استفاده می‌نمودند.

یکی از دلایلی که بخش قدیمی شهر توانست وضع اقتصادی و وسعت شهری خود را حفظ نماید تراکم مراکز دینی و متبرکه، تکایا، مقابررجال، مدارس دینی وکاروان‌سراها در آن بوده است.

البته نباید پراکندگی واحدهای مسکونی بازاریان را در بخش قدیمی شهر فراموش نمائیم چه زندگی اغلب بازاریان در این قسمت شهر، از خرابی وویرانی آن‌کاملا جلوگیری می‌کرد.

توسعه‌بازار اصفهان از طرف‌جنوب یعنی بازار ضلع شرقی‌میدان نقش جهان تا دروازه حسن‌آباد و محله خواجو امتداد داشته است که از آثار آن بازار بزرگ، چهارسوق نقاشی برجای مانده است. کسانی که در آن زمان از طریق پل خواجو به شهر می‌آمدند بلافاصله‌وارد بازار می‌شدند و می‌توانستندطول شهر را از جنوب تا شمال وبالعکس از طریق بازار طی نمایند.

اصولا شهری که بتواند احتیاجات ساکنین خویش را بخوبی رفع و درحقیقت رفاه تودهٔ مردم را از نظر خدمات و سرویس شهری بر آورده نماید ، شهریست که درخور زندگی انسانها است و از نظر شهرسازی با اصول صحیحی بنا گردیده است .

شهر اصفهان یکی از آن شهرهای قدیمی است که دارای جنبه‌های مثبت بی‌شماری است و مخصوصاً پنج نکته مورد توجه در خدمات شهری بوده است که هرشهر بزرگ باید آنها را داشته باشد و نقص یکی از آنها کمبود بزرگی برای یک شهر بزرگ محسوب می گردد .

پنج نکته مورد توجه عبارتند از : تأمین مسکن برای ساکنین شهر و توده مردم ، وجود مراکز و بخشهای تجاری ، صنعتی ، مذهبی و تفریحی ، اگر توجهی مبذول گردد شهر جدیدی که شاه‌عباس و معماران شهرساز ایرانی آنرا طرح ریزی کرده بودند تمام نکات و جنبه‌های پنجگانه فوق را دارا بوده است .

مخصوصاً بازار که مرکز تجاری شهر راتشکیل می‌داد توجه شهر شهر سازمان آن عصر را بیش از سایر جنبه‌های شهری به‌خود معطوف داشته و به توسعه آن اهمیت خاصی داده‌اند بطوری که شمالی ترین محله اصفهان آن عصر طوقچی و جنوبی ترین آن محله خواجو است که بوسیله بازارهای مسقف به‌همدیگر ارتباط داشته‌اند چنانکه مردم می توانسته‌اند طول شهر قدیمی و جدید را پیاده بپیمایند ، مضافاً این که می توان

به‌بازار اصفهان عصر صفویه‌اسم پلی را نهادکه دو بخش جدید و قدیم‌را به همدیگر متصل می کرده است و با این تسهیلات ساکنین شهر می‌توانستند بآسانی و در کمال راحتی چه در گرماهای تابستان وچه‌در سرماهای زمستان از داخل این پل مسقف که دارای هوای ملایمی بوده به‌مراکز کار خود رفت‌وآمد نمایند.

سقوط صفویه، خرابیهای عصر افاغنه وانتقال پایتخت به شیراز و تهران موجب نزول این شهر گردید بطوری که در زمان ناصرالدین شاه جمعیت آن به ۵۰/۰۰۰ نفر رسید باروی کار آمدن سلسله‌پهلوی تحولات و دگرگونیهای عظیمی در اصفهان پدید آمد که آنرا در زمرهٔ بزرگترین وصنعتی‌ترین شهرهای کشور درآورد. توسعه نیم قرن‌اخیر چنان شدت پیداکردکه جمعیت شهر سنتی راکه از طرف یونسکو بعنوان «میراث فرهنگی بشریت» شناخته شده و ایران در برابر آن تعهد نموده که درحفظ اصالت آن بکوشد با مشکلاتی‌چنان بزرگ روبرو ساخته‌که بذکر اجمالی آن‌می‌پردازیم:

## مسأله جمعیت و صنعت

مسأله توسعه وگسترش شهرهاکه نتیجه افزایش سریع وبی‌امان جمعیت و پیشرفت همه‌جانبه تکنولوژی است از جمله مشکلاتی‌است که دامن‌گیر اغلب شهرهای ایران بویژه شهر تاریخی اصفهان گردیده است. این شهر اکنون دومین شهر بزرگ ایران می‌باشد و در پایان

سال ۱۳۵۳ جمعیتی برابر ۶۴۰/۰۰۰ نفر داشته است .

افزایش نامتعادل جمعیت ، روی آوردن روستائیان به این شهر کمی مسکن توسعه مراکز صنعتی . نارسائیهای بهداشتی و آموزشی ، مشکلات ترافیك و سایر خدمات شهری از جمله پدیده‌هائی است که صنعتی شدن شهر اصفهان آنرا به ارمغان آورده است .

در میان پدیده‌های جغرافیائی فوق رشد سریع جمعیت بزرگ‌ترین بیماری است که‌دامن گیر این شهر شده است ، چه از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ افزایش آن ۶۶/۵ درصد و در پایان ۱۳۵۰ افزایش آن بیش از صددرصد و بالاخره در پایان سال ۱۳۵۳ (با جمعیت ۶۴۰/۰۰۰ نفر) این افزایش به ۲۵۱ درصد رسیده است . شك نیست‌که افزایش‌جمعیت وسعت گیری شهر را نیز موجب شده است چنانچه در سال ۱۳۰۲ وسعت شهر ۱۵۱۵ هکتار و در سال ۱۳۵۲ یعنی در عرض نیم قرن به ۴۴۱۵ هکتار رسیده یعنی در این مدت افزایشی برابر با ۲۹۱ درصد حاصل شده است .

عامل اصلی این تغییر و تحول را که با شهر گرائی توأم بوده باید در سرمایه گذاریهای بزرگ بخش دولتی و خصوصی جستجو کرد در بین سرمایه گذاریهای دولتی احداث ذوب آهن در ۱۵ کیلو متری جنوب شهر اصفهان قابل مطالعه است ، چه از سال ۱۳۴۵ تا امروز این واحد صنعتی پیوسته در حال توسعه بوده و هم‌اکنون متجاوز از ۳۰/۰۰۰ نفر نیروی انسانی فعال را جذب کرده است .

تأمین نیروی انسانی مورد نیاز واحدهای صنعتی بیش از پیش بوسیله کارگران مهاجر تأمین می گردد و اصفهان با صنعتی شدن قدرت جذب مهاجرتهای بزرگ را پیدا می نماید مهاجر پذیری در شهر اصفهان به دو بخش مشخص و معین اختصاص دارد :

اول کمربند خارجی شهر که زمینهای ارزان قیمتی را برای سکونت غیر بومیان عرضه می کند.

دوم بافتهای قدیمی شهر که بواسطه ضعف خدمات شهری از ساکنین بومی خالی شده و جای خود را به مهاجرین می دهد.

ضمناً با توجه به برنامه‌ریزیهای کوتاه و دراز مدت دولت مبنی بر افزایش سرمایه گذاریهای صنعتی در منطقه اصفهان عوارض و آثار صنعتی شدن تشدید خواهد گردید و بدین ترتیب تعادل جامعه سنتی بهم خواهد خورد و این عمل، عدم تعادل اقتصادی و اجتماعی شهر را چنان بهم خواهد زد که از هم اکنون باید پیش بینی های لازم را بعمل آورد زیرا در غیر این صورت احتمال دارد که هدفهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت و ملت بنحوی که پیش بینی شده است در سطح منطقه‌ای تحقق نیابد.

توسعه صنعتی شدن منطقه اصفهان سهم قابل ملاحظه کشاورزی آنرا تحت الشعاع قرار داده است ولی با وجود این هنوز اقتصاد کشاورزی مقام مهمی را در زندگی ساکنین آن دارد بطوری که دولت مایل است که نقش اصفهان بعنوان یك مرکز تولید کشاورزی حفظ گردد وحتی برای

کشاورزی اولویت قائل است.

توسعه آینده در بخش کشاورزی وصنعت به مقدار آب مصرفی مورد نیاز بستگی دارد چنانچه ازهم‌اکنون آثار رقابت در میزان مصرف آن نه تنها بین این دو بخش بلکه در جوامع شهری نیز به چشم می‌خورد.

با این که برنامه‌های عمرانی زاینده‌رود چون ایجاد تونل وسدهای کوهرنگ و بالاخره سد شاه‌عباس نیاز آنی آب و برق صنایع و جوامع شهری و حتی کشاورزی را برطرف نموده است ولی شك نیست که پیش‌بینی‌های متخصصین وزارت آب و برق، که توسعه ۹۵ هزار هکتار زمین‌زراعی درحوضه آبیاری زاینده‌روداست عملا تحقق نخواهد یافت.

محدودیت منابع آب یك مشکل بزرگ اصفهان در حوزه آبیاری زاینده‌رود است و از هم‌اکنون وزارت نیرو، طرح جامع بهره‌برداری از منابع آب منطقه را تهیه نموده که در این طرح اولویت با آب آشامیدنی شهر اصفهان و سپس آب مورد نیاز صنایع مورد توجه‌قرار خواهد گرفت.

چنانچه براساس این پیش‌بینی، مهندسین آب‌شناسی وزارت آب وبرق و نیرو هم‌اکنون دومین و سومین طرح عمرانی کوهرنگ که موجب افزایش آب زاینده‌رود خواهد بود در حال پایان یافتن است.

سد شاه عباس علاوه برتأمین آب صنایع ذوب آهن از یك‌طرف و

مصرف آب ذخیره شده برای توسعه زمینهای زراعی از طرف دیگر افزایش محصول و در نتیجه بالا بردن سطح در آمد روستائیان را در این منطقه موجب خواهد شد. علاوه براین، حفاظت شهر اصفهان و پلهای تاریخی آن در برابر طغیانهای احتمالی زاینده‌رود و تولید برق کافی برای رفع نیازمندیهای ذوب آهن ملی ایران و شهر ذوب آهن (آریاشهر) و شهر اصفهان و آبادیهای نزدیک از هدفهای مهم واساسی احداث این سد بوده است.

## سابقه تاریخی صنایع در اصفهان

صنایع پارچه‌بافی دستی در اصفهان سابقه‌ای بسیار طولانی دارد بطوری که در ادوار مختلف تاریخی همواره این شهر یکی از تهیه ـ کنندگان پارچه‌های ابریشمی و نخی و پشمی بوده وکارگاههای بزرگ نساجی داشته که پاره‌ای از آنها متعلق به شاهان صفوی بوده است.

برای آگاهی علاقه‌مندان بی‌مناسبت نیست که از وضع بیمه‌کار- گران کارخانه‌های شاهی که در عصر صفویه‌معمول بوده ذکری بعمل آید.

بیمه کارگران کارخانجات شاهی یکی از نکات بسیار مهم و جالب وضع کارگران عصر صفویه است.

کارگران کارگاههای سی‌ودوگانه شاه از تسهیلاتی برخوردار بودند که آنرا می‌توان با بیمه‌های اجتماعی کارگران امروز تا حدی

مشابه دانست. چنان کارگران از بیمه‌های اجتماعی کاملی برخوردار بودند که نکات زیر روشنگر این ادعا است:

۱ ـ کلیه کارگران از حقوق سالیانه دریافتی مادام‌العمر برخوردار بودند، بویژه در موقع از کارافتادگی و سنین پیری.

۲ ـ برکناری کارگر از کار درکارگاههای شاهی وجودنداشت.

۳ ـ هنگامی که کارگری بیمارمی‌شد او را به پزشك ودارو ساز دربار معرفی می کردند تا بدین وسیله بدون پرداخت دیناری معالجه و مداوا گردد.

۴ ـ هنگام بیماری ویا هرگونه‌حادثه دیگری که کارگر رابطور موقت و یا دائمی ازکار بازمی‌داشت دیناری ازحقوقش کسر نمی‌شد.

۵ ـ در موارد استثنائی کارگران را از ۱۲ یا ۱۵ سالگی بکار می‌پذیرفتند.

از مطالب فوق این نتیجه حاصل می گردد که شاهان صفوی عامل اصلی پیشرفت صنایع دستی آن‌عصر بوده‌اندومعلوم است که‌سقوط این سلسله ضربه‌ای هولناك برپیکر صنایع و جوامع کارگری آن زمان وارد آورده است‌ومی‌توان چنین تصور کرد که با ازبین رفتن این‌سلسله عده‌ای از استادان فن اصفهان را ترك و هر یك راه گوشه‌ای از کشور ایران را پیش گرفته و یا ترك وطن نموده‌اند.

گروه دیگر که به شهر و وطن خود علاقمند بودند در این شهر ماندند اغلب صنعتگران فعلی نوادگان این گروه بوده‌اند که موفق

به‌احیاءِ صنایع آن عصر شدند. ویا در احیاءِ صنایع جدید سهمی مهم داشته‌اند. چنانچه با ورود صنایع ماشینی کارگاهها کم‌وبیش جای خود را به‌کارخانه‌های مدرن دادند و تعداد بسیاری از کارگران آنها به‌کارخانه‌ها رو آوردند و اولین گروه کارگران نساجی ماشینی را تشکیل دادند.

از عمر صنایع نساجی ماشینی در اصفهان نیم‌قرن می گذرد. اولین کارخانه نساجی اصفهان بنام وطن در سال ۱۳۰۴ بوسیله فضل‌الله عطاءِ الملك دهش تأسیس گردید و سود نسبةً زیاد این کارخانه سبب گردید که دیگران نیز اقدامی به احداث کارخانه‌های متعدد کنند چنان که در حال حاضر در اصفهان ۵۰ کارخانه ریسندگی و بافندگی (متجاوز از ۲۰ نفر کارگر) با تعداد کل ۲۵۱۱۷ نفر کارگر به‌کار مشغولند، در مقام مقایسه با سایر کارخانه‌های بزرگ ایران که جمعاً ۴۷۳۰۰ نفر کارگر دارند باید گفت اصفهان مقام والائی دارد البته باید اضافه کرد که تعداد کارگران کارخانه‌های نساجی اصفهان که ۲۵۰۰۰ نفر ذکر گردیده احتمالا رقمی بیشتر است زیرا این آمار مربوط به‌کارگران بیمه شده می‌باشد با در نظر گرفتن این که گروهی کارگر فصلی و یا در سنین پائین‌تر از قانون کار در کارخانه‌ها به‌کار مشغولند رقم حقیقی کارگران نساجی اصفهان احتمالا بیش از این میزان خواهد بود. بطوری که طبق آمار ۳۴ درصد از کل شاغلین در بخش نساجی در اصفهان مشغول به‌کارند و همچنین ۳۴ درصد از کل دوکهای کشور در این شهر تمرکز دارد.

اصفهان از نظر تعداد کارخانه‌ها و همچنین از لحاظ تهیه نخ مورد نیاز کارخانه‌ها در درجه اول قرار دارد چنانکه بطور متوسط ۵۶ درصد نخ کشور را تهیه می‌نماید ولی از نظر تولید پارچه‌های نخی مقام دوم را حائز است چنانکه ۲۸ درصد کل تولید کشور به این شهر تعلق دارد البته توسعه‌و تکامل بخش صنعتی با مواد خام مانندپنبه ، پشم، ابریشم کتان و کنف که در داخل کشور بدست می آید ارتباط مستقیم دارد .

## برنامه‌ریزی در توسعه صنایع

طبق پیش‌بینی‌های انجام شده متجاوز از ۱۰۰ واحد تولیدات صنعتی جدید برای منطقه اصفهان در نظر گرفته‌شده است از این‌تعداد ۶۰ واحد وابسته به ذوب‌آهن خواهد بود .

غالب صنایع جدید در سواحل جنوبی زاینده‌رود بویژه‌درقسمت سفلی (پس از خارج شدن رودخانه ازشهر) ایجاد خواهد شد تاموجب آلودگی آب شهر نگردد و یك سری مراکز صنعتی تازه درنزدیکی مرداب‌گاوخونی بوجود خواهد آمد در تعیین محل‌استقرار این‌صنایع دقت کافی‌بعمل آمده است‌چه فاضلاب‌کارخانجات مستقیماً به‌گاوخونی وارد خواهد شدو مسأله بسیار مهم‌آلودگی محیط زیست‌مطرح‌نخواهد شد . ایجاد سد شاه‌عباس آب زاینده‌رود را به کنترل انسانها درآورده چنانچه آب این رودخانه در قسمت سفلی جریان کمتری داردو همین امرکمبود آب‌راخواه در سطح و خواه‌در عمق زمین مطرح می‌سازد و

بدین وسیله عرصه فعالیت کشاورزی برای ساکنین آبادیهای قسمت سفلای رودخانه محدود می گردد و بدین دلیل توسعه و استقرار صنایع دراین منطقه ضروری بوده و این امر از مهاجرت ساکنین این منطقه به شهر اصفهان تا حدی جلوگیری خواهد نمود.

در خاتمه به یک پدیده جغرافیائی مهم دیگر، درامر محل استقرار کارخانجات پیش بینی شده در برنامه‌های عمرانی منطقه‌ای نیز بایداشاره نمود و آن احداث تأسیسات صنعتی در نقاطی است که در مسیر باد بسوی اصفهان واقع نباشند تا محیط زیست و هوای شهر آلوده گردد، چون حدود ۷۵ درصد از بادهای اصفهان غربی-شرقی است لذا استقرار کارخانجات بجز غرب شهر که فضای سبز عظیمی را تشکیل می‌دهد و در لطافت هوای اصفهان نقش مهمی دارد مجاز خواهد بود، بویژه مناطق شمالی و شرقی برای طراحان و برنامه‌ریزان این صنایع قابل توصیه است.

## حفظ هویت فرهنگی و تاریخی و مسائل آن

دولت هم خودرا بکار می بندد که ضمن ارائه طرح جامع جدید هویت فرهنگی و تاریخی این شهر استثنائی را حفظ نماید چه این شهر بعنوان یکی از شاهکارهای میراث فرهنگی بشریت شناخته شده است.

عامل اصلی برهم‌زدن این نظام شهری که با سنتهای قدیمی و

ملی در هم آمیخته افزایش سریع جمعیت این شهر است و از این روست که در پایان سال ۱۳۵۳ اداره‌کنندگان شهر تصمیم گرفتند که جمعیت اصفهان را در مرز یك میلیون نفری در سطحی ثابت حفظ نمایند ولی برنامه‌های کوتاه و بلندمدت دولت در مورد سرمایه گذاریهای بزرگ منطقه‌ای این سئوال را مطرح می‌کرد که آیا با این سرمایه گذاریهای بزرگ که در برنامه های عمرانی آینده اصفهان پیش‌بینی شده است می‌توان افزایش جمعیت راکنترل کرد؟ بنظر می‌رسد جواب منفی است زیرا انجام هر گونه برنامه‌های عمرانی فعالیتهای خاص خود راپشت سر دارد که موجب جذب جمعیت بیرون از منطقه می‌شود این مسأله نه فقط در مورد اصفهان صادق است حتی درکشور های کمونیستی، آنجا که رشد شهرها و برنامه ریزیهای عمرانی کلا زیر نظر سازمانهای دولتی است از این قبیل تراکمهای شهری بر کنار نمانده‌اند برای مثال مسکو را می‌توان نام برد. که طراحان افزایش جمعیت آنرا تا سه میلیون نفر پیش‌بینی کرده بودند که با شکست روبرو شدند.

از سرمایه‌گذاریهای بزرگ بخش خصوصی و دولتی که موجب افزایش نامتعادل جمعیت در اصفهان شده است: توسعه عظیم دانشگاه اصفهان، ساختمان سد شاه‌عباس، اتصال راه‌آهن کشور به این شهر انتقال دانشگاه صنعتی آریامهر به آن، افزایش و توسعه کارخانجات ریسندگی وبافندگی، ایجاد فرودگاه بین‌المللی وکارخانه هلیکوپتر-سازی تأسیس مؤسسات فرهنگی وآموزش عالی و بالاخره احداث ذوب

آهن در اصفهان اثرات مؤثری در افزایش جمعیت این منطقه داشته است. چنانچه ۳/۳ درصد افزایش طبیعی جمعیت است و بقیه از طریق جلب مهاجرت به این شهر صورت گرفته است. برای این جمعیت ناخوانده دولت وملت باید راه‌حلهائی را ارائه نمایند از آن جمله ایجاد شهرکهای تازه در مناطقی که زمینهای کشاورزی نامناسبی دارند. در عوض دولت باید خود را موظف بداند که در ایجاد خطوط ارتباطی مانند اتوبان، قطار محلی و سرویسهای اتوبوسرانی سریع بین شهرکها و شهر مادر اقدام نماید وشك نیست که کوچکترین کوتاهی در این امر مهم وسایر خدمات شهری جمعیت این منطقه را از زندگی در شهرکهای جدید منصرف خواهد کرد و دیگر بار افزایش جمعیت متوجه اصفهان خواهد بود.

از شهرکهای جدیدی که در منطقه اصفهان درحال تکوین و توسعه است بجز آریاشهر یا شهر فولادسازان که در سی کیلومتری جنوب غرب اصفهان واقع است بواسطه طرح جامعی که دارد در پایان برنامه عمرانی خود وسعتی برابر ۶۰۰۰ هکتار و جمعیتی برابر ۳۰۰،۰۰۰ نفر خواهد داشت. ضمناً چند شهرك دیگر در منطقه اصفهان بوجود آمده است که به ذکر مشخصات اجمالی آنها در جدول صفحه مقابل اکتفا میکنیم:

ضمناً در قسمت جنوبی شهر اصفهان محلی که ایستگاه راه‌آهن در آن قرار دارد شهری بوجود خواهد آمد و توسعه فعلی شهر از طرف جنوب موجب بهم پیوستن آن دو خواهد گردید و تردیدی نیست که این وسعت گیری از بار سنگین جمعیت اصفهان قدیم و سنتی تا حدی خواهد

کاست . درکنار شهرك دانشگاه صنعتی آریامهر که دارای ۴۵۰۰۰ نفر جمعیت خواهد بود صنایع کوچکی که به آموزش علمی وپژوهش کمك خواهد کرد بوجود خواهد آمد .

## ویژگیهای شهرکهای اصفهان (۱۳۵۴)

| نام شهرك | وسعت تقریبی به هکتار | حداکثر جمعیت تقریبی | جمعیت فعلی | فواصل شهرکها تا اصفهان به کیلومتر |
|---|---|---|---|---|
| شاهین شهر | ۲۵۰۰ | ۳۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ | ۷۰۰۰ | ۲۴ |
| ملك شهر | ۲۵۰ | ۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ | ۱۰۰۰ | ۱۴ |
| خانه اصفهان | ۱۴۰ | ۲۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ | — | ۴ |
| شهرك دانشگاه صنعتی آریامهر | ۲۵۰ | ۴۵۰۰۰ | — | ۵ |
| کوی ولیعهد | — | ۱۵۰۰۰ | — | ۱۵ |

البته در مطالعه پراکندگی شهرکها باید به یك نکته بیش از پیش توجه داشت و آن پیدایش آنهادر شمال شهر اصفهان است . دور- ترین آنها شاهین‌شهر با فاصله ۲۴ کیلومتر و نزدیك‌ترین آنها شهرك دانشگاه صنعتی آریامهر است که با شهر فعلی بیش از ۵ کیلومتر فاصله ندارد .کلیه شهرکهای یاد شده بجز شهرك دانشگاه آریامهر دربخشی بنام برخوار قرار دارند، عامل اصلی پیدایش این شهرکها در این‌محل را باید در نامناسب بودن زمینهای زراعتی آن جستجوکرد زیرا شوری خاکها ازویژگیهای خاص آن وکمی آبهای زیرزمینی و فقدان آبهای

سطحی مسائل بسیار بزرگ آب را در این منطقه بزرگ که در عهد چهارم زمین‌شناسی بصورت دریائی بوده است مطرح می‌سازد.

یك مطالعه اجمالی در منطقه فوق برای ما روشن نمودکه از ۹۱ رشته قنات برخوار فقط ۳۰ رشته آن دایر بوده و بقیه بواسطه خشك سالیهای دو دهه اخیر بکلی خشك شده و یا آب بسیار کمی دارند. کمیابی آب عرصه فعالیتهای کشاورزی را هر روز برای ساکنین این منطقه تنگ وتنگتر می کند و اجباراً آنها را بسوی شهر اصفهان می کشاند و در مراکز صنعتی جذب بکار می‌کند و همه ساله از تعداد شاغلین دربخش کشاورزی کاسته می‌شود. البته به‌یك نکته نیز باید اشاره نمودکه‌نزدیکی این منطقه به‌شهراز طرفی ووجودخطوط ارتباطی‌منظم از طرف دیگراز مهاجرفرستی آن‌تا حدی کاسته است. در خاتمه از دو منطقه دیگر کشاورزی‌اصفهان بنام شهرضا وجرقویه می‌توان نام برد که روستائیان آنها نیز بواسطه کمبود آب زراعی مهاجرت را به اقامت در روستاهای کم‌آب خودترجیح می‌دهند.

## مشکل زندگی در بافتهای قدیمی شهر

قبلا گفته شد که توسعه و دگر گونیهای شهر اصفهان نیز مانند اغلب شهرهای جهان براصل صنعتی شدن استوار است. صنایع نیروی تازه‌ای به اقتصاد این شهر بخشیده است ولی با صنعتی شدن سکون و آرامش طبیعی که قبلا برزندگی ساکنین این منطقه حکمفرما بوده

بهم‌خورده و هـر روز مسائل پیچیده و دشواری برای شهر و ساکنین آن بوجود می‌آورد که از آن جمله مسأله تأمین مسکن، بالا رفتن هزینه زندگی، تأمین نیروی انسانی برای بخش کشاورزی و بالاخره مشکل ترافیک حرکت پاندولی عظیمی را بین واحد صنعتی ذوب‌آهن و شهر اصفهان بوجود آورده است. چنانچه همه روزه بیش از ۱۵۰۰۰ نفر از کارکنان ذوب آهن بین اصفهان و محل کارشان رفت و آمد می کنند.

در بین مشکلات فوق‌الذکر تأمین مسکن مهاجرین بیش از پیش توجه متخصصین را بخود جلب نموده است. جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران در پایان سال ۱۳۵۳ حاکی‌است که رشد جمعیت شهر رقم ۷ درصد را نشان می‌دهد که ۳ درصد آن متعلق به رشد طبیعی جمعیت و بقیه ۴ درصد از طریق مهاجرت صورت گرفته است.

محل سکونت مهاجرین در شهر اصفهان در دو بخش معین یعنی کمربند خارجی و بافتهای قدیمی شهر صورت می‌گیرد.

مهاجرین، اغلب طبقه کارگر این شهر را تشکیل داده‌اند و از بضاعت مالی کمتر وضعیف‌تری برخوردارند لذا بافتهای قدیمی شهر را که هم از نظر اجاره و هم قیمت مساکن درسطح پائین‌تری قراردارند بعنوان واحدهای مسکونی خود انتخاب می کنند. از ویژگیهای جغرافیائی بافت قدیمی شهر اصفهان وجود کوچه های پرپیچ وخم و نداشتن خدمات شهری منظم چون آب و فاضل آب، شبکه های

ارتباطی و سرویسهای بهداشتی و مراکز آموزشی و بالاخره آلودگی سطح شهر به تخمهای انگل، همه مشکلاتی است که بافت قدیمی شهر دارد.

ساکنین بومی شهر اصفهان که از درآمدهای بالا و متوسطی برخوردارند حتی الامکان به ترك بافتهای قدیمی شهر مبادرت می‌ورزند و واحد مسکونی خود را به مهاجرین روستائی می‌دهند این گروه هم از نظر اجتماعی در سطح پائین‌تری قرار دارند و هم در مساکن غیر بهداشتی و ناسالم زندگی می‌کنند. چنانچه مطالعه مرکز پزشکی در یکی از قدیمی‌ترین بافتهای شهر یعنی جوباره نشان می‌دهد که ۹۲ درصد از ساکنین این بخش به کرم آسکاریس مبتلا هستند. آلودگی مزبور را باید در آلودگی سطح کوچه وخیابانهای این بخشها دانست چه بافتهای قدیمی شهر دارای شبکه فاضلاب نبوده و ایجاد آن مستلزم سرمایه گذاریهای هنگفتی است که کارگردانندگان خدمات شهری را درانجام آن منصرف می‌دارد.

البته مشکلات تکنیکی ایجاد شبکه فاضل آب را نیز باید از نظر دور نداشت. تخلیه چاههای فاضلاب که دهانه آن در معابر عمومی تعبیه شده است بعلت تنگی و پیچ وخم کوچه‌ها بوسیله چهارپایان و گاریهای اسبی و حتی دستی صورت می‌گیرد و همین امر موجب آلودگی محیط زیست در بافتهای قدیمی شهر می‌گردد البته نزدیکی چاههای آب به چاههای فاضلاب نیز به این امر کمك نموده است. در اغلب این بخشهای

مسکونی علاوه بر فقدان شبکه فاضلاب ضعف قدرتهای مالی موجب عدم استفاده اغلب ساکنین از آب لوله کشی شده است بطوری که در محله جوباره فقط ۲۵ درصد منازل دارای آب لوله کشی و بطور کلی فاقد فاضلاب هستند. مناطق نزدیك اصفهان که به این شهر مهاجر می فرستند عبارتند از :

منطقه برخوار واقع در شمال شرقی شهر ، جرقویه واقع در جنوب شرقی و بالاخره شهرضا در جنوب. علت این مهاجرتها را باید خشکسالیهای چندین سال اخیر دانست .

دکتر محمدحمصی
دانشگاه پهلوی شیراز

# بحثی پیرامون عوامل مؤثر در مهاجرت نیروی انسانی در ایران

## مهاجرت و تئوریهای مربوط*

مهاجرت را می‌توان بصورت تغییر دائم یا موقت در محل زندگی تعریف کرد.(۱) مهاجرت، بعنوان یك فرایند مکانی، پدیده‌ای است که توجه دانشمندان علوم اجتماعی را به‌خود معطوف داشته است. فرایند مهاجرت شامل یك گروه یا فرد (m) است که محل جغرافیائی زندگی خود را (i) ترك گفته و به محل دیگری (J) تغییر مکان می‌دهد(۲). این عمل جریان مهاجرت را نشان می‌دهد. جریانی که تقریباً دارای پنج مفهوم اساسی مکانی است و بوسیله نیستون Nystuen و پاپاجورجیو Papageorgiou(۳) روشن گردیده است. این مفاهیم پنجگانه عبارتند از، نقاط یا مکانها، مسافت یا فاصله، جهت، پیوستگی یا ارتباط و مدت (زمان).

---

* این قسمت از کتاب مؤلف تحت عنوان Migration in Iran, Quantitive Approach آقای علیرضا آیت‌اللهی ترجمه گردیده است.

سه مفهوم نخست بعنوان شرط لازم و کافی برای بیان و توضیح انواع حرکات محدود مکانی قبول عام یافته است(۴) . یك فرد معمولا هنگامی بعنوان مهاجر انگاشته می‌شودکه از یك نقطه به نقطه دیگر که با مسافتی یا فاصله‌ای از هم جدا شده‌اند ولی بوسیله نوعی شبکه ارتباطی یا مواصلاتی با یکدیگر در ارتباطند ، تغییر مکان دهد .

موضوع مهاجرت را طبق قرار داد می‌توان به دو بخش تقسیم نمود :

۱ ـ مهاجرت داخلی ، با جابجائی مردم در داخل یك کشور یا درون یك جامعه.

۲ ـ مهاجرت بین‌المللی ، با جابجائی مردم از یك کشور به کشوردیگر.

بطور کلی، مهاجرت بین‌المللی درتوزیع مجددجمعیت(جابجائی جمعیت) در سالهای اخیر نقش ناچیزی را ایفا نموده‌است . از سوی دیگر ، مهاجرتهای داخلی مهمترین عامل در جابجائی جمعیت بین مناطق گوناگون یك کشور است . تفاوت بین نرخ رشد طبیعی جمعیت در مناطق مختلف یك کشور معمولا کم است و بنابراین تفاوتهای مشهود در رشد جمعیت منطقه‌ای ـ ناگزیر بعلت مهاجرتهای داخلی خواهد بود .

در پژوهشهای گذشته ، معمولا سه فرضیه را در مورد مهاجرت بکار گرفته‌اند .

۱ - یکی از مشهورترین این فرضیه‌ها در مورد مهاجرتهای انسانی توسط اقتصاددانان قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم انگلستان بیان گردیده‌است که‌از آن‌میان‌رونستین Revenstein (۱۸۸۵-۱۸۸۹) وردفورد(۵) Redford (۱۹۲۹) معروفیت بسزائی دارند.

مبنای گفتار آنان نیروهای رانش (دافع) و کشش(جاذب) بود. عوامل نامساعد اقتصادی، اجتماعی و طبیعی، مردم را از وطن‌مألوف خود می‌راند، در صورتی که شرایط مساعد موجب جذب همین افراد به مکان جغرافیائی دیگری می‌گردد. نظریه رونستین که عنوان «قوانین مهاجرت» را بخود گرفته است، برمبنای فرض «رفتار منطقی یا معقول» قرار دارد.

او این قوانین را ازطریق تجربه‌یامطالعه دقیق مجموعه مهاجرتهای داخلی در مجمع الجزایر بریتانیا در خلال دوره بین دو سرشماری عمومی ۱۸۷۱-۱۸۸۱ بدست آورد.

آرتوردفورد قوانین سلف خود را ۴۰ سال بعد از طریق بررسی عوامل تعیین کننده مهاجرت‌نیروی کار در انگلستان در سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۵۰ در مقاله‌ای تحت عنوان «مهاجرت نیروی کار» به اثبات رساند.

اخیراً لی Lee نظریاتی‌مشابه را به نفع فرضیه **رانش- کشش** ابراز داشت. همچنین تأثیر موانع مؤثر را بر مهاجرت در عبارات‌زیر تأکیدکرده است.

بین دو نقطه مجموعه‌ای از موانع مؤثر (دخیل) وجود دارد که

گاه ممکن است خفیف ودر برخی مواردشایان اهمیت باشد. مهمترین این موانع طول مسافت است ،.... البته اشخاص مختلف به طرق متفاوت توسط همان مجموعه ازموانع تحت تأثیر قرار می گیرند. آنچه برای بعضی ناچیز است مانند هزینه حمل ونقل اثاثیه منزل ، ممکن است برای دیگری چون عاملی بازدارنده بشمار رود .(۶)

نظریه لی که مزایاو معایب مبدأ و همچنین مزایا ومعایب بالقوه مقصد و نیز موانع مؤثر در فاصله میان این دو نقطه را مورد توجه قرار می دهد در نمودار شمارهٔ ۱ نشان داده شده است . همان گونه که مشاهده می شود مبدأ و مقصد هر دودارای عوامل مثبت و منفی و همچنین عوامل خنثی می باشند ( که در نمودار به شکل صفر نشان داده شده است) . بایستی خاطر نشان ساخت که موانع مؤثر (دخیل) در تحقیقات زف Zipf و ستاوفر Stouffers جای مهمی را اشغال کرده اند، گرچه این دو تن به دو گونه آنرا توجیه می نمایند .(۷)

لاوری Lawry و راجرز R'ogers فرضیه دانش- کشش را با توجه به شرایط اجتماعی ، اقتصادی مبدأ و مقصد به آزمون گذاشته اند . نتایج حاصل نشان می دهد که انگیزه اقتصادی علت عمده مهاجرت در ایالات متحده آمریکا است، گرچه توجیه منطقی ومعقول تصمیم به مهاجرت ، خود نیازمند مطالعات و پژوهشهای دامنه داری است .

هر دو دانشمند مذکور چنین دریافته اند که انگیزه مهاجرت از

مبدأ (i) به مقصد (j) بوسیله میزان بیکاری در نقطه (i) تشویق می‌گردد در حالی که بوسیله میزان بیکاری در نقطه (j) تضعیف می‌شود.(۸) این نتیجه مخالف نظریه اصلی آنهاست. چون نتوانستند هیچگونه مبین معقول و مستدلی را ارائه دهند، عامل بیکاری را از مدل نظری خود حذف نمودند.

پیش از آنها نیز، اولیور Oliver مهاجرت بین مناطق و رابطه آن با بیکاری را در انگلستان مورد بررسی قرار داده و نتایج مشابهی را گزارش کرده بود(۹).

۲ - روشی را که شولتز Shutlz و جاستاد Sjaastad در تبیین مهاجرت پیش گرفته‌اند اساساً بر مبنای سرمایه گذاری انسانی قرار دارد(۱۰). مهاجرت یك فرد نوعی سرمایه‌گذاری چون سوادآموزی، آموزش حرفه‌ای و جستجوی دیگر فرصتها است. نقل مکان از یك نقطه به نقطه دیگر مستلزم هزینه‌های مالی و روانی است. مهاجر انتظار دارد که هزینه‌های مزبور با منافع اضافی که در مکان جدید زندگی بدست می آورد، جبران گردد.

بعلت مهاجرت، یك فرد محیط آشنا را ترك می گوید، یعنی میهن مألوفش را، و خصوصاً دوستان و بستگانش را. وقت و کوشش فراوانی در محل جدید می‌بایست مصروف داشت تا روابط جدید انسانی را برقرار نمود، دوستان تازه‌ای یافت و خود را با محیط جدید سازگار کرد. بعلاوه، هزینه‌های حمل و نقل، آموزش مجدد برای شغل احتمالی

آینده، کرایه منزل، و مخارج خوراك نقش مهمی را در این جریان ایفا خواهند کرد. امکانات شغلی بایستی در مقصد آنقدر زیاد باشد تا بتواند تمام این مخارج را جبران کند، و منافع اضافی نیز در بر داشته باشد تا آنکه مهاجر مآل اندیش را تشویق به مهاجرت نماید. درصورتی که درآمد یا منافع مورد انتظار در محل جدید کمتر و یا حتی مساوی هزینه‌های مزبور باشد، تفاوت در آهنگ رشد اقتصادی نمی‌تواند در جابجائی جمعیت نقشی داشته باشد. ازاین رو مهاجرت سالمندان ممکن است هیچگونه سودی در برنداشته باشد. بررسی مهاجرت از این دید‌گاه در تبیین تأثیر عامل بیکاری در مهاجرت، که «عامل غیرقابل توجیه» توسط لاوری و راجرز نامیده شده است، کمك فراوان می‌کند.

۳ ـ سومین تبیین در مهاجرت داخلی تفاوتهای مهاجرت را مورد توجه قرار می‌دهد، که چگونه افراد معین یا گروههای خاصی (سنی، جنسی، حرفه‌ای و ...) بیش از دیگران اقدام به مهاجرت می‌نمایند(۱۱).

بررسی در زمینه تفاوتهای مهاجرت، بیش از هرچیز رابطه بین مهاجرت داخلی و رشد اقتصادی را برحسب حسن انتخاب مردم مورد توجه قرار می‌دهد. اشخاص متفاوت از نظر سن، جنس، مهارت و سوابق قومی و قبیله‌ای ممکنست نسبت به فشارها و تضییقات موجود در مبدأ و مجالها و امکانات موجود در مقصد عکس العملهای گوناگونی نشان دهند.

احتمال مهاجرت افرادی که در گروه میانه سنی (۲۰_۶۰ساله) قرار دارند بمراتب بیش از احتمال مهاجرت خردسالان و سالمندان است. تمایل زنان به مهاجرت به نقاط دوردست بسیار کمتر ازمردان است. پیشه‌وران وکارگران ماهر بیش ازکارگران ساده به مهاجرت تن در می‌دهند. این فرضیات با استفاده از «مدلهای جبری مهاجرت» (مثلا مدلهای جاذب، بالقوه ورجعی) واطلاعات کلی که‌ازسرشماریهای گوناگون گزارش شده، آزمون گردیده است.

۴ – مدلهای احتمالی مهاجرت نیز برای پیش‌بینی تصمیم به مهاجرت‌فردی پیشنهاد شده است. مثلا کولدرف **Kuldrof** محاسبات خود را در مورد احتمال مهاجرت، نخست برمبنای اندازه (ابعاد) و شکل مناطق مهاجر فرست بنا نهاده است. احتمال مهاجرت یک نفر باکاهش یافتن ابعاد واحد مکانی و یا انحراف آن از شکل دایره‌ای، افزایش می‌یابد. فرضیه **هارگراستراند Hargerstrand** چنین‌است که «مهاجرت منوط به تعداد دفعات نقل مکان، مجاورت و تماس با مهاجران قبلی از همان منطقه است» (۱۲).

مدل وانمودی‌پریس **(Price's Simultation Model)** مشخصات و خصوصیات مهاجران، ابعاد و اندازه جمعیت و مجاورت نواحی را مد نظر قرار می‌دهد(۱۳). بطور کلی، مدلهای احتمالی در مورد تصمیم به مهاجرتهای فردی نیازمند انواع خاصی از اطلاعات‌است که هم‌اکنون دست یافتنی نیست.

بیشتر نظریات و فرضیاتی که از آنها یاد شد، توسط دانشمندانی بیان گردیده است که این پدیده را در کشورهای توسعه یافته جهان مورد بررسی قرار داده‌اند. می‌توان گفت که اصولا از آزمون کردن عقاید و نظریات خود در کشورهای در حال توسعه طفره رفته‌اند.

جابجائی جمعیت در کشورهائی که دارای اقتصادی شکوفا است اغلب بصورت مهاجرت از شهری به شهر دیگر یا «کلان شهر گرائی» است. در مقابل، کشورهای در حال توسعه هنوز در حال تحول از اقتصاد کشاورزی روستائی به اقتصاد صنعتی شهری می‌باشند. نرخ فزاینده زادورود نرخ کاهنده مرگ ومیر، با سرازیر شدن مهاجران روستائی به شهرها دوچندان می گردد و فرایند شهرنشینی را تشدید میکند(۱۴). بالنتیجه، جریان بارز مهاجرت در چنین کشورهائی از روستاها و شهرکها بسوی مراکز عمده شهری است.

بعلاوه، شرایط کنونی زندگی مهاجران در شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه بهیچ روی با آنچه رونستین **Revenstein** در قرن نوزدهم اظهار داشت که «مهاجرت یعنی زندگی و پیشرفت و اقامت در یکجا یعنی رکود و کسادی» سازگار نیست. این اظهارات برای شرایط وموقعیت انگلستان در دوران انقلاب صنعتی صادق بود. تشکیلات عظیم صنعتی نیاز به نیروی کار داشت، و مهمتر از همه، این مؤسسات می‌توانست کارگران ساده و نیمه ماهر را جذب کند، یك زارع بسرعت می‌توانست شغلی را در یك شهر بیابدکه برایش درآمدی بمراتب بیش

ازشغل زراعت فراهم میآورد . درمقابل، صنعتی شدن کنونی کشورهای در حال توسعه (اگر بتوان آنرا چنین نامید) جنبه انقلابی ندارد و یک فرایند بلند مدت است.

با این همه، کارهای صنعتی آنقدر نیست که بتواند نیروی کاری را که می‌تواند مولد درآمد باشد جذب نماید، و مشکلات عمده‌ای که برای کشورهای توسعه نیافته پیش آمده است ، شهرنشینی روز افزونی است که با صنعتی شدن و رشد اقتصادی همگام و هماهنگ نیست ، و از این‌رو ، مهاجرتهای توده‌وار به کلان شهرها رشد اقتصادی یک کشور را مختل می‌سازد ، فعالیت‌های اقتصادی را در روستاها دچار وقفه می کند، و بیکاری را در شهرها پدید می‌آورد. وضع کنونی شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه در گفتار زیر بخوبی ترسیم شده است .

«در نتیجه نقل مکان بی‌رویه‌و ناهماهنگ از روستاها به‌شهرها شوم‌ترین سیمای شهرنشینی چهره می‌نماید . فقدان مسکن و بالنتیجه ازدحام بیش از حد ، ایجاد محلات پست و فقیرنشین ، نبودن وسائل زهکشی برای دفع فاضلاب و بالنتیجه آلودگی و کثافت، فقدان‌زمین-بازی و پارکهای عمومی و بنابراین پیدایش بزهکاری ، نداشتن تسهیلات بهداشتی و بهداری و در نتیجه بیماری، نبودن آب آشامیدنی سالم و بالنتیجه شیوع ناخوشی ، فقدان جاده و دیگر تسهیلات‌و بدلیل آن ناراحتی و ناآسودگی ، عدم اشتغال و پی آمد آن فقر وبیچارگی

همه به دلیل فوق است . در این گونه شهرها ، باده‌گساری ، قماربازی ، روسپی گری، جنایت و جورو تعدی پدیده‌هائی روزافزون است (۱۵) . ظاهراً ، گسترش سواد ، پدیدآمدن رسانه‌های گروهی و وسائل‌ارتباط و حمل‌ونقل ، آرزوها و انتظارات شهر نشینان را که از رکوداقتصادی کشور رنج می‌برند، افزون ساخته است. در تحت این شرایط‌مهاجرت نه تنها «پیشرفت» قلمداد نمی گردد، بلکه یك «فاجعه» بشمار می آید.

## نظری به علل مهاجرتهای داخلی ایران

بدون شك گسترش روزافزون شبکه راههاوارتباطات، رسانه‌های جمعی ، سوادآموزی وافزایش اطلاعات مردم‌ازامکانات شغلی،اقتصادی وخدماتی مناطق دوردست وخلاصه گسترش افق فکر وانتظارات آنان درامرازدیاد تحرك جغرافیائی جمعیت ایران‌اثرات قابل‌توجهی داشته است. ازظواهر نمایان این دگرگونی تمایل بشرگرائی وافزایش‌روز- افزون جمعیت شهری کشوراست . شهرهای‌بزرگ ایران‌بطور متوسط از نرخ رشدی در حدود ۵ درصد در سال برخـوردارند . مثلا جمعیت تهران‌از امروز ۴ میلیون گذشته‌است وهنوزبا وجود تنگناهای‌فراوان سیل مهاجرین بآن روی می‌آورد . پدیده کپرنشینی وزاغه نشینی که در اکثر شهرهای بزرگ ایران درسالهای اخیرظاهر گردیده از نتایج شوم شهر گرائی بیرویه روستائیان کشورناشی می‌شود . ازجمله دلایل متعددی که تا کنـون برای این شهر گرائی ناموزون وشدت مهاجرت

بیان داشته‌اند توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد بین مناطق روستائی و شهری حائز اهمیت خاص می‌باشد.

ارقام داده شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که در کلیه سطوح مهارتها درآمد کارگران روستائی به مراتب کمتر از کارگران شهری می‌باشد. بنابراین هر انسان منطقی که از این تفاوت فاحش مطلع باشد شهر را برای محل کار و زندگی خود و بستگانش انتخاب خواهد کرد. از این رو در حدود ۹۲ درصد از مردانی که برای جستجوی کار زادگاه و محل زندگی پیشین خود را ترک کرده اند به شهرها روی آورده‌اند (جدول ۲). به همین منوال بیشتر کسانی که برای یافتن کار بهتر تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند در مناطق شهری کشور مأوی گزیده‌اند. مهاجرتهای داخلی هر جامعه از سنتهای جاری در آن متأثر می‌شوند.

در ایران که خانواده و همبستگیهای قومی هنوز تا حدودی بر قدرت دیرینه خود باقی هستند باعث گردیده که بیش از ۶۹ درصد از کل مهاجرین بخاطر تبعیت از دیگر اعضاء خانواده خود محل سکونت قبلی خویش را ترک نمایند. در بین مهاجرین تبعی درصد زنان که بعلت ازدواج و پیروی از خانواده بشهر آمده‌اند اکثریت دارند. البته تحصیل و انتقال محل کار از لحاظ اهمیت در درجات بعدی قرار می‌گیرد. (جدول ۲).

مطالعه نتایج حاصله از بررسیهای نیروی انسانی در ایران در سال ۱۳۴۴ و اخیراً در سال ۱۳۵۱ نشان می‌دهد که مهاجرت مهاجرین اصلی بیشتر بخاطر یافتن کار و کار بهتر صورت پذیرفته است. در این زمینه

جدول ۱ ـ توزیع مزد و حقوق بگیران بر حسب مهارت، متوسط دستمزد در مناطق شهری و روستائی در سال ۱۳۵۱

| مهارت | کل کشور | | مناطق شهری | | | مناطق روستائی | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | تعداد | متوسط مزد | تعداد | درصد | متوسط مزد | تعداد | درصد | متوسط مزد |
| کشاورز | ۴۴۰،۲۷۴ | ۵۳۹ | ۶۰،۳۶۰ | ۱۳/۷ | ۷۹۴ | ۳۷۹،۹۱۴ | ۸۶/۳ | ۴۹۸ |
| ساده | ۸۱۱،۲۵۶ | ۶۷۱ | ۴۸۵،۵۶۷ | ۵۹/۸ | ۷۴۳ | ۳۲۵،۶۸۹ | ۴۵/۲ | ۵۶۴ |
| ماهر | ۱،۴۵۷،۹۳۰ | ۱۴۵۰ | ۱،۱۶۱،۹۹۱ | ۷۹/۷ | ۱۶۱۰ | ۲۹۵،۹۳۹ | ۲۵/۳ | ۸۲۱ |
| استادکار | ۱۱۱،۴۰۰ | ۲۲۲۷ | ۸۷.۸۸۶ | ۷۸/۹ | ۲۴۷۶ | ۲۳.۵۱۴ | ۲۱/۱ | ۱۴۴۰ |
| متخصص عالی | ۸۲،۲۰۸ | ۶۱۵۴ | ۸۰،۵۹۰ | ۹۸/۵ | ۶۱۹۹ | ۱.۶۱۸ | ۵۲/۵ | ۳۹۳۷ |
| اظهار نشده | ۲۰۴ | ۱۳۹ | ۵۷ | ۲۷/۹ | ۴۹۷ | ۱۴۷ | ۷۲/۱ | — |
| جمع | ۲،۹۰۳،۲۷۲ | ۱۲۵۸ | ۱،۸۷۶،۴۵۱ | ۶۴/۶ | ۱۵۹۷ | ۱،۵۲۶،۸۲۱ | ۳۵/۴ | ۶۳۹ |

منبع : مرکز آمار ایران ـ نتایج آمارگیری نیروی انسانی ۱۳۵۱

جدول ۲ ـ جمعیت مهاجر در مناطق شهری و روستائی کشور بر حسب علل مهاجرت و جنس ـ ۱۳۵۱

| علل مهاجرت | جمع کل (۱۰۰۰) | در صد | نیروی کار * جمع | ٪ مرد شهری | ٪ زن شهری | ٪ زن و مرد روستائی | ٪ جمع |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| جستجوی کار | ۱۸۲ | ۴/۲ | ۱۷۲ | ۹۲/۱ | ۵/۷ | ۲/۲ | ۱۰۰ |
| کار بهتر | ۶۹۲ | ۱۶/۲ | ۶۲۵ | ۸۹/۰ | ۰/۲ | ۱۰/۸ | ۱۰۰ |
| تحصیل | ۲۷ | ۰/۷ | ۲۶ | ۸۷/۹ | ۹/۶ | ۲/۵ | ۱۰۰ |
| انتقال کار | ۲۰۲ | ۴/۸ | ۱۹۰ | ۸۶/۹ | ۴/۲ | ۸/۹ | ۱۰۰ |
| تبعیت فامیل | ۲،۶۶۴ | ۶۲/۳ | ۱،۸۵۹ | ۳۰/۹ | ۶۰/۸ | ۸/۳ | ۱۰۰ |
| ازدواج | ۳۲۶ | ۷/۶ | ۳۲۲ | ۰/۹ | ۸۴/۱ | ۱۵/۰ | ۱۰۰ |
| سایر | ۱۷۷ | ۴/۲ | ۱۵۰ | ۶۳/۱ | ۱۲/۳ | ۲۴/۶ | ۱۰۰ |
| جمع | ۴،۲۷۴ | ۱۰۰/۰ | ۳،۳۴۸ | ۴۷/۳ | ۴۳/۱ | ۹/۶ | — |

---

* نیروی کار در اینجا شامل کلیه کسانی که بین سنین ۱۵ ـ ۶۴ هستند می‌گردد.

ماخذ مرکز آمار ایران ـ اداره کل آمار نیروی انسانی ـ نتایج آمارگیری نیروی انسانی ۱۳۵۱

جدول ۳ ـ نتایج محاسبه ضریب همبستگی بین تعداد کل مهاجرین و مهاجرین ده سن کار

ومتغیرهای وابسته بآنها ـ استانهای ایران ـ سال ۱۳۴۵

(برحسب لگاریتم)

| متغیرهای مستقل | مهاجرین دهسال و بالاتر | | | کل مهاجرین | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | B یا شیب خط رگرسیون | نتایج آزمون t | ترتیب ورود به معادله | B یا شیب خط رگرسیون | نتایج آزمون t | ترتیب ورود به معادله |
| ۲ـ درامد مبدا $W_i =$ | -۰/۲۸۸ | -۰/۸۰۳ | ۱۳ | -۰/۳۴۶ | -۰/۹۴۰ | ۱۳ |
| ۳ـ درآمد مقصد $W_j =$ | ۱/۱۱۱ | ۳/۰۷۱ | ۵ | ۰/۹۲۵ | ۲/۴۸۹ | ۸ |
| ۴ـ کارآئی مبدأ $V_i =$ | -۰/۴۰۵ | -۱/۳۶۵ | ۷ | -۰/۲۳۶ | -۰/۷۷۴ | ۵ |
| ۵ـ کارآئی مقصد $V_j =$ | ۰/۲۷۸ | ۰/۹۳۱ | ۱۲ | -۰/۳۱۵ | ۱/۰۲۵ | ۹ |
| ۶ـ کم کارشهری مبدأ $U_{1i} =$ | ۰/۴۷۵ | ۴/۰۶۶ | ۶ | ۰/۴۳۹ | ۳/۶۵۸ | ۶ |
| ۷ـ کم کار شهری مقصد $U_{1j} =$ | ۰/۰۹۰ | ۰/۷۹۲ | ۲ | ۰/۱۰۳ | ۰/۸۸۰ | ۲ |
| ۸ـ کم کارروستائی مبدأ $U_{2i} =$ | ۰/۲۰۷ | ۱/۰۳۲ | ۱۱ | ۰/۳۲۵ | ۱/۵۷۲ | ۱۱ |
| ۹ـ کم کارروستائی مقصد $U_{2j} =$ | ۰/۵۳۱ | ۲/۶۳۸ | ۸ | ۰/۴۸۷ | ۲/۳۵۵ | ۱۳ |
| ۱۰ـ بیکارشهری مبدأ $U_{3i} =$ | ۰/۵۲۹ | ۴/۰۱۶ | ۱ | ۰/۴۸۹ | ۳/۶۱۳ | ۱ |
| ۱۱ـ بیکارشهری مقصد $U_{3j} =$ | ۰/۲۵۹ | ۱/۹۹۰ | ۴ | ۰/۲۹۱ | ۲/۱۷۲ | ۴ |
| ۱۲ـ بیکارروستائی مبدأ $U_{4i} =$ | -۰/۱۴۱ | -۰/۸۹۵ | ۱۰ | -۰/۰۲۱ | -۰/۱۲۶ | ۱۲ |
| ۱۳ـ بیکارروستائی مقصد $U_{4j} =$ | ۰/۳۵۷ | ۲/۳۶۱ | ۹ | ۰/۴۰۶ | ۲/۶۴۰ | ۹ |
| $R^2$ / F | ۰/۶۵ | ۴۵/۷۵۱ | | ۰/۶۴ | ۴۴/۵۲۶ | |

مطالعه‌ای در دست انجام است که بخشی از یافته‌های مقدماتی آنرا بصورت خیلی اجمالی و ساده در این مقاله بیان داشته‌ایم.

براساس تئوریهای مهاجرت که درصفحات پیشین مختصراً بدان اشاره شد و اطلاعات ارائه شده درجداول فوق فرضیه‌های زیر را می‌توان در بارهٔ مهاجرت نیروی انسانی در بین ۲۱ استان (منطقه) ایران بیان داشت. ضمناً برای تعریف علامات و نتایج به جدول ۳ مراجعه کنید.

۱ ـ انتظار میرود که هرچه فاصله بین دومنطقه ($D_{ij}$) کمتر باشد مهاجرت در بین آنها بیشتر خواهد بود (ضریب همبستگی منفی)

۲ ـ هرچه درآمد یا سطح مزدها در منطقه‌ای بالاتر باشد ($W_i$) مهاجرت از آن منطقه کمتر صورت خواهد گرفت. (ضریب همبستگی منفی)

۳ ـ هرچه درآمد یا سطح مزدها در یك منطقه بالاتر باشد ($W_j$) مهاجرت بآن منطقه بیشتر خواهد بود (ضریب همبستگی مثبت).

۴ ـ هرچه کارآئی کارگران در یك منطقه یا استان بیشتر باشد ($V_i$) برون کوچی از آن کمتر صورت خواهد گرفت (ضریب همبستگی منفی).

۵ ـ برعکس هرچه کارآئی کارگران در یك منطقه بیشتر است ($Vi$) درون کوچی بر آن منطقه بیشتر انتظار می رود. (ضریب همبستگی مثبت).

۶ ـ انتظار می رود برون کوچی از هر استان بامیزان کم کاری در

مناطق شهری آن منطقه ($U_{1i}$) رابطه مثبت داشته‌باشد.

۷ ـ انتظار می‌رود درون کوچی به هریك ازاستانهای ایران با میزان کم کاری درمناطق شهری آن‌استان ($U_{1j}$) رابطه منفی نشان‌دهد.

۸ ـ کم‌کاری درمنـاطق روستائی مهـاجرفرست ($U_{2i}$) برون کوچی راتشویق می کند. (ضریب همبستگی مثبت).

۹ ـ مناطقی‌که در آن کارگران دچارکم کاری هستند ($U_{2j}$) کمتر مهاجربخود جلب می‌نماید. (ضریب همبستگی منفی)

۱۰ ـ بیکاری در مناطق شهری استانها ($U_{3i}$) برون کوچی را تشویق می کند. (ضریب همبستگی مثبت)

۱۱ ـ استانهائی که در مناطق شهری آنها نرخ بیکاری بالاست ($U_{3j}$) برای کارگران از کشش کمتری برخوردار است. (ضریب همبستگی منفی)

۱۲ ـ بیکاری زیاد درسطح روستاهای استانها ($U_{4i}$) باعث‌برون کوچی می گردد. (ضریب همبستگی مثبت)

۱۳ ـ بالاخره بیکاری زیادی درسطح روستاهای‌استان ($U_{4j}$) از کشش آن منطقـه بـرای کسانی که بدنبال کار می گردند می‌کاهد. (ضریب همبستگی منفی)

به منظور آزمایش فرضیه‌های بالا، ماتریکسی از کلیه مهاجرتهای بین‌استانی‌ایران به ابعـاد ۲۱ × ۲۱ ترتیب داده شده که در آن مهاجرت ازهراستان به استانهای دیگر نشان داده شده‌است.[16] (شکل۲) دراین

نوع ماتریکس ۴۲۰ = ۲۰ × ۲۱ حرکت ممکن می‌باشد .

ضریب همبستگی چند بعدی بین مهاجرت افراد دهساله و بالاتر (نیروی کار) و کل مهاجرین را با ۱۳ متغیر مستقل به کمک کامپیوتر محاسبه کرده‌ایم که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است. بررسی دقیق نتایج مندرج در این جدول روشن می‌سازد که فرضیه‌های ۱ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۴ ـ ۵ ـ ۶ ـ ۷ ـ ۸ و ۱۰ دارای ضریب همبستگیهائی با علامات پیش بینی شده می‌باشند وفرضیه های مربوطه را تأیید می نمایند . به عبارت دیگر

۱) مهاجرین نقاط نزدیک را بر نقاط دوردست برای زندگی ترجیح می‌دهند .

۲ ) سطح مزدها و کارآئی کارگران صنعتی عوامل رانش و کشش مهاجرین بین منطقه ای ایرانند وبالاخره

۳ ) کارگران از مناطق شهری که سطح کم کاری و بیکاری نسبةً بالاتری دارند مهاجرت می کنند .

ازطرفی دیگر ضریب همبستگی متغیرهای ۷ ـ ۹ ـ ۱۱ ـ ۱۲ و ۱۳ دارای علامتی کاملا متفاوت از آنچه انتظار می‌رفت می باشند. بدین معنی که استانهائی که دارای کم کاری و یا بیکاری بیشتر هستند مهاجر پذیرند درحالی که می بایستی کمتر مورد توجه مهاجرینی که درجستجوی کارند قرار گیرد . این روند بنظر می‌رسد از عوامل زیر متأثر باشد :

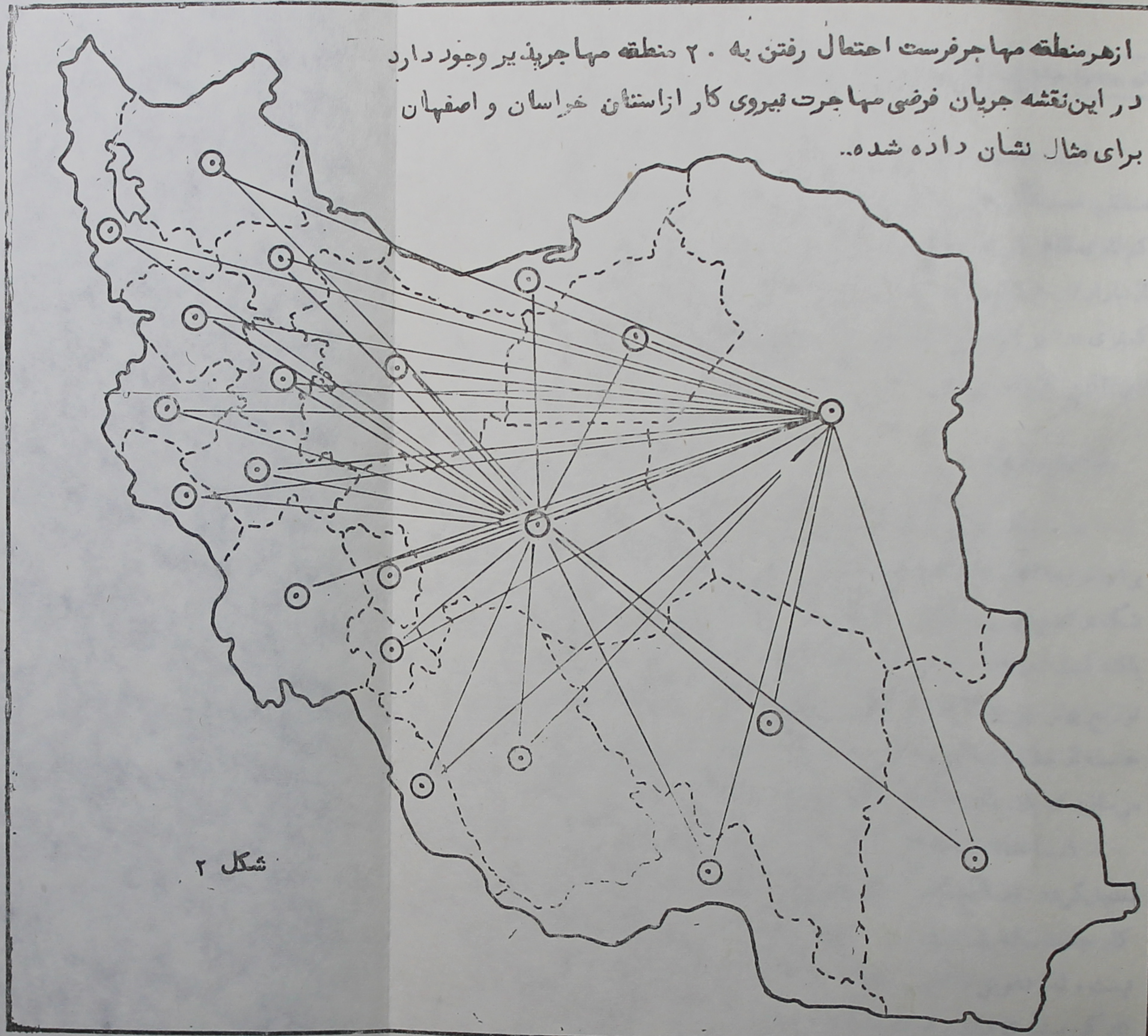
۱ ـ مهاجرت روستائیان و عشایر بسوی شهرها بیشتر بخاطر کمی درآمد ، بیکاری و کم کاری و خشکسالی و کمبود آب و ازدست

رفتن دامها صورت می‌گیرد. وجود این شرایط در منطقه مهاجرفرست القاگر فکر ترك موطن می‌باشد.

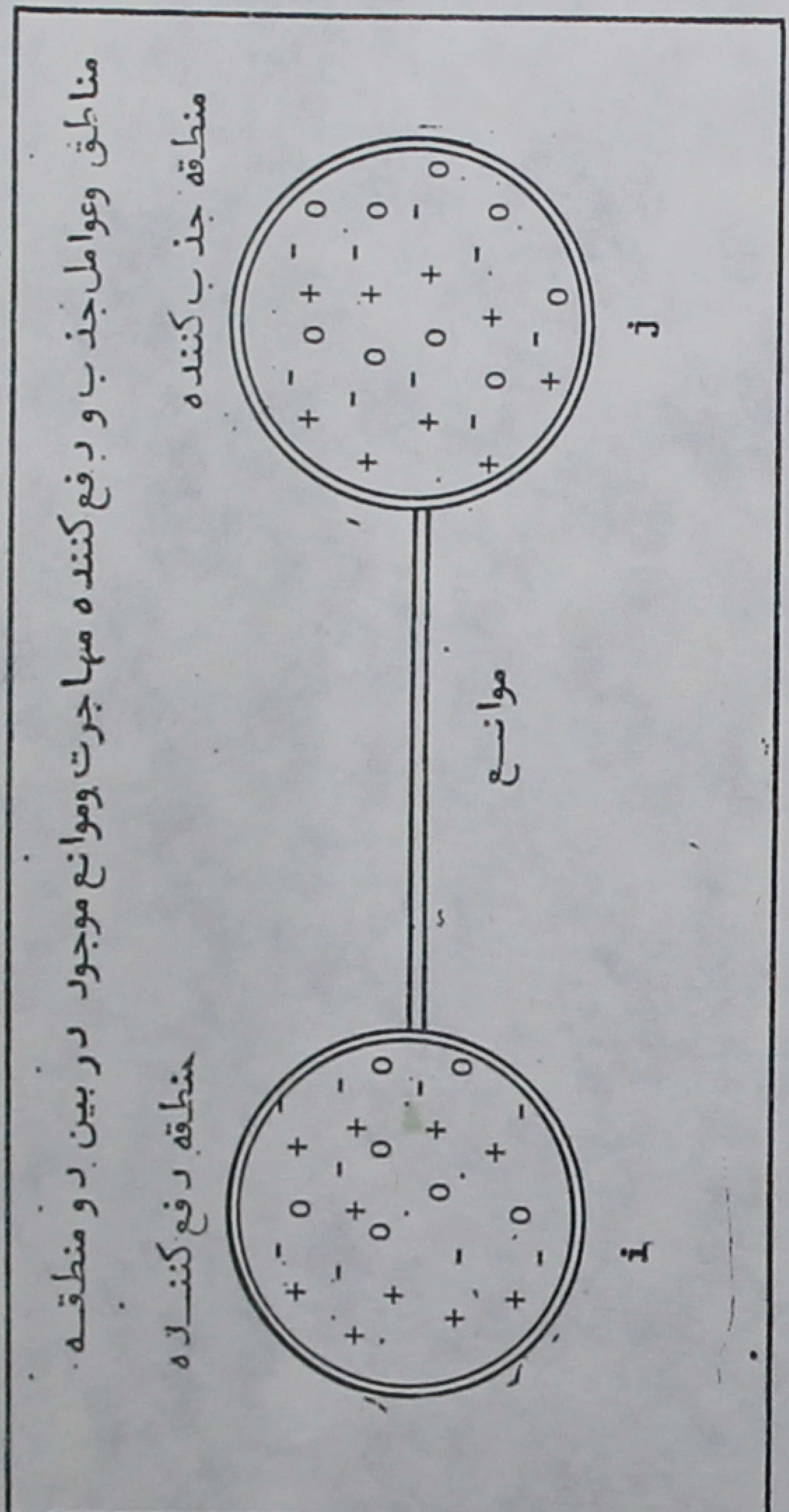
۲ـ اطلاع و آگاهی از امکانات شغلی و مالی دیگر مناطق که معمولا ازطریق دوستان و خویشان و همچنین تماسهای رویاروی بدست می‌آید ناگزیر برای گزینش بهترین منطقه ممکن در بین مناطق کشور کافی نیست. فرد روستائی نیاز به تغییر محل زندگی را احساس می‌کند ولی اطلاعاتش برای انتخاب مقصد ناکافی است.

۳ـ در تحت این شرایط مناطقی که قبلا خویشان و آشنایان بدانجا کوچ کرده‌اند مورد توجه قرار می‌گیرد. اقوام می‌توانندبرای مدتی محدود فرد جدید را بعنوان میهمان در خانه خود پذیرا گردند و واسطه آشنائی فرد جدید با دوستان و خویشان شوند و در صورت امکان برای او شغلی فراهم آورند. آشنائی قبلی با کسی در یك کارـ خانه یا کارگاه حتی اگر کارگر ساده‌ای باشد گرفتن شغل را برای تازه‌وارد آسان‌تر می‌کند و آشنائی با محل جدید بدین صورت با زحمت وصرف وقت کمتری حاصل می‌گردد.

۴ـ معمولا در شهرهای بزرگ هسته‌های کپرنشینی و زاغه‌نشینی را روستائیان رانده شده و کم کار تشکیل می‌دهند به دنبالشان دیگر آشنایان بدین مرکز روی می‌آورند. از این رو تازه‌واردین به‌گروه بیکاران و کم کاران پیوسته و رقابت برای بدست آوردن مشاغل جدید و منابع موجود بوجود می‌آید.


ازهرمنطقه مهاجرفرست احتمال رفتن به ۲۰ منطقه مهاجرپذیر وجود دارد
در این نقشه جریان فرضی مهاجرت نیروی کار ازاستان خراسان و اصفهان
برای مثال نشان داده شده.

شکل ۲


مناطق وعوامل جذب و دفع کننده مهاجرت وموانع موجود در بین دو منطقه
منطقه جذب کننده
منطقه دفع کننده
موانع

شکل - ۱ -

اثرات مشترك این عوامل در مطالعه حاضر بصورت مسأله غیر منطقی همبستگی منفی رابین مهاجرت به یك منطقه و درجه بیکاری و کم کاری ظاهریش در حالی که تحت شرایط عادی که اطلاعات مهاجرین از بازارکار مناطق دیگر کامل باشد و عوامل فرهنگی اجتماعی دخالت کمتری در امر کاریابی و جستجوی خانه و محل زیست دارند، عکس این نتایج انتظار می‌رود.

**خلاصه و نتیجه**

در سالهای اخیر که با افزایش درآمد نفت مسأله تأمین سرمایه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای نفت‌خیز مطرح نیست، تنگنای کمبودنیروی انسانی ماهر وتوزیع نابسامان آن اهمیت بیشتری یافته است. مطالعه مهاجرتهای داخلی بمنظورارائه طریق منطقی برای توزیع بهتر نیروی کار محدود فعلی شایان توجه خاص می‌باشد. نتایج حاصله از مطالعات اخیر دربارهٔ جابجائی نیروی انسانی در ایران روشن می‌سازد که یك سلسله اقدامات اساسی ضرورت و فوریت دارند.

۱ ـ اختلاف چشمگیر درآمد روستانشینان وشهرنشینان بایستی تعدیل گردد. از آنجا که کشاورزی فعلی ایران قادر به جذب نیروی کار جدید ـ که در نتیجه رشد سریع جمعیت پیوسته افزایش می‌یابد نیست، لذا تشویق و تأسیس صنایع خانگی و سبك که طبیعتاً نیاز به کارگر بیشتری دارد، در روستاها به منظور جلب مهاجرین وکمك به

درآمد آنان از ضروریات است. صنایع محلی و منطقه‌ای روستاها و عشایر ایران در نوع خود چنان پیشرفته و ریشه دارندکه با اندکی کمك مالی و آموزش شیوه‌ها و فنون جدید می‌توان منبع درآمدقابل توجهی گردد.

۲ ـ اصلاحات ارضی باهمه فوائد و اثرات نیکوئی که ببارآورد کارگران‌کشاورزی‌که صاحب نسق زراعتی نبودند (خوش‌نشینان) را شامل نگردید. از سوی دیگر با اشاعه‌کشاورزی مکانیزه در ایران نیاز به کارگر ساده کشاورزی همواره کمتر می‌شود. این‌گروه‌کشاورز بدون زمین که صاحب علقه و دلبستگی در روستا نیست از تحرك‌خاصی برخوردار است. هدایت و استفاده منطقی از این گروه کارگران کشاورزی بدون زمین‌احتیاج به برنامه‌ریزی خاصی دارد.

۳ ـ سیستم کاریابی فعلی که بوسیله اقوام و آشنایان و بدون هیچگونه توجه به استعدادها و مهارتهای کارگران عمل می‌کند باعث بهدر رفتن منابع انسانی کشور است.

مؤسسات کاریابی دولتی که بتوانند اعتماد کارگر و کارفرما را جلب کنند، قادر خواهند بود در راهنمائی‌کسانی‌که در جستجوی‌کارند نقش مهمی ایفا نمایند. کارآئی یك چنین دستگاه اطلاعاتی مجهز می‌تواند از انباشته شدن‌کارگران در مناطقی که‌کم‌کاری و بیکاری‌وجود داردجلوگیری کند.

۴ ـ علیرغم تمام‌کوششهائی که در کشورهای در حال توسعه‌برای

کنترل مهاجرت روستائیان به شهرها صورت می گیرد ، این روند هم‌چنان ادامه خواهد یافت. لذا باید این حقیقت را پذیرفت و چاره‌اندیشی کرد. ولی چاره‌ها باید متناسب و درخور موقعیت خاص کشور باشد حتی برنامه‌های کلی در سطح مملکت نمی‌تواند چندان مفید واقع‌شود. برنامه ریزی نیروی انسانی در سطح مناطق کوچك لازم است تا منابع طبیعی انسانی و فنی محل را بکار گرفته و بنیاد اقتصادی نوینی را پی‌ریزی کند.

۵ ـ صنایع جدید ایران بیشتر سرمایه خواه هستند ، در حالی که نیروی کار اضافی در کشور فراوان است. ایجاد تعادل بین تکنولوژی پیشرفته و بوجود آوردن شغل برای کارگران ضروری است.

۶ ـ سیاست خانه‌سازی و ایجاد خدمات برای گروههای مهاجر در شهرها در هیچ‌یك از نقاط دنیا موفق نبوده است. این سیاست باعث تشویق هرچه بیشتر روستائیان و مردم شهرهای کوچك به مهاجرت به شهرهای بزرگ است که محل اجرای چنین برنامه‌های رفاهی هستند. به موازات ایجاد وسائل رفاهی برای مهاجرین وطبقات کم در آمد لازم است اقداماتی جهت سوادآموزی ، آموزش حرفه‌ای ، راهنمائی شغلی و کمك دریافتن کار و خلاصه آماده‌کردن افراد برای زندگی درمحیط اقتصادی و اجتماعی ناآشنا صورت گیرد.

۷ ـ هماهنگی صادقانه بین دستگاهها و سازمانهای مسؤول مانند مسکن و شهرسازی ، نیروی انسانی ، آموزش‌وپرورش ، بهداشت و تنظیم

خانواده و غیره می‌تواند در بهسازی زندگی روستائیان و پیشگیری از مهاجرتهای بی‌رویه آنان به شهرها سهم عمده‌ای داشته باشد .

## منابع


1— Edgar Kant, "Classification and problems of Migrations" in P. L. Wagner and M. W. Mikesell's Readings in *Cultural Geography,* (The University of Chicago press, Chicago, 1962), pp. 342-354.

2— Robert F. Wiseman and Curtis C. Roseman, "Morphological patterns of Human and Animal Movement." (Paper presented to the *AAG,* West Lake Division, Northern Illinois University, November 23-24, 1970).

3— John D. Nystuen, "Identification of some Fundamental Spatial Concepts," in Brian J. L. Berry and Duane F. Marble, *Spatial Analysis : A Reader in Statistical Geography* (Prentice-Hall, Inc., Englewood, Calif., New Jersey, 1968), pp. 35-41 : and G.P. Papageorgiou,"Identification of a Basis Necessary to the Analysis of Spatial Systems, *"Geographical Analysis,* Vol. (April 1969), pp. 213-215.

4— For a more detailed treatment of these points, see : Cary L. Fowler, "The GeographicBasis of Human Migration Systems" (Mimeographed, Departmentof Geography, University of Kentucky, 1970).

5— E. G. Ravenstein, "The Laws of Migration," *Journal ofthe Royal Statistical Society,* Vol. 48 (June, 1885) and Vol . 52 (June, 1889);

and Arthur Redford, *Labor Migration in England,* 1800-1850. (Manchester : Unversity Press, 1926).

6— Everett S . Lee, "A Theory of Migration," *Demogrphy,* Vol. 3 (1966), pp. 47-57.

7— George K. Zipf, "The P1 P2/D Hypothesis : in the Intercity Movement of Persons," *American Sociogical Review,* Vol. 11 (1946), pp. 677-686; and Samuel A. Stouffer, "Intervening Opportunities : A Theory Relating Mobility and Distance,'" *American Sociological Review,* Vol. 5 (1940), pp. 845-867; and, "Intervening Opportunities and Competing Migrants," *Journal of Regional Science* Vol. 2 (1960), pp. 1-26.

8— Ira S. Lowry, *Migration and Metropolitan Growth : Two Analytical Models* (San Francisco : Chandler Publishing Company, 1966); and Andrei Rogers, *Matrix Analvsis of Interregional Population Growth and Distribution* (Berkeley and Los Angeles : University of California Press, 1968).

9-- F.R. Oliver, "Inter-regional Migration and Unemployment, 1951-61," *Journal of the RoyalStatistical Society,* Vol. 127 (1964), pp. 42-75.

10— Theodore W.Schultz, "Reflections on Investment in Man," *Journal of Political Economy,* Vol. 60, Part 2 (October, 1962), pp. 1-9 : and Larry A. Sjaastad, "The Costs and Returns of Human Migration," *Journal of Political Economy,* Vol. 60, Part 2 (October, 1962), and also L. A. Sjaastad, "The Relationship Between Migration and Income in the United Staes, "Papers and Proceedings of the Regional Science Association, Vol. 6 (1960), pp. 37-54.

11— For a summary of migration differentials, see : James M. Beshers and Eleanor N. Nishiura, "A Theory of Internal Migration Dif-

ferentials," *Social Forces,* Vol. 39 (1961), pp. 214-218.

12— Torsten Hagerstrand, "Migration and Area:" in Hannerberg, David e., *Migration in Sweden : A Symposium,* Lund Studies in Geography, Series B, Human Geography, No. 13 (Lund, Sweden : C.W. K. Gleerap, 1956), pp. 27-158.

13— Daniel O. Price, "A Mathematical Model of Migration Suitable for Simulation on an Electric Computer," Proceedings, International Population Conference Wien, 1959, pp. 665-673.

14— Kingsley Davis, "The Urbanization of the Human Population, *Scientific American,* Vol. 213 (September, 1965), pp. 40-53. For the pattern of urbanization in the Middle East, see : Isis Ragheb (Southall), "Pattern of Urban Growth in the Middle East" in Breese, Gerald, ed., *The City in Newly Developing Countries : Reading on Urbanism and Urbanization* (Prentice-Hall : Englewood Cliffs, N.J., 1969), pp. 104-126.

15— A. Rashid Ibrahim, "The Influence of Industrialization on Culture in Developing Countries" in Robinson, Ronald *Industrialization in Developing* Countries (Cambridge University Overseas Studies Committee, pp. 187.

۱۶ ـ اطلاعات بکار رفته در این قسمت از نشریه زیر استخراج گردیده است : سازمان برنامه ـ مرکز آمار ایران ـ پژوهشی در مهاجرت‌های داخلی کشور براساس زادگاه و محل اقامت در زمان سرشماری ۱۳۴۵ ـ جلد اول دیماه ۱۳۵۱

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی



Ferdowsi University
Faculty of Letters and Humanities

# Lectures given in the First Seminar

# on

# «Regional Geographical Problems in Iran»

Edited by

Maḥmūd ʻAlavī

*Ferdowsi University Press*

Ferdowsi University

Faculty of Letters and Humanities

# Lectures given in the First Seminar

# on

# «Regional Geographical Problems in Iran»

Edited by

Maḥmūd 'Alavī

*Ferdowsi University Press*